



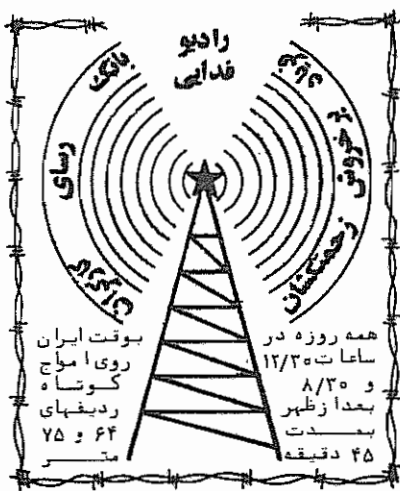
اول ماه مه، روز همبستگی کارگران سراسر جهان
به کارگران ایران، فرخنده باد



اطلاعیه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خطاب به کارگران سراسر ایران

کارگران مبارز سراسر ایران!



**یاد رفیق
مرضیه
احمدی اسکونی
آموزگار فدایی
و دوست
جوانان روستا
گرامی باد!**

روز اول ماهه (۱۱ اردیبهشت) در حال فرا رسیدن است. در این روز میلیونها کارگر در سراسر جهان بیداری و آگاهی طبقاتی و هم بستگی مبارزاتیشان را علیه نظام سرمایه داری ستم و استثمارش میگیرند. کارگران سراسر جهان در این روز دست از کار میکشند تولید را در همه جا متوقف میکنند و قدرت و توان عظیم خود را در برابر دنیای سرمایه، دنیای ستم و استثمار و بندگی به نمایش میگذارند و به کلیه مرتجعین سراسر جهان نشان میدهند که دوران حکومت آنها به پایان رسیده است. طبقه کارگر ایران نیز بعنوان یک گردان زارنش جهانی طبقه کارگر با ایدام اکنون خود را برای برگذاری هر چه باشکوه تر این روز تاریخی آماده کند.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی این پازرتترین تجسم تمام ستمگریهای نظام سرمایه داری که ابتدایی ترین حقوق انسانی را نیز از عموم توده های زحمتکش مردم ایران سلب نموده و طبقه کارگر را از حقوق صنفی و سیاسی خود محروم نموده است حتی تعطیلی روز اول ماهه همین دست آورد مبارزاتی کارگران را ملغی نموده و سال گذشته از کارگران ایران خواست که بر سر کار حاضر شوند. اما امسال کارگران ایران از هم اکنون باید خود را با رویا روشی مستقیم با رژیم جمهوری اسلامی در این روز آماده کنند، کارگران ایران باید این روز را به عرصه قدرت نمایی خود علیه سرمایه داران و رژیم پاسدار منافع آنها تبدیل کنند. کارگران سراسر ایران باید در روز اول ماهه در سراسر ایران دست از کار بکشند، تولید را متوقف سازند، این روز را همانند تمام کارگران سراسر جهان تعطیل اعلام کنند و با شعارهایی بر ضد جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق که یکی از شمرات تکلیت با روفجایع عدیده نظام سرمایه داری است، دست به تظاهرات خیابانی بزنند.

بقیه در صفحه ۹

اول اردیبهشت



از هیولانه تشریح کانون مستقل استان دانشگاه ملی ایران

تداوم

راه سرخ ۱۶ آذر

راگرمی می داریم

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق



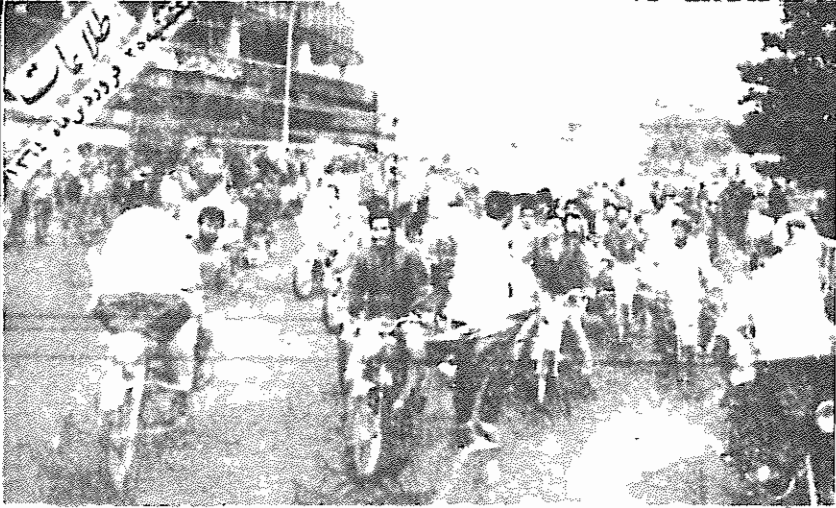
اوج گیری خیزش توده‌ای در آستانه روز اول ماه مه

در آستانه سالگشت روز اول ماه مه، روز جهانی همبستگی کارگران، مبارزه کارگران و زحمتکشان میهن ما علیه رژیم چهل و جنایت جمهوری اسلامی باردیکر اوج می‌گیرد. میلیونها را حامی انقلاب اسلامی و ادامه جنگ یعنی در تاریخ ۲۵ فروردین ماه، کارگر و زحمتکشی که از سلطه نظام تا سرنگونی صدام حسین اعلام می‌کردند، علیرغم تمام تلاشی که برای کتمان آن سرمایه‌داری و از حاکمیت رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی به تنگ آمده‌اند، علیه جنگ و بویژه تظاهرات ده‌هزارا اعتراض رژیم به دستگیری حدود ۳۵۰ تن اندک‌اندک ترس و واهمه در برابر نفری مردم مبارز کوی سیزده آبان، از عوامل اصلی این خیزش توده‌ای که رگانهای رنکارنک سرکوب رژیم را خود مجبور شدند که به اوج‌گیری رژیم از آن بعنوان "آشوب سیزده آبان" بکنار گذارده و خشم، نفرت و اعتراض ناراضی‌های مردم، هرچند بطور ضمنی، یاد می‌کند، خود کویای ابعاد توده‌ای خود را، خاصه در مورد جنگ ارتجاعی اعتراف کنند.

ایران و عراق و مصائب عدیده ناتی تظاهرات توده‌ای مردم زحمتکش سکل گیری تظاهرات مردم کوی از آن به نمایش می‌گذارند. کوی سیزده آبان در ۲۱ فروردین ماه سیزده آبان که ابتدا از یک جمع کوچک بمبارانهای اخیر شهرها که طی سال جاری که طی آن نفرت، انزجار و محدود شروع کردید، و بعد از مدت آن هزاران نفر از مردم دو کشور جان و خشم عمومی مردم از رژیم با شعار کوتاهی با پیوستن زحمتکشان محله‌های خود را از دست داده‌اند نیز عامل هائی علیه رژیم و علیه جنگ به نمایش اطراف، به ده‌هزار نفر بالغ کردید، جدیدی در زمینه‌سازی اعتراضات توده‌ای اخیر شده است. سردمداران

فهرست مطالب

- | | | |
|----|----------------------------------|------------------------------------|
| ۶ | ● اخبار ایران | ● بحران آفریقای جنوبی و نقش |
| ۹ | ● دومین اطلاعیه سچفا بمناسبت | ● امپریالیسم |
| ۱۲ | ● نزدیک شدن اول ماه مه | ● صاحب‌های با رانادیوه، عضو هیئت |
| ۱۴ | ● گشت و گذار: در حاشیه نمایش - | سیاسی حزب کمونیست (مارکسیست) |
| ۱۷ | ● دیدنوی مجاهدین | ● هــــند |
| ۲۰ | ● اخبار دانشجویی | ● آموزش‌واژه‌ها و مقوله‌های فلسفی، |
| ۲۳ | ● زنان و مبارزه | سیاسی و اجتماعی |
| ۲۵ | ● در حاشیه برگزاری تظاهرات مجا - | ● از خوانندگان |
| | ● هدین در بن | ● گزارش رسیده از ایران |
| | ● اخبار جهان | ● جایگاه زن در شعر سنتی فارسی .. |
| | ● کودتای سودان: حیلله کهنه شده | ● شعر |
| | ● امپریالیسم | ● کمکهای مالی |
| | ● گزارشی از اعتصاب کارگران معا - | ● گرچه ما میگذریم |
| | ● دن ذغال سنگ انگلستان | |



با انجام تظاهراتی در مناطق شمالی تهران

موتورسواران حزب الهی حمایت خود را از اقدامات نیروهای انتظامی برای حفظ شئون اسلامی در جامعه اعلام داشتند

دولت آباد و نازی آباد خشم و نفرت خود را از جنگ ارتجاعی ایران و عراق و حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، ابراز نمودند. در روز ۲۴ فروردین ماه صدها نفر از مردم راه آهن با شعارهای ضد رژیم دست به تظاهرات زدند. بعد تظاهرات صدها نفر از مردم آباد به درگیری خونینی بین آنها و پاسداران کشیده شد. در این روز در خیابان مصدق مردم بمقابله با گلسه موتورسواران حزب الهی که برای ایجاد رعب و وحشت، چون سگان هار به گشت در خیابانها پرداخته بودند، ایردیهشت ماه نیز چندین تظاهراتی در بندر انزلی، سنندج، مشهد، تبریز، سال جاری، خیابان شیخ هادی تهران و... صورت گرفت.

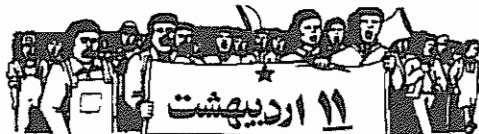
نیز شاهد تظاهرات مردمی بود که از حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی به تنگ آبان به سایر نقاط تهران و همچنین آمده بودند. طی هفته های گذشته دهها سایر شهرها در عرض دو هفته، میسین حرکت اعتراضی دیگر در تهران و شهر - این واقعیت است که جنبش مردم دیگر های دیگر به وقوع پیوست.

در اواسط فروردین ماه بیش از سر میگذارد و وارد مرحله جدیدی

عراق دست به تظاهرات می تواند مشوق و محرک حرکت های دیگر باشد. عبارات دیگر می شود. عبارات دیگر نمودند. در روز ۲۴ فروردین ماه صدها نفر از مردم راه آهن با شعارهای ضد رژیم دست به تظاهرات زدند. بعد تظاهرات صدها نفر از مردم آباد به درگیری خونینی بین آنها و پاسداران کشیده شد. در این روز در خیابان مصدق مردم بمقابله با گلسه موتورسواران حزب الهی که برای ایجاد رعب و وحشت، چون سگان هار به گشت در خیابانها پرداخته بودند، ایردیهشت ماه نیز چندین تظاهراتی در بندر انزلی، سنندج، مشهد، تبریز، سال جاری، خیابان شیخ هادی تهران و... صورت گرفت.

نیز شاهد تظاهرات مردمی بود که از حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی به تنگ آبان به سایر نقاط تهران و همچنین آمده بودند. طی هفته های گذشته دهها سایر شهرها در عرض دو هفته، میسین حرکت اعتراضی دیگر در تهران و شهر - این واقعیت است که جنبش مردم دیگر های دیگر به وقوع پیوست.

در اواسط فروردین ماه بیش از سر میگذارد و وارد مرحله جدیدی



رسانه‌های گروهی رژیم اشاره‌ای به مفاد سخنان حمینی در این دیدار ننمودند. همچنین کله‌های حزب‌اللهی موتور سوار برای ایجاد رعب و وحشت و جلوگیری از سرایت اعتراضات به مناطق دیگر، در خیابانهای تهران، بویزه در شمال تهران، به حرکت درآمدند. موتورسواران حزب‌اللهی در گروههای جداگانه پنجاه و صد و پنجاه موتور و تحت عنوان "حمایت از اقدامات نیروهای انتظامی برای حفظ شئون اسلامی در جامعه" به نمایش قدرت و چنگ و دندان نشان دادن به نوده‌ها پرداختند.

آنچه که اعتراضات مردم زحمتکش کوی سیزده آبان و حرکت‌های اعتراضی پس از آنرا از حرکت‌های اعتراضی قبلی مشخص می‌سازد و به آن برجستگی خاصی می‌دهد، این است که این اعتراضات در ادامه اعتصابات و اعتراضات کارگری است که از آذر ماه گذشته همچنان روبه گسترش بوده است. اعتصابات کارگران بخش ساختمانی ذوب آهن و کارگران فولاد مبارکه و دهها حرکت کارگری از جمله کم‌کاری و اخلال در تولید آنچه‌انچنان عرصه را بر رژیم تنگ نموده است که رفسنجانی از مسئولین امر خواست تا "در تقابل با اخلال در تولید، ملایمت بخرج ندهند." در رابطه با گسترش اعتصابات کارگری اخیر، ماهنامه معتبر میدل ایست (خاورمیانه) در شماره آوریل ۱۹۸۵ می‌نویسد:

"اطلاعات رسیده از مراکز عمده صنعتی حاکی از آن است که در ۶ ماه گذشته حداقل ۳۰ حرکت اعتراضی مهم صورت پذیرفته است که در دوران پس از سرنگونی شاه، با زرتربین تجلی نسا - رضایتی در مراکز صنعتی بشمار می‌رود. مقاومت (بعبارت صحیح‌تر، مجاهدین خلق)، تعطیل نمودن کارخانه‌ها در روز اول - مطالبات کارگران اغلب سربواری - امروز شرایط محیط کار، دستمزدها، دینری برای رشد جنبش کمونیستی طبقه‌بندی مشاغل و نفس‌انحس‌های ایران و تبدیل نیروهای وابسته به

اسلامی کارخانه متمرکز بوده است. این مجله آنگاه به تشریح اعتصاب کارگران ذوب آهن، تراکتور - سازی تبریز، جنرال، نوبابه ساسان، مجتمع مس سرچشمه و ... در ماههای گذشته می‌پردازد.

با توجه به اوج گیری بی وقفه اعتصابات کارگری در ماههای گذشته و متعاقب آن حرکت‌های اعتراضی مردم زحمتکش تهران و شهرستانها علیه جنک، شاهد پیوند عملی بین مبارزات دو - ستون اصلی جنبش انقلابی میهن ما، یعنی کارگران و زحمتکشان هستیم. البته این پیوند هنوز بسیار سطحی است و برای اینکه عمق یابد، راه - درازی در مقابل جنبش کمونیستی و بویژه سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران بمثابه نماینده آگاه طبقه کارگر ایران قرار دارد.

مبارزه بیکرانه کارگران در سالهای گذشته بویژه در چندماه گذشته علیرغم تمام کاستی‌های آن، بروشنی پتانسیل عظیم پرولتاریا و زحمتکشان را برای رهبری انقلاب دمکراتیک و نجات کشور از چنگال جنک، فقر و فلاکت عمومی نشان داده است. امروز دیگر برای نیروهای انقلابی روشن شده است که بدون تامين هزمونی طبقه کارگر در انقلاب، هیچگونه تضمینی بسرای پیروزی قطعی انقلاب دمکراتیک توده‌ای در ایران نمی‌تواند در میان باشد. بی اعتباری و پرونده سیاه و خونین سلطنت طلبان در بین توده‌ها، سازشکاری برخی از مهره‌های پیشین رژیم کسبه امروز در تلاشند به همراه بخشسی از حاکمیت موجود سیستم محتضر سرمایه داری را از خطر انقلاب برهانند و انحطاط سیاسی شورای ملی (بعبارت صحیح‌تر، مجاهدین خلق)، تعطیل نمودن کارخانه‌ها در روز اول - ماه مه و برپائی تظاهرات خیابانی ضد جنک، بدرستی وظائف خطیر طبقه‌بندی مشاغل و نفس‌انحس‌های ایران را خاطر نشان می‌سازد.

طبقه کارگر به آلترناتیو بالفعل می‌باشد. مبارزه قاطعانه با هرگونه انحسار - چپ و راست، حفظ مواضع صدامیریا - لیستی نه در حرف، بل در عمل، حفظ پرنسیب‌های انقلابی، فداکاری‌ها و مهمتر از همه تکیه بر نوده‌ها باور داشتن به پتانسیل انقلابی عظیم کارگران و زحمتکشان، سازمان - چریک‌های فدائی خلق ایران راه‌مناسبه بزرگ ترین سازمان انقلابی توده‌ای - مورد اعتماد مردم درآورده است و این خود وظایف بی‌سنگینی را در مقابل سچفا قرار می‌دهد.

کار در درون طبقه کارگر، سازماندهی مبارزه و ارتقاء آگاهی طبقه کارگر ایران بیسازگشته اهمیت می - یابد. طبقه کارگر ایران باید صص سرفراری پیوند با زحمتکشان نهر و روستا، به مثابه متحدین طبیعی خود حمایت و پشتیبانی از خواسته‌های دمکراتیک خلق‌های تحت ستم، زنان کارمندان، معلمان، دانشجویان دانش‌آموزان، هنرمندان و ... را در دستور کار قرار دهد. طبقه کارگر - ایران باید ضمن شرکت فعال خود در تظاهرات و حرکت‌های صدجک ارنجایی ایران و عراق، دیگر افسار خلقی را به شرکت در مبارزات سازماندهی شده تشویق نموده و به آنها توضیح دهد که مبارزه برای پایان بخشیدن به جنک به سراسر می‌نخواهد رسید، مگر اینکه با مبارزه برای سرنگونی رژیم جهس و جنایت جمهوری اسلامی پیوند بخورد. اطلاعیه بموقع و مهم صحفاخطابه کارگران مبارز سراسر ایران مسی بر ضرورت تعطیل نمودن کارخانه‌ها در روز اول - ماه مه و برپائی تظاهرات خیابانی ضد جنک، بدرستی وظائف خطیر طبقه‌بندی مشاغل و نفس‌انحس‌های ایران را خاطر نشان می‌سازد.



بسط و ابط نظامی

جمهوری اسلامی و چین

جانگ جین فو، مشاور عالی دولت و معاون نخست وزیر چین برای انعقاد یکسری قراردادهای سیاسی - نظامی، در روز ۷ اسفند وارد ایران شد. در همین رابطه روزنامه تایمز، مورخ ۲۷ مارس گزارشی داد که بدنبال تلعفات نظامی-سکین ایران در درگیری های اخیر، قراردادهای تسلیحاتی ای به مبلغ ۱/۳۶ بلیون پوند بین دولت جمهوری اسلامی و چین منعقد گردید. این قرارداد یکی از بزرگ ترین معاملات ایران پس از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی می باشد. این گزارش آراء سه می دهد که این سلاحها بر طبق مدلهای ساخت شوروی ساخته شده و شامل ۱۲ هواپیمای جنگی شیانگ (مطابق میگ ۱۹، مدل ۱۹۵۰)، ۲۰۰ تانک جنگی ت-۵۹ (مطابق مدل ۵۴ شوروی) و ۰۰۰ می باشد. بر طبق این گزارش، رژیم در جنگ با کردها میتواند از هواپیماهای جنگی شیانگ استفاده کند.

سیاست رژیم در مورد

بزرگ مالکان

مقتدائی، عضو و سخنگوی شورای عالی قضائی طی گفتگویی با روزنامه کیهان گفت: "تنها موردی که از مسائل کشاورزی به شورا مربوط است، حدود ۸۰۰ هزار هکتار از زمینهای کشاورزی است که در سالهای ۵۸، ۵۹، ۶۰ توسط زارعین تصرف شد و زیر کشت روست و صاحبان اصلی آنان (یعنی مالکان بزرگ) به دستگاه قضائی مراجعه کردند. لذا در این رابطه شورای عالی قضائی بختنامه کرد که کشاورزان منصرف بهره مالکانه به مالکین زمینها بپردازند و اگر موارد مبهمی داشتند به هیئت های ۷ نفره واگذاری زمین مراجعه کنند تا



اگر هیئت تشخیص داد مال الاجاره تعیین و از جانب متصرفین به مالکین زمینها بپردازند." پی در پی سردمداران رژیم به کشورهای مختلف دنیا برای توسعه روابط بازرگانی، تا بحال چندان کارساز نبوده است. اخیرا سیدمجتبی عرفانی نماینده طوالش، طی نوشته ای در روزنامه کیهان اعلام داشته است: "متأسفانه با وجود برخوردهای صوری دولت در افزایش صادرات غیرنفتی و تشکیل سینارها و نظرسنجی از کارشناسان و دست اندکاران و انجام مسافرتها داخلی و خارجی مسئولین، هر روزه شاهد قوس نزولی صادرات کشور بوده و هستیم. کشورهای رقیب -

"۲۵ هزار روستا

فاقد آموزش و پرورش"

حجت الاسلام محسن قرائتی طی سخنرانی خود در گردهمایی مدیران کارخانات اعلام کرد: "متأسفانه طبق آمار موجود، ۲۵ هزار روستا هستند که به آموزش و پرورش بیدار راه یافته و نه بهضت تاکنون توانسته است آنجا را زیر پوشش سوادآموزی قرار دهد و این واقعا باعث تأسف است."

حمله هواپیماهای عراقی

به کمپ ژاپنی ها

علیرغم تبلیغات رژیم طرف چپ ماه گذشته مبنی بر خارج شدن کارشناسان ژاپنی از ایران، روزنامه کیهان مورخ ۵ بهمن گزارش داد: "کمپ ژاپنی ها در بوشهر مورد اصابت راکت هواپیماهای مهاجم عراقی قرار گرفت."

مشکل صادراتی رژیم

مشکل بازرگانی رژیم هماسد

هزاران مشکل اقتصادی دیگر آن همچنان لاینحل باقی مانده است. مسافرتها پی در پی سردمداران رژیم به کشورهای مختلف دنیا برای توسعه روابط بازرگانی، تا بحال چندان کارساز نبوده است. اخیرا سیدمجتبی عرفانی نماینده طوالش، طی نوشته ای در روزنامه کیهان اعلام داشته است: "متأسفانه با وجود برخوردهای صوری دولت در افزایش صادرات غیرنفتی و تشکیل سینارها و نظرسنجی از کارشناسان و دست اندکاران و انجام مسافرتها داخلی و خارجی مسئولین، هر روزه شاهد قوس نزولی صادرات کشور بوده و هستیم. کشورهای رقیب - امکاناتی بسیار محدود موفق شده اند هر یک بخشی از بازارهای صادراتی ایران را بخود اختصاص دهند. در زمینه های همچون پنبه از گروه صادرکنندگان به سلک واردکنندگان پیوسته ایم و سهم صادرات فرش از ۴۲ درصد مجموع بازار جهانی در سال ۱۳۴۲ به ۳ درصد در سال ۱۳۶۱ تقلیل یافته است." وی در بخشی دیگر از نوشته اش ادامه می دهد: "اهمیت صادرات متأسفانه در اکثر موارد، بعد از کسب درآمد ارزی مطرح شده و با این گونه ساده نگری عمق نیاز به تولید

و مدور کالا درک نشده است. تولید، سرمایه‌گذاری، ایجاد تاسیسات صنعتی و کشاورزی، موجود آمدن تخصص و آگاهی‌های فنی و علمی و مهمتر از همه، حاکمیت جو میل به تولید و دامن‌اندوزی از پی آمدهای بزرگ بها دادن به صادرات کشور خواهد بود. اندیشه اینکه ۹۶ درصد مجموع صادرات کشور را مسیح خدادادست تشکیل می‌دهد و جمعیت ۴۰ میلیونی کشور فقط سهم ناچیز ۴ درصد را دارند لحظه‌ای نباید از ذهن هر ایرانی خارج شود...".

مشکلات اقتصادی

و مسئله بودجه

حجت‌الاسلام سادی، نایب‌رئیس مجلس طی مصاحبه‌ای با کیهان مسائلی را در ارتباط با مخارج بی‌حد و ضرر شرکتها و نگاههای دولتی اعلام کرد که بخشهایی از آن را در این مصاحبه ذکر می‌کنیم: "در بودجه‌های سالانه، یکی از منابع درآمدها، شرکتهای دولتی است. در کشور ما بیس‌ار ۷۰ شرکت دولتی و نگاه وجود دارد که میلیارد ها ریال هزینه شده تا به بهره‌دهی برسند و اکنون که باید سر بدهند و منبع درآمد باشد، به تنهایی کمکی بودجه نمی‌کنند، بلکه سالانه مبلغی نیز دریافت می‌کنند. در صورتیکه در کشورهای دیگر بیشترین منابع درآمدی شان از شرکتها می‌باشد. روشن است که سرمایه‌گذاری کرده‌ایم و بودجه عمرانی تصویب شده ولی آینده‌اس بی‌نمر و بی نتیجه است." وی سپس به افزایش مخارج شرکتهای دولتی بعد از انقلاب اشاره می‌کند و می‌گوید: "کل هزینه‌های دولتی جاری و عمرانی در سال ۵۶، معادل ۴ هزار میلیارد و چهارصد و سی میلیون ریال بوده، در سال ۵۷ هجده دهم کاهش دارد، سال ۵۸، هفت و شش دهم نسبت به سال قبل کاهش دارد، سال ۵۹ نس و چهاردهم افزایش دارد، سال ۶۰ یک و شش دهم نسبت به سال قبل افزایش دارد و سال

۶۱، ده و سیم درصد افزایش دارد و سال ۶۲ براساس ارضامی که در بودجه است ۱/۲ درصد افزایش دارد."

تلاش برای بهبود

روابط ایران و فرانسه

۱- برگرداندن ذخیره‌ای که سه اخیرا در یکی از هفته‌نامه‌های فرانسوی بنام Le Point مورخ ۱۰ فوریه، مقاله‌ای تحت عنوان "راه‌آزای از طرف رژیم خمینی لعمو گردیده است. دوما" چاپ گردیده است که در ساره سیاست بهبود روابط ایران و فرانسه دلار می‌باشد).
۲- اخراج محالغان اصلی (مهم)



مقاله را مختصراً ذکر می‌کنیم: رژیم ایران که در فرانسه اقامت از زمانیکه آقای رولاند دوما دارند.
۳- آزادی اعضاء گروهی که قصد خارجی فرانسه گمارده شده، سعی نموده کشتن ساپور بختیار را در پاریس است تا بتواند در برقراری رابطه دستبند و نه حبسهای دراز مدت در سیاسی بین تهران و پاریس تحرک رندانهای فرانسه محکوم شده‌اند.
۴- قطع فروش اسلحه از طرف خارجی فرانسه که نماسهایی شخصی با دولت فرانسه به دولت عراق. بعضی از مقامات ایرانی برقرار نموده دولت فرانسه مذاکره در مورد است، معتقد است که باید حضور فرانسه پس دادن بولی که سه ایران در سال در ایران صاست گردد. سیاست وزیر ۱۹۷۴ به فرانسه واگذار کرده است را جدید این است که سرخلاف ماهیبر رزم خواهد پذیرفت، اما نفعه خواستهای و جنگ پایان ناپیدر آن با عراق، ایران که به حسب سیاسی فرانسه ایران کمسوری بزرگ و عینی است و فرانسه مربوط می‌گردد، فعلاً بدرستی نسبت نمی‌تواند خودش اجازه دهد که در مورد

این مانور فرانسه در مجموع بسودن ریسک نخواهد بود، زیرا رهبران عراق که از نظرات وزیر فرانسوی مطلع شده- اند، ابراز خشم و ناراضی نموده اند. این مسئله خود باعث بهم خوردن روابط بین پاریس و بغداد خواهد شد.

در ادامه این سیاست، دولت فرانسه به مقدار قابل توجهی از لوازم نظامی تحویلی به عراق را کم کرده و سفارش جدید موشکهای اگزوست "Exocet" را رد نموده است. از طرف دیگر، رهبران عراق با یاری خواستنی از کشورهای عربی سعی در بوجود آوردن سدی در مقابل این سیاست دولت فرانسه می-باشند. عراق سعی می-کند کشورهای

"روئین تنی"

مزدوران رژیم

در مقابل بمبهای شیمیایی

در حالیکه خبرگزاری های جهان هر روز گزارش می-دهند که سربازان جمهوری

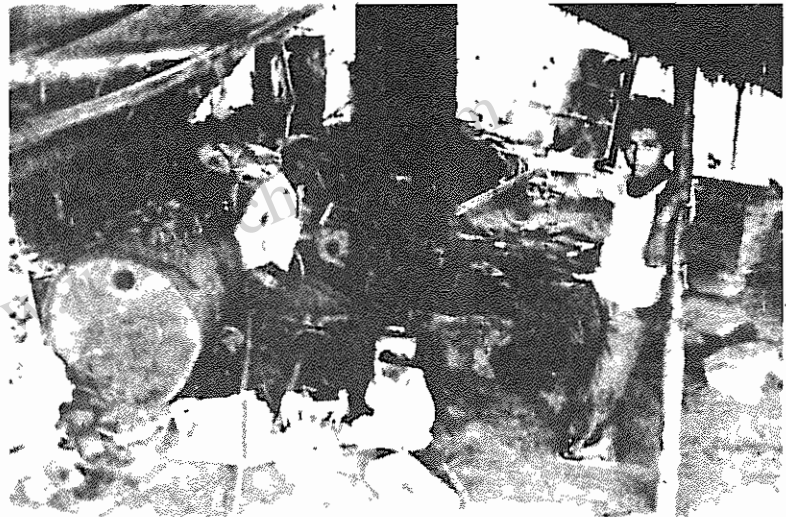
اسلامی در اثر بمبهای شیمیایی عراق روانه بیمارستانهای اطیش و فرانسه می-شوند و پزشکان نیز از تحصیل کرده است ولی دستهای همواره در معالجه بسیاری از آنان قطع امید می-کنند، سردمداران رژیم حاضر به قبول کما اینکه خیلی از آنها را تاکنون،

کسب نمایند، دیپلماسی فرانسه از دو و در عملیات رمضان از ناحیه سرمجروح طرف سارنده خواهد بود، خاتمه می-دهد. شدم. این بمبارانهای شیمیایی دیگر نه اثر فیزیکی دارد (!) و نه اثر روانی و جبهه اسلام انشاله با یاری خداوند پیروز خواهد شد!

منتظری: "خیلی از تحصیل

کرده ها از ما جدا شدند"

آیت الله منتظری، جانشین احتمالی خمینی به استادان دانشگاه اهواز گفت: "امید ما به جوانان تحصیل کرده است ولی دستهای همواره در معالجه بسیاری از آنان قطع امید می-کنند، سردمداران رژیم حاضر به قبول کما اینکه خیلی از آنها را تاکنون، از ما گرفته اند. او همچنین گفت علی-اینکه در دانشگاهها نماینده تعیین کرده ام این است که بلکه این نماینده ها آرزوی دیرینه ما، یعنی نزدیک کردن دانشگاه و حوزه های علمی ما را عملی کنند." وی تاکید کرد استادان دانشگاه باید بیایند در حوزه های مذهبی و دروس دانشگاهی را به طلبه ها تدریس کنند و آنها را با علوم روز آشنا کند و مدرسین با سواد حوزه ها هم باید فقط در حدی که لازم است معارف اسلامی را با زبان روز به دانشجویان دانشگاهها یاد بدهند.



تظاهرات خانواده های

زندانیان سیاسی در رودسر

بنا بر گزارش روزنامه النهار، ۹ تن از زندانیان سیاسی رودسر در این شهر اعدام شدند. بعد از اعدام اقدام به استعاده از سبهای این زندانیان، خانواده های آنان سعودی، که مدت هاست مذاکره برای فروش آنها در جریان است، بفروشد. از برادران رزمیده دچار عوارض پزشکی قانوسی مراجعه کرده بودند، در هر صورت، این مسئله بحسب ناچیزی از ناحیه این بمبها شدند. متوجه می-شوند که پاسداران اجساد را رنده ای را بین رهبران سیاسی فرانسه پس این روزنامه ادامه می-دهد: "برادر در محل نامشخصی دفن کرده اند. این حسن ولی زاده در مورد مسموم شدنیس موضوع خشم خانواده های زندانیان را بالاخره نویسنده مقاله را با این گفت: "الان حدود ۳ سال است که در - برمی-انگیزاند و باعث تظاهراتی در - جمله که اگر فرانسه بی اعتمادی حبه ها حضور دارم و در عملیاتهای شهر می-کرد که در نتیجه آن پاسداران عراق را برانگیزد، بدون اینکه بتواند رمان والعجر معدماتی، والفجر سک، مداخله کرده و به نیراندازی و باز - یک اعتماد واقعی را از طرف اسران چهار و پنج، حسر و بدر حضور داشته داشت نظر هر کسندگان می-پردازند.

خلیج فارس و مصر را هرچه بیشتر در شکست عملیات "بدر" نیستند و این رابطه وارد عمل نماید. ارهم - عوامفریبانه اثرات مخرب بمبهای اکتون در فضای سیاسی فرانسه ترس آن شیمیایی بر سلامت سربازان را انکار می-رود که ادامه این سیاست نزدیک می-کنند. روزنامه اطلاعات در این مورد فرانسه به ایران احتمالاً مانع آن می-نویسد: "در جریان عملیات پیروز - ۹ تن از زندانیان سیاسی رودسر در کرد که فرانسه بتواند هواپیماهای مندان "بدر" رژیم روبه زوال عراق این شهر اعدام شدند. بعد از اعدام جنگی میراث ۲۰۰۰ خود را به عربستان اقدام به استعاده از سبهای این زندانیان، خانواده های آنان سعودی، که مدت هاست مذاکره برای فروش آنها در جریان است، بفروشد. از برادران رزمیده دچار عوارض پزشکی قانوسی مراجعه کرده بودند، در هر صورت، این مسئله بحسب ناچیزی از ناحیه این بمبها شدند. متوجه می-شوند که پاسداران اجساد را رنده ای را بین رهبران سیاسی فرانسه پس این روزنامه ادامه می-دهد: "برادر در محل نامشخصی دفن کرده اند. این حسن ولی زاده در مورد مسموم شدنیس موضوع خشم خانواده های زندانیان را بالاخره نویسنده مقاله را با این گفت: "الان حدود ۳ سال است که در - برمی-انگیزاند و باعث تظاهراتی در - جمله که اگر فرانسه بی اعتمادی حبه ها حضور دارم و در عملیاتهای شهر می-کرد که در نتیجه آن پاسداران عراق را برانگیزد، بدون اینکه بتواند رمان والعجر معدماتی، والفجر سک، مداخله کرده و به نیراندازی و باز - یک اعتماد واقعی را از طرف اسران چهار و پنج، حسر و بدر حضور داشته داشت نظر هر کسندگان می-پردازند.

تظاهرات زحمتکشان کوی سیزده آبان

روز ۲۱ فروردین ماه، مردم زحمتکشان کوی سیزده آبان (بهم آبان سابق) طی تظاهرات و درگیری شدید با پاسداران، مخالفت و ارجار خود را به سیاست‌های جنک طلبانه رژیم نشان دادند. جراسان این درگیری بدین صورت بوده است که در اسروریک شهر دانشجو در منطقه‌ای مبارزان شده که با سیم خاردار محصور شده بود، مشغول بررسی و تحقیق می‌شود. پاسداران رژیم به‌محض اطلاع از این مسئله، مانع این امر می‌شوند و از وی می‌خواهند که منطقه را ترک کند. دانشجوی مرسور به این مسئله اعتراض می‌کند. در همین حین زبان زحمتکشان کوی سیزده آبان به حمایت از دانشجوی مرسور می‌پردازد. پس از مدت کوتاهی، مردم رسادی جمع می‌شوند و رژیم نیز برای کنترل اوضاع پاسداران زیادی را بسیج می‌کند. در درگیری بین مردم و پاسداران، یک نفر به ضرب گلوله شهید می‌شود. این مسئله موجب خشم مردم می‌گردد و دست به تظاهرات می‌زنند. طی اطلاعات موجود حدود ۳۰۰ نفر در این تظاهرات دستگیر شده‌اند که از سرشود آنها خبر دقیقی در دست نیست. خیر تظاهرات مردم سیزده آبان به سرعت در میان مردم تهران پیچید و متوق حرکت‌های اعتراضی در مناطق دیگر گردید.

سرپل‌دهاب

در بمباران هوایی سرپل‌دهاب علاوه بر سه روستای محاور این شهر، یادگان این شهرنام یادگان انور - نیز مورد حمله شدید هوایی قرار گرفته و خسارت زیادی بار آمد. اما رژیم از آنجا که یادگان نفس مهمی در منطقه دارد، از امسای خبر خودداری کرد. مردم شهرهای اسلام آباد، عرب، سرپل‌دهاب و... به روستاها آمده‌اند. به‌طوریکه زورها در صحرا و در ساه حادها سر می‌برند و سها به روستاها سر می‌کشند. بارهایی از حکو و رژیم بی‌سپاس رناده و مردم علنا تحس می‌دهند.

نقیه از صفحه ۲
کارگران سراسر ایران! قدرت، توان آگاهی و همبستگی طبقاتی خود را در مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری با تعطیل روز اول ماه مه و برپایی تظاهرات ضد جنگ به نمایش بگذارید به مرتجعین حاکم بر ایران نشان دهید که در برابر قدرت و اراده لایزال کارگران هیچ نیرویی را با رای مقاومت و برابری نیست. کلیه فعالین سازمان از هم اکنون باید تبلیغات وسیع و گسترده‌ای را در میان کارگران برای خواباندن تمام کارخانه‌ها و مؤسسات در روز اول ماه مه این روز همبستگی جهانی کارگران آغاز کنند و با نوشتن شعار و پخش تراکت و اعلامیه در کلیه مراکز و محلات کارگری عموم کارگران ایران را به تعطیل کردن این روز و تظاهرات ضد جنگ فراخوانند.

رسده با دهمبستگی و سیداری طبقاتی کارگران سراسر جهان
زسده با دعوت و اراده خلیل با دبیرکارگران به سرکوسی نظام
شقاتی سرمایه‌داری و استعمار رژیم
سرکون با در رژیم جمهوری اسلامی - برتر را جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۳۶۴/۱/۶

دومین اطلاعیه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

خطاب به کارگران سراسر ایران

به مناسبت نزدیک شدن اول ماه مه روز

همبستگی مبارزاتی کارگران سراسر جهان

کارگران مبارز سراسر ایران!

یازدهم اردیبهشت (اول ماه مه)، روز همبستگی مبارزاتی کارگران سراسر جهان، روز قدرت‌نمایی اردوی عظیم کار علیه سرمایه نزدیک شونده است. کارگران سراسر جهان خود را برای برگزاری هرچه با شکوه‌تر این روز بزرگ و تاریخی آماده می‌کنند.

کارگران مبارز!

شما امسال در شرایطی به استقبال روز اول ماه مه و برگزاری هر چه باشکوه‌تر این روز تاریخی می‌شتابید که جامعه ما با یک بحران انقلابی روبروست. موج سراسری اعتراض و تظاهرات بسیاری از شهرهای ایران را فرا گرفته، و رژیم جمهوری اسلامی، این مدافع طبقه سرمایه‌دار، بیست‌از پیش در بحران عمیق تری فرو رفته است.

هنگامی که در ششم فروردین ماه امسال، نخستین اطلاعیه سازمان خطاب به کارگران سراسر ایران برای تعطیل کردن روز اول ماه مه و برپایی تظاهرات علیه جنگ ارتجاعی و رژیم جمهوری اسلامی منتشر گردید، توده‌های مردم ایران اینچنین همانند امروز به مبارزه علنی و آشکار علیه رژیم برنخاسته بودند. هنوز یک ماه از انتشار این اطلاعیه نگذشته است که تظاهرات توده‌های مردم ایران در همه‌جا اوج گرفته است و طی این مدت کوتاه، در بسیاری از شهرهای ایران تظاهرات خیابانی صورت گرفته است. دامنه این تظاهرات با گذشت هر روز وسعت می‌گیرد و بخشهای وسیعتری از زحمتکشان ایران به مبارزه انقلابی علیه رژیم روی می‌آورند. هرچند

سربه نیست کردن

سه مبارز

سربه نیست کردن سه تن از نیروهای مبارز در خیابانهای شیراز توسط دژخیمان رژیم، ختم و انزجار شدید مردم را از این اقدام جنایتکارانه برانگیخت. رژیم جمهوری اسلامی در هراس از رشد این انزجار عمومی، سراسیمه دست به جمع آوری تومارهایی از سوی مزدوران انجمنهای اسلامی و عناصر زندان آذربایجان شیراز مینی بر حمایت از این سیاست نمودند. جمع آوری چنین تومارهایی در پشتیبانی از اقدامات وحشیانه آنها از طرف عناصر خیانت پیشه که زیر فشارهای رژیم دست اندر کار خیانت شده اند... رژیم جمهوری اسلامی را به دست و پا انداخته است که اقدام به جمع آوری پشتیبانسی از جلادان و دژخیمان دادستانی شیراز نموده است. تلاشهای مذبحخانه ایست برای جلوگیری از گسترش اعتراضات مردم ایران در مقابل این سیاستهای سرکوبگرانه و ددمنشانه رژیم جمهوری اسلامی است.

(صدای فدائی، ۲۱ اسفند)

ممنوع شدن

استخدام مدرسان جاری

جمهوری اسلامی هرگونه استخدامی را در سال آینده ممنوع اعلام کرد. براساس لایحه ای که دیروز در مجلس ارتجاع به تصویب رسید، غیر از مشاغل فنی و ضروری... دانشگاهی استخدام کلیه مشاغل جدید، چه بصورت رسمی یا پیمانی در ادارات و مراکز دولتی ممنوع اعلام شد. با توجه به خیال عظیم بیکاران در سراسر کشور اتخاذ این سیاست ارتجاعی که بیانگر ورشکستگی کامل اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی است، گام ارتجاعی دیگری خواهد بود که بر کثرت هرچه بیشتر انبوه بیکاران جامعه خواهد افزود.

(صدای فدائی، ۲۷ اسفند)

کارگران ایران در این تظاهرات نقش فعالی داشته اند، اما شرایط حساس کنونی ایجاب می کند که طبقه کارگر ایران بمنظور اعتلا بخشیدن به مبارزه کنونی و در دست گرفتن رهبری انقلاب بعنوان یک طبقه، مستقلا وارد عرصه مبارزه شود، و از هم اکنون با در دست گرفتن زمام امور جنبش و طرح شعارهای انقلابی، راه را بر هرگونه زدوبند، سازش و به انحراف کشیده شدن انقلاب توسط اقشار و سازمانهای غیرکارگری سد کنند. چرا که طبقه کارگر یعنی طبقه ای که اساسا بمنظور برانداختن نظام طبقاتی سرمایه داری و استقرار سوسیالیزم مبارزه می کند، یگانه طبقه ای است که می تواند با قاطعیت و عزم کارگری بدون سازش، عقب کرد، بندوبست، انقلاب دمکراتیک توده های مردم ایران را در مرحله کنونی نیز رهبری کند و به پیروزی قطعی برساند. تمام تجارب گذشته، از جمله شمره قیام ۲۲ بهمن این حقیقت مسلم را به همگان آموخته است. از اینرو در وضعیت بحرانی کنونی که لحظه به لحظه توده های وسیعتری به میدان مبارزه علیه رژیم روی می آورند، طبقه کارگر باید ابتکار عمل و رهبری این جنبش را در دست بگیرد. بدین منظور شما کارگران باید در روز اول ماه مه قدرت گسترده خود را با تعطیل کلیه کارخانجات و موسسات و برپائی تظاهرات علیه جنگ ارتجاعی و رژیم جمهوری اسلامی به نمایش بگذارید. شما باید روز اول ماه مه را به یک نقطه عطف در جنبش تبدیل کنید و زمینه را برای برپائی یک اعتماد عمومی سیاسی و کوبیدن مهر و نظام طبقاتی خود بر جنبش فراهم سازید. کارگران پیشرو و آگاه به منافع طبقاتی خود باید در عین تلاش برای به تعطیل کشاندن کارخانجات در روز اول ماه مه و فراخواندن عموم کارگران به تظاهرات در این روز، در امر تشکیل کمیته های اعتماد متحد شوند و با استفاده از شرایط مساعدی که در روز اول ماه مه و رشد جنبش توده ای پدید می آورد، برای کوبیدن مهر و نظام طبقه کارگر بر جنبش، عموم کارگران را به برپائی اعتماد عمومی سیاسی فراخوانند.

کارگران مبارز سراسر ایران!

روز اول ماه مه، روز قدرت نمائی و همبستگی بین المللی کارگران را به روز تظاهرات علیه جنگ ارتجاعی و رژیم جمهوری اسلامی تبدیل کنید.

زنده باد همبستگی بین المللی و بیداری و آگاهی طبقاتی

کارگران سراسر جهان!

زنده باد سوسیالیسم!

مرکز بر رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۳ اردیبهشت ۱۳۶۴

اوج گیری

بقیه از صفحه ۵ کارگران و زحمتکشان و درایت انقلابی، هشیاری، ابتکار عمل و فداکاری پیشگام ما، هواداران سازمان چریکهای مان آنها از سر راه برداشته خواهد شد فدائی خلق ایران، با وقوف کامل به و دیر نخواهد بود روزی که با سرنگونی مشکلات عدیده ای که بر سر راه طبقه کارگر انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار ایران و پیشگامان آن قرار دارد، بر جمهوری دمکراتیک خلق، کارگران این باوریم که تمامی این مشکلات ایران روز اول ماه مه را در ایرانی و موانع در پرتو قدرت بیکران آزاد و آباد جشن بگیرند.

اخبار مربوط به برگزاری روز اول ماه مه (به نقل از رادیو صدای فدائی)

بر اساس آخرین اخبار رسیده، امروز اول ماه مه، کارگران مبارز ایران به نشانه همبستگی با کارگران سراسر جهان و بزرگداشت این روز تاریخی، بسیاری از کارخانه‌ها را به تعطیل کشیده و از رفتن به سرکار، خودداری کردند. کارگران در بسیاری از محله‌های کارگرنشین، ضمن اعتراضات موضعی، با پاسداران مرتجع جمهوری اسلامی درگیر شده و به زد و خورد پرداختند. ما مشروح اخبار اعتراضات کارگران قهرمان ایران را که امروز، اول ماه مه، روز جهانی کارگر بوقوع پیوست، پس از دریافت کتبی گزارش کامل، به سمعتان خواهیم رساند.

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که به بی‌باوری کارگران به تبلیغات ارتجاعی خود آگاهند، از چند روز قبل مزدوران حزب اللهی و اراذل و اوباش تحت فرمان خود را برای شرکت در چنین مراسمی بسیج کرده بودند و امروز با آوردن آنها به استادیوم آزادی و دادن پلاکاردهائی با امضای دروغین از جانب کارگران موسسات و کارخانجات مختلف، مراسم کذابی خود را در جو پلیسی کامل برگزار نمودند. طبق خبر رسیده، قسمت قابل توجهی از استادیوم نیز جمعیت خالی بوده و برنامه رژیم آنچنان مفتضخانه بود که از نیمه‌های مراسم فرمایشی، بسیاری استادیوم را ترک نمودند. گزارش مذکور حاکی از آن است که تمامی مسیری که به محل برگزاری فرمایشی رژیم منتهی می‌شد، تحت کنترل پاسداران و دیگر مزدوران مسلح قرار داشت که تمام خیابانهای مسیر و استادیوم را در محافظت خود گرفته بودند. تعطیل بسیاری از کارخانجات و تحریم گسترده مراسم رژیم توسط کارگران، خود پاسخ دندان شکنی به رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بسود و آنان را به هراس مرکباری دچار ساخت.

به نقل از رادیو صدای فدائی

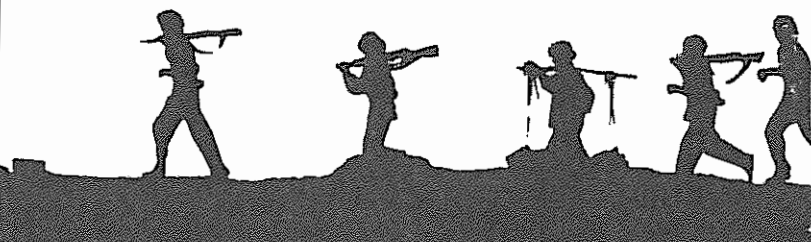
اول ماه مه ۱۳۶۴

دهمین

سالگرد انقلاب شکوهمند ویتنام

را گرامی می‌داریم

بعلت محدودیت صفحات این شماره "جهان"، مصاحبه‌ای که با وزیر امور خارجه ویتنام بعمل آمده‌ادر شماره بعد درج خواهد شد



چند خبر مربوط به

اعتراضات اخیر مردم

- شبه ۳۱ فروردین در خیابان لاکاسی رشت، جدیدین حزب الهی مورد حمله مردم قرار گرفته و زخمی می‌شوند. پس از چندین ساعت، یک گروه حزب الهی به محل رسیده و شیشه های جدیدین معاره را شکسته و اسبابه آنرا بیرون می‌برند. این عمل مورد ختم و عبرت اهالی محل واقع می‌شود. همچنین در روز ۳۰ فروردین، طی یک درگیری بین مردم و حزب الهی ها (در ساعت محتشم رشت) جدیدین حزب الهی رخمی و روانه بیمارستان می‌گردد

- در روز شبه ۲۹ فروردین ماه چهارم حزب الهی در محل یک ایستگاه اتوبوس در لاهیجان با نارنجک مورد حمله قرار گرفته که همگی آنها کشته می‌شوند. خبر فوق غیرعزم سعی رژیم در پنهان کردن آن، سریعاً در بین مردم پخش می‌شود.

- طی هفته اول اردیبهشت، جدیدین تظاهراتی در پی در بندر انزلی بوقوع می‌پیوندد و مردم با شعار "مرکز جمهوری اسلامی"، معر خود را از رژیم حاکم ابراز می‌دارند. در طی این تظاهرات در این شهر و بر اثر حمله پاسداران، یک نفر کشته و جدیدین نفر رخمی می‌شوند. همچنین در تهران، سنج، مشهد، تبریز و مازندران تظاهرات هائی علیه رژیم صورت گرفت که نا اس نارنج اراکم و کبف آنها دفعاً مطلع بسنیم.

کارخانه تولید ابرو

کارگران کارخانه در مراسم سحرایی موسوی اردبیلی که برای خرید سهام توسط کارگران سحرایی داسب، سرگت بگردند و سهوا ده درصد از کارگران که اغلب واسکانه به رزم بودند در این مراسم حضور یافتند. البته دند روسی نسبت به مسئله خرید سهام در بین کارگران وجود ندارد، ولی عمدها خاطر معر بار رزم اس طرح را هم نمی‌ندرسند

درحاشیه نمایش ویدئوی مجاهدین

هنوز از تعجب و تحیر و یا بهتر بگویم تهوع ناشی از شنیدن و خواندن خبر ازدواج سوم آقای رجوی با همسر سابق ابریشمچی، این "بالا ترین حماسه تاریخ مجاهدین خلق ایران"! درنیا آمده بودم. پیش خود فکر می‌کردم آخر چگونه امکان دارد سازمانی که روزی در نزد مردم دارای اعتباری بود و روی آن حساب می‌شد، دچار اینهمه انحرافات گوناگون و دوری جستن از انقلاب و مردم بشود و سرانجام با این ازدواج "بالا تر از حماسه"، دست به یک خودکشی سیاسی بزند. حال بجای آن همه اعتبار و احترام نزد مردم، آقای رجوی، رهبر مجاهدین تبدیل شده است به سوزه خنده و جوک محافل و مجالس و مردم دیگر هیچگونه اعتبار و ارزشی برای این سازمان قائل نیستند. حتی روزنامه‌های رژیم این ازدواج را سوزه داغی برای طنزگوشی خود یافته‌اند. کوس رسوائی مجاهدین آنچنان در همه جا نواخته شده است که دیگر حتی کساری از شوخیها پدر و مادر رضائی‌های شهید و یا سایر مادران و پدران شهدا ساخته نیست زیرا که آقای رجوی با کارهای بقول خودش "دیوانه وار" حتی ارزش و مقام شهدا را نیز بزیر سؤال کشیده است.

بهر حال در آن بعد از ظهر یکشنبه با جمعی از رفقا تصمیم گرفتیم به دیدن ویدئوی نمایشات سراسر خننده آقای رجوی و ابریشمچی که برای آغاز تحول پهل نو تهیه و کارگردانی شده بود، برویم. البته اینرا هم بگویم که چند روز قبل از به روی آکران آمدن عمومی این فیلم کمدی، آنرا برای نزدیکان و هواداران و اعضای مجاهدین بمدت چند روز نمایش داده بودند تا احياناً بهنگام دیدن آن در جمع عمومی، دچار شوک عصبی نشوند و قبلاً بقول خودشان، کاملاً توجیه یا بعبارت صحیح‌تر، شستوی مغزی شده باشند.

بلاخره با تاریک شدن سالن، ویدئو به نمایش درآمد و بیش از ۲ ساعت بطول انجامید و همگی ما و تعدادی دیگر را که در آن شب شاهد آن بودند به تعجب سوال، خننده و تأسف واداشت. چرا که چیزی که به نمایش درآمد، فرسنگها با یک برنامه سیاسی - اجتماعی فاصله داشت. در قسمتهائی از نمایش، بخصوص قسمت بازی آقای ابریشمچی، انسان بیاد فیلم‌های فردین و ناصر ملک مطیعی که نقش جاهل‌های محل را بازی می‌کردند، کتی بروی دوش می‌انداختند، پاشنه‌های کفش را می‌خوابانیدند و یک کلاه سایو هم بسر می‌گذاشتند و بقول معروف لات‌های صحبت می‌کردند، می‌فتاد. فقط کم مانده بود که در داخل سالن سینی‌های تخمه زاپنی هم بگردانند تا مردم حسابی مشغول شوند! هنوز باورم نمی‌شد که این سازمان مجاهدین خلق ایران است که به این روز افتاده است.

وقتی به جلوی سالن مدرسه‌ای که قرار بود ویدئو در آن به نمایش درآید، رسیدیم با جمعیتی از هواداران، سمپاتها و مردم دیگر روبرو شدیم. در نگاه همگان یک چیز مشترک را بخوبی می‌توانستیم تشخیص دهیم و آنهم یک علامت سؤال بزرگ بود. با اینکه هواداران مجاهدین سعی می‌کردند خود را کاملاً عادی جلوه دهند، ولی با کارهای عجیب خود یک حالت دلهره و دلواپسی و شاید موضع‌تدافعی را به نمایش می‌گذاشتند. همگی آنها از دوروبر افرادیکه احتمال داشت از آنها سئوالاتی بکنند، فرار می‌کردند. برخی از زنان هوادار با لباسهای اسلامی خود که انسان را یاد خواه‌ران زینب در خیابانهای تهران می‌انداختند، از تعداد کثیری بچه‌های قدونیم قد نگهداری می‌کردند. گویا -

سخنرانی‌های آقایان رجوی و ابریشمچی و بدنبال آن نمایشات اهداء کادو و صحبت‌های رضائی‌ها آنقدر بی‌مایه، مسخره، پرتناقض، جلف و منزجر کننده بود که گاهی برخی از افراد داخل سالن با تعجب و تحیر بهم نگاههای پرمعنی می‌کردند. شاید هم خجالت می‌کشیدند به آن اباطیل گوش دهند. سراسر نمایش حاوی تعریف و تمجید، چاپلوسی و مجیزگوشی از آقای رجوی بود. نظیر این تعارفات و شخصیت پرستیدن‌ها و بت‌درست کردن‌ها را نه در رژیم شاه باین صورت دیده بودیم و نه در رژیم جمهوری اسلامی، و بخصوص آقای ابریشمچی در این زمینه شاید خواسته‌اند رگورد جدیدی به زمین بزنند و گوی سبقت را از آنان بر بایند. جالب اینجاست که اینهمه تعریف و تمجید از شخصیت "استثنائی" و خارق‌العاده رجوی مترادف بود با خوار کردن و نادان شمردن بقیه کادرها، اعضا و هواداران و منجمله خود آقای ابریشمچی. در واقع بدنه سازمان مجاهدین همچون بندگان ناآگاهی تلقی می‌شدند که رهنمودهای پیا میرگونه

مسعود می‌بایست آنان را هدایت کند (درست همان رابطه "چوپان و بره" که اساس ادیان را شامل می‌شود). برای آنکه مسائلی را که طرح شد، بدون فاکت و دلیل نباشد و احیاناً مجاهدین و یا هواداران آن تصور نکنند که تحریفی صورت گرفته، قسمتهائی از صحبت‌های آقای ابریشمی را عیناً در اینجا می‌آوریم و باقی تفسیر و تحلیل‌ها را بعهده خود خوانندگان می‌گذاریم. لازم به توضیح است که کلیه تأکیدها از ماست.

"تا اونجائی که رسیدیم به سال ۶۰، اونوقت بود که برکهای انقلابی و سیاسی مجاهدین را یکی بعد از دیگری رو کرد. ارتجاع خمینی مات شد. ۳۰ - خرداد، بی‌آینده کردن رژیم، پرواز، تشکیلات آلترناتیو، راهگشائی برای صلح و همه اساساً از اندیشه و اراده خودش بود. بعد سازمان روحی کشید بالا."

"بخدا در حق دیگران در جزئی‌ترین موارد، اونقدر مراعات می‌کرد که گاهی حوصله ماها رو سر می‌برد. اینهم محمدعلی (جابرزاده) که شاهد منه، اینهم عباس داوری یک شاهد دیگه. آخه انسانیتش اینقدر بزرگه که دیگه نمی‌شه محدودش کرد. مثلاً هر چه توان داشت بکار انداخت تا بلکه مانع جدائی بنی صدر بشه. بعد برای ممانعت از جدائی و طلاق همسسر قبلی‌اش هم." (البته در ویدئو به یواش صحبت کردن آقای رجوی برای جلوگیری از بیدار شدن آقای بنی‌صدر هاشا اشاره شده بود که در متن "مجاهد" حذف شده است. "چند سال پیش خود مسعود مریم رو برای مسن خواستگاری کرده بود. رابطه ما رو هم خودش چفت و جور کرده بود. میدونید اینطور مواقع آدمی منسل مسعود چی می‌کشه؟ اگر تو دلتون هم بگید آره، - می‌گم نمی‌دونید، چون خودم هم درست عمقش رو درک نمی‌کنم. به اندازه خودم می‌فهم یعنی چه. من دنبال چیزهای دیگه نمی‌م. فقط می‌گم که من یسک هزارم کاری که مریم کرده، نکردم و اونم در مقایسه با مسعود همینطور..."

"نور این حرکت ایدئولوژیک به همه مون تابید. تو همین کوره‌ای که می‌گفت لاقل از کنارش رد شدیم. خیلی چرک و کثافتمون دوب شد، ایدئولوژی‌مون براق شد. حالا اونی که سویدیم نیستیم. افتخار هم می‌کنیم. نسبت به اونائی که این راه رو نرفتند، سر هستیم. بهمین دلیل که به خودمون حرکت می‌دیدیم بگیم بعد از این انقلاب، ماها همه مون عضو سازمان مجاهدینیم. مگه نه؟ افتخار هم می‌کنیم. پبروش هستیم، مریدس هستیم، معلم ماست، یادمون داده، دستومه گرفته، خدا که بعد از اینهم نکنه که می‌کنه و می‌تونه نکنه."

"بنابراین من همراه همه اون کسانی که مسعود و مریم رو می‌فهمند، در مقابل اونها سر تعظیم فرود می‌آورم."

"حمد و سپاس خدای را که نمایی ما مجاهدین را توسط مسعود و توسط مریم به این راه رهمون شد که بی‌شک اگر مسعود، ما راهی حرطالت و گمراهی نداشتیم. ای کاس تک تک ما صدها جان می‌داشتیم که در مسیر این رهبری افغانی و توحیدی مذاکسیم." "اولین ساری که من مسعود را دیدم، در سلسول عمومی اوین بود. من تا آن موقع ندیده بودم. اولین چیزی که ذهنم را گرفت، بگ جفت چشم بود، خیلی تیز، می‌دید ایسور و آنور. آخر می‌خواست در پنج دقیقه کلی کار بکنه.

با خودم می‌گفتم مثل اینکه او همه وجودش چشم است. برای اینکه اینقدر خوب می‌بیند، اینقدر تیز و خیلی خیلی جلوتر از همه، البته بعدها فهمیدم که قلب هم هست، اندیشه هم هست، بازو هم هست، شجاعت هم هست، اراده هم هست و هرچی خوب که توی مجاهدین هست در وجود همین مسعود هم هست."

"همه اونها که تا دیروز برق سازمان مجاهدین و برق مسعود و موسی می‌گرفتتون، طلبکار شده بودند و با اصطلاح روی اونها زیاد بود و حالا مسعود بدون سازمان باید همه چی را احیا کنه، در شرایطی که حتی خیلی رفیق های دیروزس پشت کرده بودند بهس. مگه نکرده بودند؟ همونهایی که بعداً بعضی‌هاشون دوباره برگشتند. اغلب کشیده بودیم به "راست" من که در اوین بودم. من تو مشهد کشیده بودم به "راست" ولی خوب مسعود استاد. چون می‌فهمید. اساسی ترین جرمش هم به نظر من اینه که می‌فهمه و می‌تونه. شاید هم وقتی می‌فهمه محبوره که سنو سه رفیق های نامرد، بهس می‌خدیدند. انکار به تاجر ورشکسته نگاه می‌کردند!" "اون مصاحبه های سال ۵۹ رو یادتونه؟ بکسی ار عالی ترین آثار نئوریک تاریخ ساسی ایرانس. هرکسی رو می‌خواست سقمه بهس فهموند، هر کسی هم که نفهمید بک چیریس بود که نفهمید."

بعد از تماشای ویدئوی ازدواج، وقتی نشریه مجاهد را ورق می‌زدیم، چشم به شعر آقای اسما عیل وفایغمانی در وصف این ازدواج "فرخنده" و دونا مه وی به "رهبری نوین" افتاد. نامبرده در تملق کوئی و جابلوسی رجوی چنان سنگ تمام گذاشته بود که بی اختیار مرا به یاد ابراهیم صهبا، ملک الشعراء دربار شاه انداخت. با این تفاوت که بیچاره آقای صهبا هیچگاه عقلس قسد نداده بود تا ازدواج شاه با فرح دیبا را تغییری در رهبری شاه بسمارد!

"ج.ل." □

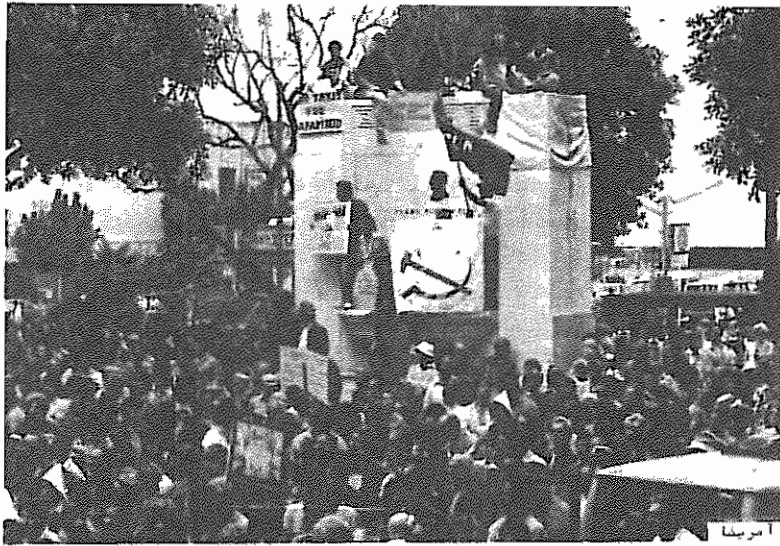
آمریکا - لوس آنجلس

روز شنبه ۲۵ آوریل در سری آکسیونهای سراسری ضد سیاست میلیتاریستی ریگان در آمریکا، تظاهرات بزرگی در لوس آنجلس که سی شک پیکی از بزرگترین تظاهرات صدامبریا لیستی سالهای اخیر این شهر به شمار می رود، برگزار گردید.

اختلاف ۲۵ آوریل که دربرگیرنده طیف وسیعی از سازمانهای مترقی حول چهار خواسته (۱- توقف دخالت نظامی امپریالیسم آمریکا در آمریکای مرکزی ۲- توقف مسافه نسلخای اتمی، ۳- محکوم نمودن حملت آمریکا از دولت نژادپرست آمریکای جنوبی، ۴- حماسه از کارگران بدون جواز کار در آمریکا) گرد آمده بودند، تظاهرات را رهبری می نمود. در این تظاهرات بیسیس از ۱۵ هزار نفر شرکت نمودند و سازمان دانشجویان ایرانی در جنوب کالیفرنیا هوادار سخفا با شرکت فعال خود در تدارک، تبلیغ و برگزاری این تظاهرات اهداف مترقی این اختلاف را مورد پشتیبانی و حمایت خود قرار داد. هواداران با برپایی مترسک های بزرگ خمینی و ریگان که شعار "به جنگ عشق می ورزیم" (We Love War) را در دست داشتند و بر روی اراهای متحرک حمل می نمودند، توانستند توجه شرکت کنندگان و عابری را که به تماشا مشغول بودند، به مسائل ایران و جنگ ارتجاعی ایران و عراق جلب نمایند. در طول راه، عکاسان چراغ از صف منظم رفقا عکس می گرفتند و در عین حال نیز بیش از ۱۰۰۰ اعلامیه علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و جنایات رژیم توزیع گردید.

کانادا - مونترال

رونالد ریگان، رئیس جمهور



امریکا

سخفا در مونترال نیز بصورت کاملاً فعال در این تظاهرات شرکت نموده و ضمن حمل شعار و آرم سازمان و پخش صداها اعلامیه بزبان فرانسه در مورد وضعیت ایران، مسافرت ریگان به کانادا را محکوم ساختند. قابل ذکر است که اعلامیه دیگری با امضاء کمیته اختلافی علیه دیکتاتوری مارکوس، 26M اوروگوئه و انجمن مونترال، هوادار سخفا به زبان فرانسه به مقصدار وسیعی در بین تظاهرکنندگان پخش گردید. این حرکت اعتراضی در ساعت ۸ شب همان روز در مقابل پارلمان استان تکرار گردید.

آمریکا - لوس آنجلس

روز سه شنبه ۲۲ آوریل، یک گروه همایی علیه رژیم آپارتاید در دانشگاه UCLA برگزار گردید که در آن بیش از دو هزار نفر شرکت نمودند. در این گروه همایی که از طرف نیروهای دانشجویی سیاسی برگزار شده بود، جنبش سخنرانی بعمل آمد که در آن همکاری بین امپریالیسم آمریکا و رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی محکوم گردید. لازم به یادآوری است که دانشگاه کالیفرنیا، ۲/۴ بلییون دلار در آفریقای جنوبی سرمایه گذاری نموده است. دانشجویان خواهان برگرداندن سرمایه ها به دانشگاه و قطع هرگونه روابط اقتصادی با آفریقای جنوبی شدند.

بعد از این گروه همایی، بیش از هزار نفر از شرکت کنندگان به ساختمان مدیریت دانشگاه رفته و در دو طبقه آن تحصن نمودند. شب پنجشنبه ۲۵ آوریل پلیس به متحصنین حمله کرده و ۲۵ نفر را دستگیر نمود. اما دانشجویان عقب سینی سموده و در حین معالمت ساختمان چادر رده و به تحصن خود ادامه دادند و تا آزادی دستگیرندگان دسه اعصاب عدا رددند. بر

آمریکا طی یک دعوت رسمی در تاریخ ۱۷ مارس در شهر "Quebec City" مرکز استان Quebec با نخست وزیر و دیگر مقامات بلندن پایه کشوری و ایالتی کانادا دیدار نمود. بهمین مناسبت همزمان با ورود ریگان، تظاهراتی از طرف نیروهای انقلابی و مترقی، اتحادیه های کارگری... گروه های ضد جنگهای هسته ای ترتیب داده شد. در این تظاهرات که بیش از ۷ هزار نفر شرکت کرده بودند، ابتدا تظاهر کنندگان پس از یک راهپیمایی در مقابل پارلمان ایالتی اجتماع نموده و با فریادهای "پانکی به خانه ها برگرد!"، "مرگ بر ریگان"، "مرگ بر امپریالیسم آمریکا"، "تجاوز در نیگا-راگوئه محکوم است" و... کینه و نفرت عمیق خود را از ریگان و امپریالیسم آمریکا ابراز داشتند.

علاوه بر نیروهای کانادایی، گروههایی از آمریکای لاتین و آسیا و آفریقا که مقیم کانادا هستند، در این تظاهرات شرکت داشتند. هواداران



کانادا

اتر فشار دانشجویان ، پلیس روز جمعه کلیه دستگیر شدگان را آزاد نمود و دانشجویان نیز اعتماد ب‌عذای خود را پایان دادند ولی به تخص خود همچنان ادامه دادند .

در روز چهارشنبه ، اول ماه مه ، نیز نظاره‌ای با شرکت ۱۰۰۰ نفر در دانشگاه UCLA برگزار شد . در این نظاره‌ها تپا میهای پشتیبانی از طرف نیروهای مترقی از جمله از طرف هواداران جمعاً در لوس آنجلس داده شد . در این فعالیتها ، هواداران جمعاً در لوس آنجلس بطور فعال شرکت نموده و ضمن پشتیبانی از دانشجویان ، به افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی پرداختند .

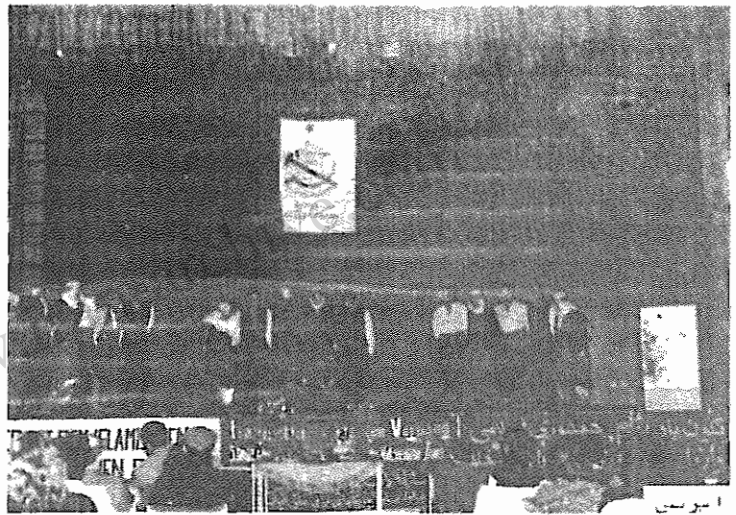
اتریش - وین

بمناسبت فرا رسیدن نوروز و برای گرامیداشت سنن ملی، سازمان دانشجویان ایران، در وین - اتریش

دانشجویان ایرانی در وین - اتریش برنامه با دکلمه سعری از رفیق سعید هوادار جمعاً اجرا شد . این گروه که در تلاش است با اجرای آثار انقلابی ادبیات متعهد خلقهای ایران، صدای رسای خلقهای تحت‌ستم ایران باشد، قطعه مزبور را با موفقیت کامل به اجرا درآورد که مورد توجه شرکت کنندگان ، که نزدیک به ۲۰۰ نفر بودند، قرار گرفت .

آمریکا - فیلادلفیا

در تاریخ ۲۳ مارچ، هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، به‌مراه تعدادی از هواداران چریکهای فدائی خلق و ارشدهائی بخش خلقهای ایران، برنامه‌ای به مناسبت شب عید در فیلادلفیا برگزار نمودند . این برنامه با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد تمامی شهدای خلق آغاز گردید . پس از قرائت پیام، گروه موسیقی به اجرای چند ترانه سرود پرداخت و باعث شور و هیجان غیرقابل وصفی گردید .



ایرانیان

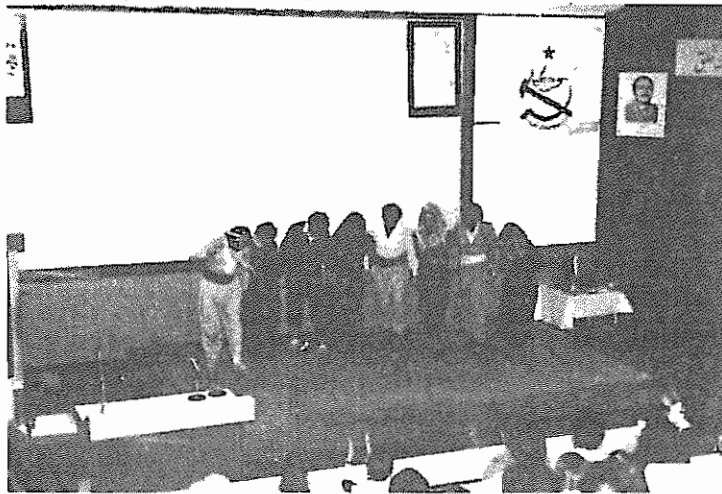
هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ، برنامه جشنی را برگزار نمود . این برنامه ، به یاد شهدای بخون خفته خلق و پیام خلقهای مبارز ایران ، با اجرای سرود بهاران خجسته باد ، توسط گروه کر شروع گشت . سپس مقاله‌ای به زبانهای آلمانی و فارسی در مورد اوضاع سیاسی اجتماعی ایران قرائت گردید . در ادامه برنامه ، چند ترانه سرود محلی اجرا گردید . به یاری "گروه مترقی رقص محلی آناتولی" که به اجرای رقصهای مختلف از خلق ترکیه پرداخت ، برنامه شور و حال کم نظیری به‌مراه داشت . شرکت کنندگان پس از پایان برنامه مزبور ، با فریاد "رنده باد همستگی خلقهای جهان" ، همبستگی خویش را از مبارزات بر خلقهای ایران و ترکیه علیه امپریالیسم جهانی اعلام داشتند .

در این برنامه همچنین تئاتر "پسرک لوس فرانس" اثر رفیق شهید صمد بهرنگی توسط گروه تئاتر سازمان

کانادا - مونترال

بمناسبت فرا رسیدن بهار ۱۳۶۴ برنامه‌های هنری - فرهنگی از سوی انجمن دانشجویان ایرانی در مونترال هوادار جمعاً در تاریخ ۲۲ مارس برگزار گردید . در آغاز برنامه ، سه یاد تمامی شهدای بخون خفته خلق ، یک دقیقه سکوت اعلام شد . پس از آن حاجی فیروز در بهار خون ، ظلمت و جنگ ، طی برنامه‌ای ۱۵ دقیقه - ای پیام نور ، امید و پیروزی را برای حاضرین به ارمان آورد . سپس طی مقاله‌ای ریشه‌های تاریخی نوروز و کیلکی اجرا نمود و سپس دو تن از رقص با الهام از سنت سقایی ایرانی قطعه‌ای را که بازگو کننده حقایق از جامعه امروزی ایران بود ، با زبانی دلنشین و با همکاری و پاسکوی شی حاضرین اجرا نمودند . آنگاه آواز لری و رقص کردی توسط همسران انجمن اجرا گردید .

"طب اسلامی" عنوان نمایشنامه‌ای بود که با زبان طرز ، سکنه‌هایی از نظام صد تکامل جمهوری اسلامی را رکو نمود . پس از اجرای اسن نمایشنامه ، گروه سرود "کوجه‌های روسی" را اجرا نمود . ماطره سب و کودک عنوان قسمت بعدی برنامه بود که در آن - هنرمندی رفیق خردسالی مورد استقبال حدود ۳۵۰ تماشاچی قرار گرفت . در ادامه برنامه ، نمایشنامه "عدل اسلامی" و ترانه‌های فارسی و بلوچی و رقص لری اجرا گردید . این برنامه پس از ۴ ساعت ، با سرود همسنکی و با موفقیت به پایان رسید .





علیرغم مکاتبات و تماسهای مکرر اتحادیه آوارگان ایرانی در هند با مسئولین سازمان ملل در دهلی، به منظور رفع مشکلات پناهندگان ایرانی، هیچگونه اقدام جدی در جهت انکاری و بی تفاوتی از طرف مسئولین این سازمان عمل نیامده است. در اعتراض به بی تفاوتی مسئولین این سازمان و بمنظور مطرح کردن مشکلات و حواسهای پناهندگان ایرانی در سطح نیروها، شخصیهای مدافع حقوق بشر و افکار عمومی هند، اتحادیه آوارگان ایرانی در هند در روز ۱۱ مارس - اعتصاب غذای نامحدودی را حلوی دهم این سازمان ترتیب دادند. در این اعتصاب غذا سجاها س از اعضا اتحادیه شرکت داشتند. قطعاً به اس حرکت شامل حواستهای ریزین بود:

امپریالیسم آمریکا، دستنه تظاهرات زدند. در این تظاهرات، بسیاری از شخصیهای مترقی و دمکرات و همچنین نماینده، ماریو ساویو، بنیانگذار جنبش آزادی بیان در آمریکا، سخنرانی نمودند. هواداران سچفا بهمراه برخی از نیروهای مترقی ایرانی در این تظاهرات به طور وسیع شرکت نموده و به افشای رژیم جمهوری اسلامی پرداختند.

۱- افزایش معمری ماهانه به نسبت شرح نورم در هند.
۲- فراهم نمودن امکانات جهت انتقال پناهندگان ایرانی به کسوری نالت.
۳- لغو کلیه "حکهای اخراج" توسط پلیس هند.
۴- تسهیل شرایط پذیرش پناهندگان جدید.
۵- بهبود وضعیت بهداشتی و درمانی پناهندگان.
۶- برسیست ساختن و منظور داشتن هزینههای تحصیلی دورههای بالاتر از لیسانس.

فرانسه - پاریس

به مناسبت روز اول ماه مه، رفقای هوادار سازمان در بسیاری از شهرهای اروپا در تظاهرات اول ماه مه شرکت نمودند. از جمله رفقای هوادار در پاریس در تظاهرات عظیم سندیکای کارگری فرانسه بطور فعال شرکت کردند. این حرکت بصورت اشتراکی متشکل از رفقای هوادار سازمان، وحدت کمونیستی، پیکار سابق، جبهه همبستگی در دفاع از حقوق دمکراتیک مردم ایران، کندوکاو، هواداران - سوسیالیسم انقلابی انجام پذیرفت. قبل از شروع تظاهرات، ۲۵ نفر از هواداران سازمان به نمایش خیابانی پرداختند که مورد استقبال شدید قرار گرفت. در این تظاهرات همچنین رفقای هوادار بیش از ۳۰۰۰۰ اعلامیه افشاگرانه بین نیروهای خارجی شرکت کننده توزیع نمودند.

در پایان توضیح یک سکنه را لازم میدانیم و آن بی تفاوتی و انفعال هواداران مجاهدین در مورد این حرکت بود. علیرغم تماسهای مکرر مسئولین اتحادیه در یک سال گذشته و خصوما در رابطه با این حرکت با مسئولین انجمن هوادار - مجاهدین در دهلی جهت همکاری و پشتیبانی از این حرکت صنعتی پناهندگان ایرانی، آنان بدون ارائه دلیل از هرگونه همکاری اجتناب نمودند.

آمریکا - واشنگتن

در تاریخ ۲۵ آوریل در تظاهرات عظیمی که در شهر واشنگتن علیه - سیاستهای میلیتاریستی و برنامه تسلیحاتی ریگان برگزار شد، حدود ۱۵۰ هزار نفر شرکت نمودند. در این تظاهرات هواداران سچفا از نهرهای واشنگتن، سیویورک و کارولینای شمالی بطور فعال شرکت نموده و به افشای سیاستهای جنگ طلبانه خمینی پرداختند.

آمریکا - سانفرانسیسکو

در تاریخ ۲۵ آوریل، جمعیتی حدود ۵۰ هزار نفر در شهر سانفرانسیسکو در اعتراض به سیاستهای

در دومین روز اعتصاب غذا، دو روزنامه سراسری هند Indian Express و Statemen خبر آرا درج کردند. در این روز همچنین مسئولین سازمان ملل با نمایندگان اتحادیه حول خواستههای اعتصاب کنندگان به بحث پرداختند و قولهای صبی درمورد بعضی از خواسته داده و بعضی دیگر از خواستها را به تصمیم زو موقوف نمودند. اتحادیه با توجه به عدم برخورد جدی مسئولین سازمان ملل به مشکلات مطروحه و بمنظور فشار بیشتر بر آنان، اعتصاب غذا را ادامه داد. تا سومین روز حرکت، ۷ تن از اعتصاب کنندگان به بیمارستان انتقال یافتند که خبر آن در روزنامه هندی زبان تایمز هند درج گردید.

در چهارمین روز اعتصاب، دبیر کل حزب جاناتا (Janata)، آقای جورج فرناندس که یکی از شخصیهای سرشناس مدافع حقوق بشر در سطح جهانی است و فعالیتهای چشمگیری نیز در دفاع از حقوق بشر در ایران داشته است، به محل اعتصاب غذا آمد و از اعتصابیون درخواست کرد که به اعتصاب غذا پایان داده تا او و حزب جاناتا بتوانند مشکلات پناهندگان ایرانی را تا حدیکه به دولت هند مربوط است، توسط نمایندگان حزب جاناتا در مجلس هند مطرح نمایند.

انگلستان

AHANGAR
C/O BOOKMARKS,
265 SEVEN SISTERS ROAD
LONDON N4 ENGLAND

آمریکا

AHANGAR
2265 WESTWOOD BLVD #256
L.A. CA. 90064 USA

سهای اشتراک

آمریکا ۲۲۰ شماره ۱۸ دلار

انگلستان ۱۲۰ شماره ۵ پوند

برای دریافت نشریههای سیاسی - فرهنگی "آهنگر"
با آدرسهای فوق تماس بگیرید

فرانسه - لیل

در تاریخ ۱۸ مارس ۱۹۸۵ میتینگ از طرف انجمن تئاتر دانشجویان ایرانی در لیل که یک کانون مستقل و دمکراتیک است، به‌سبب برگزاری روز جهانی زن برگزار شد. در این میتینگ مقالاتی از طرف نیروهای شرکت‌کننده در میتینگ در مورد - موقعیت و نقش‌زن در ترکیه، فلسطین و ایران خوانده شد. همچنین زندگی‌نامه رفیق شهید، مرضیه اسکویی و شعری از این رفیق توسط انجمن هواداران سجعفا در لیل خوانده شد. در پایان برنامه، گروه هنری شیلی برنامه‌ای از رقصهای محلی و موسیقی شیلی ارائه کرد که - مورد استقبال شدید حاضرین قرار گرفت

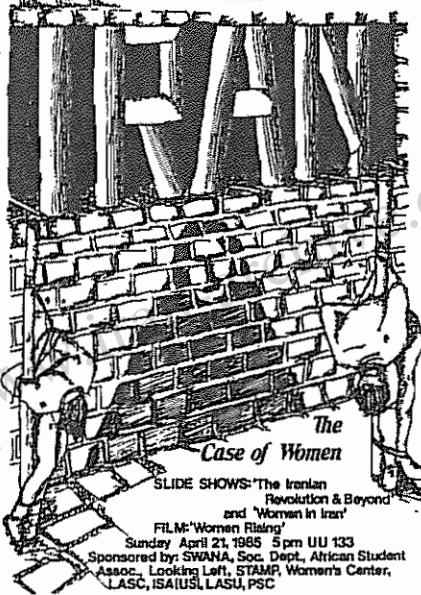
در قسمت آخر شماره رساله و انجمن نیویورک واسه نه سازمان انجمن به سئوالاتی که طی بحثها به آنها پرداخته شده بود، پاسخ داد. سجعفا، در دانشگاه ایالتی نیویورک در این جلسه، بیسار ۱۵۰ نفر از - در سنکهمون، در تاریخ ۲۱ آوریل ۱۹۸۵ برگزار شد. این برنامه از قبل توسط برخی دیارمان ها (حامه‌شناسی، خاورمیانه، مرکز رمان) و گروههای دانشجویی (Looking Left، کمسه همستگی با آمریکای لاسی LASC، اتحاد دانشجویان آمریکای لاسی LASU انجمن دانشجویان آفریقائی (ASA) مورد حمایت قرار گرفته بود.

آمریکا بینگهمتون

برای توضیح بحران انقلابی معاصر امپریالیسم در ایران، افشای

برنامه بسیار طرح معدمهای کوتاه توسط یکی از اعضای PSC، با ارائه بحث کوتاهی در افشاء علت ریشه‌های جنگ ایران و عراق و ارتباط آن با سیاست رژیم حمیدی در سرکوب حقوق دمکراتیک مردم ایران، بخصوص زنان آغاز شد. سپس اسلایدوئشنی در مورد حکومتی شکل کبری تمام بهمس ۵۷، روی کار آمدن رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و حسابات آن ساز - نیام، ارائه شد. پس از آن فیلم " زنان بیا می‌جیرد" Women Rising روی برده آمد. اسلاید در مورد نظرات رمان در تهران در سالروز روز زنان در بهار آزادی بسیار تمام که در اعتراض به حجاب اجباری و سیاست‌های ارتجاعی رژیم حمیدی برگزار شده می‌باشد. بسیار فیلم، دو قطعه شعر از فروغ فرخزاد و من گواهی در توضیح وضعیت کمونی رمان ایران توسط دو تن از رمان ایرانی مترقی در محل فرائسد و مورد استعمال بسیار حاضرین قرار گرفت. این برنامه با سخن‌گواهی سئوال و جواب به پایان رسید.

KHOMENI'S REGIME in CRISIS: The 'INVISIBLE' WAR WITHIN



کانادا مونترال

به‌سبب ۸ مارس، روز جهانی زن، جلسه‌ای فرهنگی از سوی کمیته زنان انجمن دانشجویان ایرانی در - مونترال برگزار گردید. در این جلسه طی مقاله‌ای ریشه‌های تاریخی ستم مضاعف بر زنان شکافته شد و همچنین چگونگی شرایط زنان در ایران طی چند سال اخیر و روند مبارزاتی آنان بخصوص بعد از قیام شکوهمند بهمن ۵۷، مورد بحث قرار گرفت. آنگاه سه نمایندگان نیروهای مختلف وقت داده شد که نقطه نظرات خود را حول مقاله و همچنین مسئله زن مطرح کنند. پس از جمع‌آوری سئوالات و بحث آزاد، - نفس اعلام شد و سپس فیلمی تحت عنوان " مبارزات زنان در سیکاراگوئه" نمایش داده شد که چگونگی مبارزات زنان برای دستیابی به حقوق خسود و پیوند آن با مبارزه طبقاتی در روند سرنگونی رژیم ساموزا و همچنین نفس زنان در پیروزی انقلاب را به روشنی نشان می‌داد. بعد از نمایش فیلم، بحث حول مقاله دنبال شد و سپس

بحران رژیم جمهوری اسلامی و سیاست‌های جنگ طلبانه آن نه تنها درعره جنگ ایران و عراق، بلکه در عرصه جنگ داخلی علیه طبقات، خلفا و اقشار ستمدیده ایران؛ مخصوص ستم قرون وسطائی رژیم خمینی علیه رمان، برنامه‌ای تحت عنوان Khomeini's Regime in Crisis: The Invisible War within Iran, the Case of Women با همت "کمیته همستگی فلسطین" (PSC) و با همکاری چندتن از ابراهان مترقی در منطقه و با یاری کمیته دفاع از حقوق دمکراسک رمان

یکی از دسناوردهای این برنامه شرکت جمعی خارجیان و ایرانیان منطقه در احرای آن بود، بطوریکه هر یک در امور مختلف تدارکاتی و سرکاری برنامه شرکت حسند. امسد اسکه این دسناورد رمبه همکاری سسشر را در رمبه فعالیت‌های سازمانی در محل در آسده فراهم آورد

در حاشیه برگزاری تظاهرات هواداران مجاهدین در بن

صبح زود در راه دانشگاه، بهیچوجه استثناء نیست، زیرا طبق کتاب هواداران مجاهدین، نگاهم به هنگامی که در اتوبوس یکی از روز - آمار رسمی وزارت دادگستری در برلین، تصویر آقای هلموت کهیل، صدراعظم نامه‌های آلمانی را مطالعه می‌کردم فقط در سال ۱۹۸۴ از قضاات باقیمانده آلمان در صفحه اول نشریه مجاهد خورد به خبری برخوردارم که اگر چه کوتاه زمان هیتلر، دو قاضی دادگاه محلی، که در کنفره جوانان دمکرات مسیحی بود، ولی گویای واقعیت‌های فراوان یک رئیس دادگاه محلی، دو قاضی (سازمان جوانان حزب حاکم دمکرات بود. خبر از این قرار بود که بیوه شوراها دادگاههای ایالتی، چهار مسیحی به رهبری آقای کهیل، هیئت آقای فرایزر از سال ۱۹۷۴ تاکنون رئیس دادگاه ایالتی، چهار قاضی - اعضای انجمن دانشجویان مسلمان را از "حق ویژه" دریافت غرامت جنگی - شورای دادگاههای موق ایالتی، شش به حضور پذیرفت. آقای کهیل هم - برخوردار بوده است. این "حق ویژه" دادستان، سه دادستان عالی و دو "حمایت" بیدریخ خود را از انقلاب از طریق وزارت امور اجتماعی ایالت رئیس‌سنای قضائی هنوز اشتغال بکار بایرن (مونخ) در اختیار وی قرار دارند. حتی یکبار هم فرار بود یکی گرفته است. فرایزر، رئیس دادگاه از همین جانیان بعنوان قاضی در - دیوان عالی کشور (بالاترین مرجع قضائی) منصوب‌شود که تنها مخالفت و عالی حکومت هیتلر بود. وی در سال ۱۹۴۵ در جریان یک بمباران هوایی به هلاکت رسید.

این خبر بخودی خود چندان جالب نبود. زیرا اگر جنبه انسانی مسئله را در نظر بگیریم، این پیرزن (بیوه فرایزر) جهت ادامه زندگی احتیاج به کمک جهت امرار معاش خود دارد. ولی چرا حق ویژه؟! وزارت امور اجتماعی برای اثبات این حق ویژه دلیل می‌آورد: "اگر فرایزر زنده می‌بود، الان بعنوان وکیل مدافع و یا یک مقام عالیرتبه دیگر مشغول خدمت می‌بود." (نقل قول از پرونده فرایزر در مونخ).

با خودم فکر کردم که این خبر می‌تواند همانند دوش آب سردی برای هزاران پارتیزان و اعضای جبهه ضد فاشیستی و بازماندگان قربانیان جنگ باشد، زیرا اطلاع داشتم که آنها آورده و با درج نامهای مختلف با جهت گرفتن مقدار ناچیزی کمک مالی مدارک و سمت‌هایشان در جهت "دیپلما - چه آشی برای مردم بدبخت شما پخته باید روزهای متوالی امور بوروکراتیک سی انقلابی" خود گامی دیگر برمی‌داشتند، است؟! آیا دوباره یک قرارداد جدید را انجام دهند و اغلب نیز به بهانه اینبار از کسی دعوت نشده بود. این امضاء شده؟" گفتم: "قرارداد که چه های مختلف از دریافت مقرری محروم مسئله مرا سخت به تعجب واداشت. از عرض کنم!" و جریان ماجرا را برای می‌گردند. تصمیم وزارت امور اجتماعی خودم سؤال کردم که چه شده است؟ آیا او شرح دادم. مسئله برای او چنان مونیخ یک حقیقت آشکار را بیان می‌کند. "مبارزه وارد فاز جدیدی" گردیده بهت‌انگیز بود که ابتدا اطلا بساورش حقیقتی که در سیستم امپریالیستی است؟! ولی شکام زمانی برطرف شد که نشد زیرا بسیاری از نیروها و عناصر آلمان یک‌دگر طبیعی و روزمره است و در محل غذاخوری دانشگاه بر سر میز

مترقی آلمانی، مجاهدین را تا این مقطع بخاطر سابقه مبارزه صدامپریا- لیستی‌شان، در درون طیف چپ‌ارزیایی می‌نمودند. با شگفتی سؤال کرد: "آیا فکر نمی‌کنی که مجاهدین هنوز سازمان جوانان دمکرات مسیحی و نقش‌آنان را نمی‌شناسند؟" ولی بدون آنکه منتظر پاسخ من شود، گفت: "بر فرض آنکه قبلا نمی‌شناختند، ولی هر انسانی که اندک آگاهی و علاقه به مسائل سیاسی داشته باشد و در کنگره آنها شرکت کند به ماهیت آنها در حین برگزاری آن پی می‌برد. زیرا در مدت سه روز - انجام کنگره بحث بر سر چگونگی بوجود آوردن مجدد "آلمان بزرگ" بود که چهل سال پیش ناقوس مرگش با شکست هیتلر فاشیست نواخته شد." در تأیید حرف او اضافه کردم: "تازه خود هواداران مجاهدین بخوبی بخاطر دارند زمانی که فالانژهای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در شهرهای مختلف آلمان به دانشجویان مترقی ایرانی حمله می‌کردند و باندهای تروریستی به سرکردگی هادی غفاری جلاذ سعی در باصلاح نابودی مبارزات دانشجویی در خارج از کشور را داشتند و اتحاد یکپارچه جنبش دانشجویی خارج از کشورگوشمالی سختی به آنان داد و زمانی که عناصر و نیروهای مترقی آلمانی با حمایت پشتیبانی بی شائبه خود نقش تروریست های خمینی را هرچه بیشتر در افکار عمومی آشکار نمودند، همین جوانان دمکرات مسیحی با پخش اعلامیه‌های مختلف از این مسئله جهت پیشبرد مقاصد نژادپرستانه خود در مسوورد خارجیان در آلمان استفاده کردند. آنها استناد به این مسئله که کثرت خارجیان "نظم و آرامش" جامعه "دمکراتیک" آلمان را برهم می‌زنند، به مقامات امنیتی و قضائی کشور توصیه می‌کردند که از درگیری های ایرانیان پند بگیرند و خارجیان که فعالیت شدید سیاسی (بخوان: فعالیت چپ دارند، تحت کنترل شدید خسود درآورند. زمانی که شوراهای دانشجوی-

یان مسئله کمک مالی به دانشجویان ایرانی که بدلیل فعالیت سیاسی از دریافت آرز دانشجویی محروم گشته بودند را، در پارلمان های دانشگاهها مطرح می‌کردند خود هواداران مجاهدین شاهد بودند که این طرح در کلیسه دانشگاهها بدون استثناء با مخالفت و رای منفی جوانان دمکرات مسیحی مواجه گردید."

واقعیت این است که جوانان دمکرات مسیحی نقش پلیس مخفی آلمان را در محیط های آموزشی ایفا می‌کنند. آنان در سرکوب مبارزات دانشجویی در سالهای گذشته نقش مستقیم داشته‌اند و مسلما آقای بهمن نیرومند، نماینده شورا در آلمان و هم‌پیمان مجاهدین خلق که سابقه مبارزاتی در جنبش دانشجویی آلمان را وثیقه‌ای جهت کسب اعتبار برای خود می‌داند باید به این مسئله بیش از دیگران واقف باشد. مگر اینکه او نیز معتقد به دمکرات و مترقی شدن آنان باشد.

بهرحال، یک‌هفته قبل از برگزاری تظاهرات مجاهدین و بعد از آنکه هواداران مجاهدین اسامی، آدرس و شماره تلفن علاقمندان جهت شرکت در تظاهرات را در لیستهای چاپی از قبل تهیه شده جمع‌آوری نمودند، در محیط های دانشگاهی پوستره‌های جدید فراخوان تظاهرات در قطع بزرگتر نصب گردید و علاوه بر ذکر مناسبت، محل و تاریخ تظاهرات (البته با عکس‌هایی از موسی و اشرف)، نام و سمت‌های مختلف سخنران تظاهرات نیز با خط درشت قید شده بود: "آقای دکتر اشترکن، نماینده پارلمان آلمان از فراکسیون حزب دمکرات مسیحی (CDU) و رئیس کمیسیون امور خارجه پارلمان آلمان و رئیس ...!"

البته این مسئله دیگر برای من چندان عجیب نبود. زیرا مقدمات اولیه فاشیست بود، فلیک، صمیمی ترین دوست آن در کنگره جوانان و شرفیابسی به و همدست هیتلر که با خرید سیاستمدان حضور کهل و درج خبر آن در صفحه اول ران آلمانی، مهمترین مهره پشت پرده روزنامه مجاهد فراهم گردیده بود و امپریالیسم آلمان محسوب می‌شود، اگر غیر از این بود، بیشتر مسوورد

تعجب و شگفتی می‌شد! در روز تظاهرات (۸ فوریه) با وجود آماده نبودن جایگاه مخصوص سخنرانی جهت حفظ آقای نماینده مجلس از کزتد سرمای نه‌چندان زیاد شهر بین و در حالیکه شرکت کنندگان سراپا آماده استماع سخنران آقای اشترکن درباره نقض حقوق بشر در ایران و "حمایت از انقلاب نویین" ایران بودند، به‌ناگهان سخنگوی انجمن دانشجویان مسلمان با تاسف اعلام نمود که آقای اشترکن بدلیل کرفتناری شخصی (گویا فوت فرزندش و شاید هم فشار رژیم خمینی) نمی‌تواند شما را از سخنان دلنشینان مستفیض گرداند!

اگرچه آقای اشترکن نتوانست در تظاهرات شرکت کند، ولی برای اکثر کسانی که به ماهیت این حزب آشنائی دارند واضح بود که اگر او می‌آمد چه می‌گفت. اگر کسی بیامهای ارسال می‌کرد سنا توره‌های آمریکائی و دیگر پیام - دهندگان را در روزنامه مجاهد به‌دقت مطالعه کند، می‌تواند حدس بزند که وی نیز در صورت حضور چه می‌گفت. مثلاً: "من نقض حقوق بشر در کشور زیبای و تاریخی شما را محکوم می‌کنم و امیدوارم که روزی آقای رجوی رهبر شما همانند خمینی از پاریس به تهران برود و صلح و آرامش را به کشور شما بازگرداند." (رجوع شود به پیام سنا تور آمریکائی از حزب جمهوری خواه به رجوی به مناسبت سالگرد شهادت موسی و اشرف، در نشریه مجاهد). و بدینگونه تظاهرات هواداران مجاهدین خلق ایران در بین با شعار "زنده باد همبستگی بین المللی" به پایان رسید.

از خود سؤال کردم که آیا واقعا مجاهدین می‌دانند به کجا می‌روند؟ و دوباره داستان فرایزلهر جنایتکار که طبق آمار رسمی، ۹۸٪ حکم‌های صادره از سوی وی اعدام برای مبارزین ضد چندان عجیب نبود. زیرا مقدمات اولیه فاشیست بود، فلیک، صمیمی ترین دوست آن در کنگره جوانان و شرفیابسی به و همدست هیتلر که با خرید سیاستمدان حضور کهل و درج خبر آن در صفحه اول ران آلمانی، مهمترین مهره پشت پرده روزنامه مجاهد فراهم گردیده بود و امپریالیسم آلمان محسوب می‌شود، اگر غیر از این بود، بیشتر مسوورد

نیکاراگوئه



کارخانجات شکر سازی با همکاری کوبا در نیکاراگوئه ساخته میشود

بدنیال سیاستهای تجا و زگرانہ امپریالیسم آمریکا در آمریکای مرکزی و بخصوص در نیکاراگوئه، اخیرا ریگان اعلام کرد کہ مجلس سنا آمریکا بایستی با طرح ۱۴ میلیون دلاری وی - موافقت نماید. علیرغم اینکه دولت ساندینیستا بعلت فشارهای شدیدی امپریالیسم آمریکا طرحهای مختلفی را برای صلح به آمریکا داده، با این حال ریگان برای سرنگونی این رژیم از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزد. اخیرا تحت فشار افکار بین المللی و برخی از جناحهای دمکرات امپریالیستی این کمک که از جانب ریگان بنام کمکهای بشردوستانه قرار است به نیروهای ضد انقلاب بشود، تا ماه اوت به تعویق افتاد.

السالوادور

در انتخابات مجلس قانونگذاری و شهرداری های السالوادور، حزب دمکرات مسیحی به رهبری دورانتسه، رئیس جمهوری این کشور، مدعی شد که ۳۳ کرسی از ۶۰ کرسی نمایندگان این مجلس را بدست آورده است. دورانتسه قبلا ادعا میکرد که بدلیل نداشتن اکثریت در مجلس، سیاستهای او مبنی بر برقراری صلح از طریق مذاکره با جبهه آزادیبخش فارابودو مارتینی، به نتیجه نمی‌رسد. دورانتسه اظهار امیدواری نمود که با بدست آوردن این پیروزی بتواند دوره سوم مذاکرات خود را با چریکها آغاز کند. این انتخابات به گفته یکی از اعضای جبهه آزادیبخش هیچگونه تغییری جدی در وضعیت مردم السالوادور ایجاد نکرده و تاثیر بر حضور نیروهای نظامی آمریکا در خاک السالوادور نیز نخواهد داشت.

آرژانتین

بنا بر گزارش روزنامه لوموند، صندوق بین المللی پول کمکهای خود را به آرژانتین قطع کرد تا بدینوسیله این کشور را به "سختگیری های اقتصادی" وادار نماید. صندوق بین المللی پول اعلام کرده است که تصمیم فوق تا زمانی که آرژانتین برنامه پیتنهادی این موسسه را به اجرا دریاورد، به فوت خود باقی می‌ماند. دولت آرژانتین این برنامه اقتصادی را ۳ ماه پیش پذیرفت ولی از اجرای تمام و کمال آن عاجز مانده است.

شیلی

روز ۴ آوریل حدود ۵۰ تن از زنان شیلی که در مانسپای خود به اعتراض علیه رژیم دیکتاتوری این کشور پرداخته بودند، توسط پلیس

با زداشت شدند. آنها خواهان روشن شدن جریان ربودن و قتل ۳ تن از مخالفین رژیم نظامی بودند. این قتل در اوایل آوریل اتفاق افتاده بود. همچنین در همان زمان بیش از ۲۴ تن از هنرمندان طی اعتراضات مشابهی علیه رژیم این کشور دستگیر شدند.

بولیوی

انتخابات عمومی بولیوی که برای ۱۶ ژوئن پیش بینی شده بود، در انتر یک اعتصاب عمومی محدود کارگران بولیوی به تعویق افتاد و به ۱۴ ژوئیه موکول شد. این اعتصاب به فراخوان "مرکز کارگری بولیوی" (COB) از روز ۸ مارس آغاز شده است. در همین زمان بیش از ۶۰۰۰۰ کارگر اعتصابی در لاپاز گردم آمدند و با شعار "نان، کساره، آزادی"، تظاهرات مهمی را برگزار کردند. این تظاهرات هرگونه عبور و مرور را در شهر فلج کرد. حدود ۱۲ هزار کارگر معدنی که از چند روز قبل به لاپاز آمده بودند، با انفجار دینامیت، خواهان اجرای حداقل خواسته‌های خود شدند. در اواخر ماه مارس، چندین بمب در لاپاز منفجر شد که منجر به درگیری‌های بین کارگران و ارتش شد. با اینحال، رهبران COB همچون گذشته آماده مذاکره با دولتند نرخ تورم در بولیوی در سال ۱۹۸۴، ۲۷۰٪ بوده است و COB خواهان افزایش دستمزدها به نسبت افزایش قیمت کالاهاست. از طرف دیگر، طبق گفته مسئولین یک سندیکیای دهقانان، دهها هزار دهقان آماده پیوستن به جنبش اعتصابی هستند و در هر لحظه که لازم باشد، به لاپاز خواهند آمد. یکی از رهبران COB بنام "لچین" در یک گردهم‌آیی ۱۵۰۰ نفره اعلام کرده است که کارگران باید برای برقراری یک دولت سوسیالیستی در بولیوی مبارزه کنند ولی بدون یک پیمانهای مسلح، نمی‌توان بقدرت رسید.

گواتمالا

وضعیت وخیم اقتصادی گواتمالا و نیاز مبرم آن به وام خارجی، حاکمان نظامی آنرا برای زودن کارنامه سیاه خود در زمینه "حقوق بشر" به تکاپو انداخته است. بدیهی‌های خارجی‌سازی گواتمالا بالغ بر ۲/۳ بلیون دلار است و برودی موعد پرداخت ۱ بلیون دلار و وام های کوتاه مدت فرا خواهد رسید. در ماه ژوئن گذشته صندوق بین المللی پول پرداخت ۶۰ میلیون دلار باقیمانده از وام ۱۲۰ میلیون دلاری خود به گواتمالا را متوقف کرد زیرا دولت نظامی گواتمالا در اجرای یکی از

نماید تا از ورود قاچاق این مواد جلوگیری نماید. این مسئله توسط سفیر لائوس در سازمان ملل متحد روز ۲۲ مارس اعلام گردید. وی ابراز داشت که "لائوس تقریباً تولیدی سرخ خود را از سال ۱۹۷۶ تا حال دوبرابر افزایش داده که البته بایستی اضافه نمود که در این مدت ما با مشکلاتی از قبیل بیدی هوا و همچنین خرابی کسرتده‌بازی از مبارزات شدید آمریکا طی جنگ هندوچین مواجه بوده‌ایم." ونکی سفیر لائوس اضافه کرد: "بخش اعظم امرایستی حیوانات بوسیله ۲۵۱۶ تانک که همگی آنها بعد از انقلاب سوسیالیستی ۲ دسامبر ۱۹۷۵ سازماندهی شده‌اند، انجام گرفته است... ونکی در ارتباط با مبارزه با بی سوادی گفت: "ما بعد از انقلاب یک مسابقه همگانی مبنی بر اینکه افراد تحصیل کرده مسئولیت یاد دادن به مردم بی‌سواد را عهده دار گردند، فراهم آوردیم." یکی دیگر از دستاوردهای سال ۱۹۸۲ را ونکی سفیر تکمیل ۱/۳ از جاده‌های اصلی کشور

در روز ۴ آوریل، همزیستی شکننده اعراب و اسرائیلی‌ها در بیت المقدس با وقوع چند درگیری از هم گسست. مهم‌ترین درگیری در کالج "ابراهیمیه" واقع در تپه "البیسه" رخ داد. دانش‌آموزان این کالج اقدام به سنگربندی کردند و خیابان مشرف به مدرسه را مسدود نمودند. تعدادی از آنان لاستیک‌ها را آتش زدند و تعدادی دیگر به یام مدرسه رفتند و پرچم فلسطین را به اهتزاز درآوردند. این وضعیت به مدت ۲ ساعت ادامه داشت. پلیس و "گارد های مرزی" به مدرسه یورش برده و بیشتر مدین از دانش‌آموزان را دستگیر کردند. ۱۰ تن از دانش‌آموزان بطور سطحی مجروح شدند. طبق گفته پلیس، سازماندهندگان این حرکت، مبلغینی هستند که از سرزمین های اشغالی آمده‌اند. هدف از این حرکت، جلب توجه افکار عمومی به

بعثت انفجار عظیمی که در یکی از جاهای فاضلاب در یکی از کارخانه‌های محله‌های فقیرنشین رخ داد، دمها تن دچار مسمومیت شدند که حال آنها بسیار وخیم می‌باشد. مردم این نواحی ۲۰ ماه قبل از وقوع حادثه، مراتب را به روسای کارخانه اطلاع داده بودند اما مدیران از انجام هرگونه اقدامی برای جلوگیری از وقوع حادثه امتناع نمودند. علل انفجار که در آن بیش از ۷۰۰ تن از ۱۰۰۰۰ کارگر این مجتمع دچار مسمومیت شدند گاهن سطحی‌بانی سیستم فاضلاب - منجر به آزاد شدن مقدار زیادی از گازهای سمی - گارگران و کشاورزان این ناحیه برای مقابله با سهل‌انگاری و بی توجهی های ماحیان کارخانه Trans World Inc. & Bristol کمیته‌ای بنام (کمیته برای دفاع از سلامتی) تشکیل دادند.

آسیا

ترکیه

بنا بر گزارش روزنامه لوموند، در روز ۴ آوریل نیروهای کرد به کمین نیروهای نظامی ترکیه نشسته و بسیاری از آنها را به هلاکت رساندند. طبق گفته مقامات ترکیه، کشته‌شدگان در یک سائین بهداری بودند که از نزدیک با یک خودروی نظامی همراهی می‌شد. در ۶ ماه گذشته این سی و هشتمین عملیات نیروهای کرد است که رسا از طرف دولت اعلام شده است. هم‌اکنون ۸۲ تن از فعالین کرد در زندانبهای ترکیه در انتظار محاکمه بسر می‌برند که احتمالاً ۳۰ نفر از آنان اعدام خواهند شد.

۵۵۵۵۵

دو تن از نویسندگان آمریکایی و انگلیسی که از طرف اتحادیه بین المللی نویسندگان برای بازدید از اوضاع زندانیان سیاسی در ترکیه به این کشور رفته‌اند، طی گزارشی اعلام داشتند که شکنجه زندانیان سیاسی در این کشور همچنان ادامه دارد. در این گزارش آمده است که تعداد زندانیان سیاسی به ۲۵۰۰۰ نفر می‌رسد، زندانیان در ۴۵ روز اول بازداشت حق هیچگونه تماسی با خارج را ندارند و از آنها در سطولهای انفرادی نگهداری می‌شود. در طی این مدت آنها تحت وحشیانه ترین شکنجه‌ها قرار می‌گیرند. ایمن شکنجه‌ها عبارتند از شوک الکتریکی، ضربه بر اندامهای تناسلی و کتک زدن. این دو تن پس از دیدار خود با سفراء کشورهای آمریکا و انگلیس، سیاست آمریکا و انگلستان در رابطه با ترکیه را محکوم کردند. لارمه یادآوری است که ترکیه سالانه ۷۵۰ میلیون دلار بول نقد از آمریکا دریافت می‌کند.



علیرغم آزاد شدن برخی ز زندان میان سیاسی لبنان، بقیه به زندانهای اسرائیل منتقل شدند

نام برد. این راهپا که با کمکهای شوروی و ویتنام ساخته میشود انتظار می‌رود که در سال ۱۹۸۷ به‌انجام برسد.

آمریکا

روز ۲۸ مارس کنکره آمریکا طرح تولید ۲۱ موشک اتمی MX دیکر را به تصویب رسانید. برای تحقق این طرح ۱/۵ میلیارد دلار اختصاص داده شده است. هر یک از این موشکها قادرند ۱۰ کلاهک اتمی را با درجه دقتی به میزان ۱۰۰ متر تا ۱۴۰۰۰ کیلومتر حمل کنند. مجلس سنا نیز در اواخر ماه مارس ۲ بار طرح تولید این موشکها را تأیید کرده بود. کنکره آمریکا همچنین در تابستان آینده طرح تولید ۲۸ موشک MX دیگر را بررسی خواهد کرد آمریکا مجموعاً تولید ۱۰۰ موشک MX را در برنامه خود کنساده است.

سیردهمین سالگرد تاسیس حزب انقلابی خلق لائوس (LPRP) امسال در حالی اعلام گردید که دولت جمهوری دمکراتیک خلق لائوس قادر شد که سرخ و گندم مصرف خود را مستقلاً تهیه

آمریکا

بیش از ۲۲ میلیون نفر از مردم ایالات متحده آمریکا از سوء تغذیه و تغذیه ناقص در رنج هستند و بیست میلیون نفر با توجه به معیارهای جامعه آمریکا در فقر بسر می‌برند. اینها نتیجه مطالعات محققین دانشگاه هاروارد بوده است که اخیراً منتشر شده است. مطالعات که توسط ۲۲ دکتر و جامعه‌شناس برگزیده و شناخته شده انجام شده همچنین فاش کرده است که گرسنگی در آمریکا رو به گسترش است. نتیجه تحقیقات دال بر "زنانه شدن فقر در آمریکا" است، یعنی خانواده‌هایی که از سوء تغذیه در رنجند اساساً خانواده‌هایی هستند که زنان تکفل یک تا چند بچه را بعهده دارند.

در روز ۲۵ آوریل در چندین شهر بزرگ آمریکا از جمله لوس آنجلس، سانفرانسیسکو، واشنگتن و... تظاهرات عظیمی علیه سیاستهای نظامی امپریالیسم آمریکا در آمریکا، مرکز و بخصوص نیکاراگوئه و مسئله صلح و عدالت اجتماعی با شرکت صدها هزار نفر برگزار شد. در واشنگتن که جمعیتی در حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر در آن شرکت کرده بودند، جسی جکسون علیه سیاستهای ریگان سخنرانی نمود که مورد استقبال تظاهرکنندگان واقع گردید.

اروپا

نروژ

کشور نروژ در اواسط آوریل بعنوان اولین کشور اروپای غربی اعلام کرد که در تحقیقات آمریکا جهت ساختن یک سیستم دفاعی در فضا علیه موشکهای اتمی قاره‌یما شرکت نخواهد کرد. هم‌اکنون کشورهای فرانسه، آلمان مشغول مذاکره جهت ارائه یک سیاست واحد در مقابل تقاضای آمریکا مبنی بر شرکت کشورهای اروپای غربی در این زمینه می‌باشند.

آلمان غربی

راهپیمایی روز "عید پاک" که هر ساله از طرف جنبشهای صلح طلب آلمان غربی برگزار می‌شود، امسال در روز ۵ آوریل در چند شهر آلمان با شرکت بیش از چند صد هزار نفر برگزار شد. تظاهرات امسال بطور مشخص علیه نظامی کردن فضا و سیاستهای امپریالیسم جهانی بخصوص امپریالیسم آمریکا سازماندهی شده بود. در یکی از تظاهراتها، گروهی از تظاهرکنندگان موفق شدند از موانع ایمنی یا یکان "موتلادگان" (در نزدیکی اشتوتگارت) عبور کنند و در درون پایگاه دست به



حمله رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی به توده‌های سیا هیوست این کشور

تظاهرات برینند که با حمله پلیس روبرو این کشور که با یک خودروی زرهی متفرق شدند.

آفریقا

آفریقای جنوبی

در روز ۲۸ مارس بیش از ۳۰۰۰۰۰ کارگر و کارمند دانمارکی در یک اعتصاب متحد که در تاریخ این کشور بی سابقه بوده است، علیه دولت بیباک خاستند. این اعتصاب پس از بحث‌های اخیر پارلمان و مطرح شدن یک لایحه ۸ ماده‌ای مبنی بر یک سری اقدامات "سختگیرانه" اقتصادی بوجود آمد. نمایندگان پارلمان موقعی که قصد داشتند به مجلس بروند، با یک جمعیت چند هزار نفره مواجه شدند که ۹ پیل منتهی به جزیره‌ای که پارلمان در آن واقع شده را مسدود کردند. سدیگه‌های مختلف در فراخوان خود اعلام کرده بودند که برای ممانعت با تصمیمات دولت دست به تظاهرات بزنند. پلیس پس از مدتی درگیری با مردم توانست

در اوایل ماه آوریل دولت نژاد پرست آفریقای جنوبی، هرگونه تجمعی در سالنها را که با خواسته‌های آموزشی همراه باشد، ممنوع اعلام نمود. هرگونه تجمعی در فضای باز نیز از دو سال پیش ممنوع شده بود. دولت آفریقای جنوبی تصمیم گرفته است که تا ۴۰ ژوئن هرگونه جلسه‌ای را برای ۲۹ سازمان ضدآپارتاید ممنوع کند. از جمله این سازمانها می‌توان به UDF (جبهه دمکراتیک متحد) AZASO (سازمان دانشجویان آفریقای جنوبی)، کنگره دانشجویان آفریقای جنوبی (COSAS) و AZAPO (سازمان خلق آفریقای جنوبی) اشاره کرد.

در حاشیه برگزاری

هلموت کهل و اشتراوس که هارترین مهره‌های امپریالیسم آلمان بحساب می‌آیند، قراردادهای اسارتبار چند میلیارد دلاری آلمان با مرتجع‌ترین رژیم‌های جهان، یعنی رژیم جمهوری اسلامی، اخراج، دستگیری و شکنجه‌های روانی کارگران خارجی، پناهندگان سیاسی و دانشجویان خارجی (از جمله ایرانیان) بر اساس سیاست‌های نژاد پرستانه و فاشیستی، همانند برده سینما مقابل چشمان من گذشتند. هرچه فکر

بقیه از صفحه ۱۹

یک دانشجوی ایرانی

خواهد کرد. در همین رابطه، "ارتش آزادیبخش خلق سودان" اعلام کرد که آتش بس نمیری حمله‌ای پیش نیست، چرا که با اعلام آتش بس، سربازان دولتی قصد تارومار کردن کلیه دهکده‌ها و مردمان آنرا که از نیروهای انقلابی و چریکها حمایت می‌کنند، دارند. از طرف دیگر، اعلام آتش بس می‌توانست دلیلی باشد تا متحدان غربی سودان مجدداً در جهت دادن وامهای طولانی مدت و سنگین تر به این کشور بسرای برون رفت از بحران اقتصادی موجود عمل کنند.

در زدوخوردهای اخیر نیروهای

که قوانین اسلامی در سودان به مورد اجرا گذاشته شد، بیش از ۴۴ مورد قطع دست برای جرمهای کوچک گزارش شده است. البته بایستی اجسرای قوانین اسلامی دیگران جمله سنگسار کردن و شلاق زدن که آمار آن بسیار زیاد می‌باشد، را نیز یادآوری نمود. اولین حکم قصاص که بدلیل نقض قوانین اسلامی در مقابل مردم به مورد اجرا درآمد، اعدام "محمود محمدطاها" رهبر ۲۶ ساله "حزب جمهوری بسرادار" بود که انعکاس وسیع خارجی پیدا کرد. نمیری گرچه سعی داشت با اعدام این فرد به سایر رهبران جریانات مذهبی-

در ادامه اعتمادات و شورهای بی در پی مردم سودان علیه دیکتاتور این کشور، بالاخره دولت جعفر نمیری پس از ۱۶ سال حکومت، طی کودتایی توسط یکی از فرماندهان ارتش سرنگون شد. با اوچگیری اعتمادات که از حمایت اتحادیه‌های وکلا و اطبساء برخوردار بود، اکثر رهبران اتحادیه‌ها توسط حکومت نمیری دستگیر شدند. دولت نمیری موقعی سرنگون گردید که خود وی به قصد کمکهای اقتصادی - نظامی بیشتر از آمریکا به این کشور مسافرت کرده بود. ریگان طی ملاقات خود با نمیری موافقت نمود که مبلغ

کودتای سودان:

حیله

کهنه شده

امپریالیسم



تظاهرات گسترده مردم سودان در خرطوم قبل اووقوع کودتا.

دولتی با نیروهای ارتش آزادیبخش خلق سودان (SPLA)، قوای دولتی متحمل ضربات شدیدی شدند. در ۱۶ ژانویه نیروهای SPLA بیش از ۴۸۰ تن از نیروهای دولتی را که در ۱۶ ماهین ارتش بطرف مرزهای اتیوپی حرکت می‌کردند، بهلاکت رساندند. البته دولت ادعا نمود که نیروهای دولتی توسط نیروهای خارجی که در نواحی اوکاندا مستقر بودند، مورد حمله هوائی قرار گرفتند.

روشنفکری مخالف دولت ضربه شست نشان بدهد، با اینحال اعدام "طاها" وسیله ای برای بسیج و مخالفت های وسیع توده ای گردید.

علاوه بر تظاهرات و اعتمادبهای توده ای، جنک داخلی قوای دولتی سودان با "جنبش آزادیبخش خلق سودان" را باید از مشکلات دیگر دولت نمیری دانست. با ورود جورج بوش، معاون رئیس جمهوری آمریکا، به سودان در چهارم ماه مارس، نمیری به "جنبش آزادیبخش خلق سودان" اعلام آتش بس و صلح نمود. این پیشنهاد از جانب این سازمان بکلی رد گردید و اعلام شد که تا سرنگونی کامل نمیری، مبارزه با قوای دولتی ادامه پیدا

۱۸۰ میلیون دلار کمک دراختیارسار سودان قرار دهد.

نمیری که از رشد ميسارزات توده‌ها راحت نبود، اخيرا مجبور شد که تغییر تاکتیک بدهد و سیاستهای "مسالمت آمیز"تری را مورد اجرا بگذارد. در ارتباط با این مسئله، وی اخیراً دو تن از وزرای خود، یعنی وزیر دادگستری و وزیر امور خارجه را کنار گذاشته بود (سیاست شاه). دلیل نمیری برای برکنار کردن این دو تن، اعترافات گسترده مردم به دولت بود. این دو تن عضو گروه ارتجاعی اخوان المسلمین بودند که این گروه از متحدان "اتحاد سوسیالیستها"ی نمیری می‌باشد. از ۳۰ ماه پیش به این طرف

متذکر شده بود که مشکلات سودان ناشی از جنگ داخلی می‌باشد. عربستان سعودی نیز که همواره کمک‌های مالی عمده‌ای به سودان نموده است، نیمی را تحت فشار قرار داد تا برای برقراری رفتار بحران موجود از راه حل‌های "مسالمت‌آمیز" استفاده نماید. در این میان امپریالیسم آمریکا به بیانه "دخالت و تجاوز لیبی"، دولت‌نمیری را به سلاح‌های مدرن مجهز نمود و چندین عملیات نظامی را در خاک سودان انجام داد.

کسترن مبارزه مسلحانه علیه رژیم نمیری، آمریکا را به شدت نگران کرده بود، چرا که چریک‌ها SPLA طرف‌چند سال اخیر، حملات گسترده‌ای را با تاسیسات نفتی در نواحی بالای رود نیل که سرمایه‌های بیش از ۹۰۰ میلیون دلار از جانب شرکت‌های مانند شل، سوران، بانک جهانی برای آن در نظر گرفته شده بود، انجام دادند. نمیری تصور از کودتا، اعلام حکومت نظامی کرد و می‌کرد با تکمیل این تاسیسات نفتی تا سال ۱۹۸۶، کشورش بعنوان یکی از صادر کنندگان عمده نفت جهان در آمد و بدینوسیله وی خواهد توانست بر مشکلات و بحران فائق آید.

با اینحال بموازات گسترش بحران اقتصادی، علیرغم تبلیغات رژیم نمیری در مورد بکارگیری سیاست‌های "مسالمت‌آمیز"، سرکوب و خفقان گسترش می‌یافت. گزارشات متعدد بیانگر این نکته است که نیروهای دولتی با حمله به نواحی مسکونی در مناطق جنگی، به قتل و مردم بی‌گناه می‌پرداختند. بدینگونه نرامایی رو به اوج مردم در مورد "مسالمت‌آمیز" استفاده نماید. در این میان امپریالیسم آمریکا به بیانه "دخالت و تجاوز لیبی"، دولت‌نمیری را به سلاح‌های مدرن مجهز نمود و چندین عملیات نظامی را در خاک سودان انجام داد.

کسترن مبارزه مسلحانه علیه رژیم نمیری، آمریکا را به شدت نگران کرده بود، چرا که چریک‌ها SPLA طرف‌چند سال اخیر، حملات گسترده‌ای را با تاسیسات نفتی در نواحی بالای رود نیل که سرمایه‌های بیش از ۹۰۰ میلیون دلار از جانب شرکت‌های مانند شل، سوران، بانک جهانی برای آن در نظر گرفته شده بود، انجام دادند. نمیری تصور از کودتا، اعلام حکومت نظامی کرد و می‌کرد با تکمیل این تاسیسات نفتی تا سال ۱۹۸۶، کشورش بعنوان یکی از صادر کنندگان عمده نفت جهان در آمد و بدینوسیله وی خواهد توانست بر مشکلات و بحران فائق آید.

با اینحال بموازات گسترش بحران اقتصادی، علیرغم تبلیغات رژیم نمیری در مورد بکارگیری سیاست‌های "مسالمت‌آمیز"، سرکوب و خفقان گسترش می‌یافت. گزارشات متعدد بیانگر این نکته است که نیروهای دولتی با حمله به نواحی مسکونی در مناطق جنگی، به قتل و مردم بی‌گناه می‌پرداختند. بدینگونه نرامایی رو به اوج مردم در مورد "مسالمت‌آمیز" استفاده نماید. در این میان امپریالیسم آمریکا به بیانه "دخالت و تجاوز لیبی"، دولت‌نمیری را به سلاح‌های مدرن مجهز نمود و چندین عملیات نظامی را در خاک سودان انجام داد.

فدائی

نشریه

هواداران سازمان چریک‌های فدائی
خلق ایران در سیستان و بلوچستان
را بخوانید

نشریه

فدائی

اورگان

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران
را بخوانید

گزارشی از اعتصاب کارگران معادن ذغال سنگ انگلستان

سطح زندگی طبقه کارگر در دهه اخیر نزول چشمگیری داشته است و جنبش تریدیونیونی نیز نتوانسته مبارزه منجمی را برای جلوگیری از این گرایش پیش برد. علیرغم ضعف و سازشکاری جنبش تریدیونیونی، دولت تاچر تهاجم گسترده‌ای را علیه این جنبش آغاز کرد تا بقایای قدرت صنفی - سیاسی کارگران را در این شکل درهم کوبد. دولت کنونی تلاش دارد تا حتی ابتدایی‌ترین حقوق کارگران در جوامع بورژوازی همچون حق اعتصاب را از آنان سلب کند. البته تذکر این نکته ضروری است که این سیاستهای به‌غایت ضدکارگری مختص به حزب محافظه‌کار نبوده، بلکه ناشی از وضعیت بسیار بحرانی نظام سرمایه‌داری است که حزب محافظه‌کار (به‌عنوان حزب در قدرت) فقط مامور اجرای آنها می‌باشد.

همانطور که در فوق گفتیم مبارزات صنفی بخشهای مختلف طبقه کارگر انگلیس نتوانست در جلوی سیاستهای تهاجمی دولت تاچر سدی ایجاد کند. در چنین شرایطی بود که اعتصاب سراسری کارگران معادن ذغال سنگ آغاز شد. این اعتصاب از دو جهت با مبارزات فوق تفاوت دارد، اولاً، معدنچیان از لحاظ تاریخی دارای یکی از پرقدرتمندترین اتحادیه‌های کارگری می‌باشند، و ثانیاً خاطره اعتصاب اوایل دهه هفتاد آنان که موجب سقوط دولت ادوارد هیت شد، هنوز در اذهان همگان باقی است. دولت تاچر نیز با آگاهی از این واقعیت، برای شکست قطعی معدنچیان اعلان جنگ کرد، چراکه کاملاً می‌دانست اگر معدنچیان بتوانند در برابرش مقاومت کرده و به پیروزی برسند، حالت شکست ناپذیری دولت به‌طور ناگهانی شکسته شده و ادامه سیاستهای دولت با مقاومتهای جدی‌تر روبرو خواهد شد. از طرف دیگر کارگران معادن نیز به خوبی می‌دانند که اگر اعتصابشان پیروز نشود، نه تنها دولت تاچر قوی‌تر می‌شود، بلکه جنبش طبقه کارگر انگلستان نیز با رکودی بی‌سابقه روبرو خواهد شد. اهمیت تاریخی اعتصاب معدنچیان در همین نکته قرار دارد. پیروزی یا شکست آن می‌تواند در روند آتی مبارزات طبقه کارگر انگلیس تأثیری تعیین کننده داشته باشد.

چرا معدنچیان؟

حال که تاحدودی در مورد اهمیت تاریخی این اعتصاب صحبت کردیم، این پرسش مطرح می‌شود که چرا معدنچیان در شرایط کنونی چنین نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند؟ برای پاسخ باید علاوه بر مسائلی که در بخش فوق شرح آن رفت، به تاریخ مبارزات معدنچیان برگشت.

می‌شود گفت که تاریخ صنعت استخراج ذغال سنگ حتی

در پی اعلام تصمیم شرکت ملی ذغال سنگ (NCR) مبنی بر تعطیل ۴۰ معدن و بیکار کردن بیش از ۲۰ هزار کارگر در ۶ مارس ۱۹۸۴، معدنچیان انگلستان اعتصاب گسترده‌ای را آغاز کردند. از همان ابتدا کاملاً مشخص بود که این اعتصاب در کوتاه مدت پایان نخواهد پذیرفت و امروز پس از گذشت یکسال طولانی‌ترین اعتصاب در تاریخ جنبش کارگری انگلستان و یکی از مهم‌ترین اعتصابات در جنبش بین‌المللی کارگری است.

پیش از اینکه وارد چگونگی شروع و ادامه این اعتصاب شویم، باید اهمیت، نقش و جایگاه آنرا در مبارزات طبقه کارگر انگلستان مشخص کنیم، چراکه این اعتصاب از نوع دهها اعتصابی که همراهه در انگلستان رخ می‌دهد نبوده و برآیند آن نیز تنها محدود به کارگران معادن ذغال سنگ نیست.

اهمیت تاریخی اعتصاب

به‌دنبال پیروزی انتخاباتی حزب محافظه‌کار در سال ۱۹۷۹ دولت تاچر برای مقابله با بحران دامنگیر نظام سرمایه‌داری دست به اقدامات جدید و بی‌سابقه‌ای زد. از جمله این اقدامات سعی در محدود کردن هرچه بیشتر قدرت اتحادیه‌های کارگری و مبارزات آنها برای افزایش دستمزد کارگران، فراهم آوردن شرایط بهتر برای سرمایه‌داران از راه کاهش مالیاتها، قطع سوبسید به صنایع دولتی، کاهش سهم هزینه‌های عمومی در بودجه و سپردن بسیاری از صنایع و موسسات دولتی به بخش خصوصی می‌باشد.

عملکردهای سیاسی - اقتصادی این دولت با مقاومت بخشهای مختلف کارگران انگلیس روبرو شد. که شکل اعتصاب، کم‌کاری، خودداری از اضافه‌کاری و... به‌خودگرفت. از جمله مهمترین آنها می‌توان از اعتصاب کارگران ترانسپورت، صنایع اتوموبیل سازی لیبلاند، صنایع فولاد، کارکنان خدمات پزشکی ملی، کارگران صنعت چاپ و... نام برد. ولی از آنجا که مبارزات فوق عمدتاً پیرامون خواسته‌های صنفی بود، پس از مدتی با مداخله رهبران اتحادیه‌های کارگری به سازش و موافقت می‌انجامید. حتی وضع قوانینی چون محدود کردن تعداد شرکت کنندگان در پیکت (نظاهارات ایستاده) به ۶ نفر، منع پیکت کارگران یک موسسه در مقابل موسسه دیگر به منظور جلوگیری از همبستگی کارگران، لغو اتحادیه‌کارگران در مرکز مخابرات دولتی، بستن گارخانه‌های متعدد و بیکار کردن میلیونها نفر به هیچ مقاومت تعیین کننده و رویارویی مستقیمی با دولت نیانجامید. به‌دنبال سیاستهای دولت تاچر، تعداد بیکاران بنا به آمار دولتی از ۷٪ جمعیت شاغل به بیش از ۱۳٪ افزایش یافته است. در حالیکه آمار حقیقی بسیار بالاتر از رقم فوق است. مثلاً در بعضی از مناطق اسکاتلند و ایرلند شمالی این رقم به بیش از ۴۵٪ می‌رسد.

قدیمی‌تر از عمر سرمایه‌داری است. زیرا حتی پیش از شروع انقلاب صنعتی و استفاده از ذغال سنگ برای به‌کار انداختن ماشین بخار، جهت سوخت در منازل از ذغال سنگ استفاده می‌شده است. کارگران معادن که در اوایل به هیچوجه تشکلی نداشتند، مجبور بودند

که گاهی تا ۱۸ ساعت در روز و تحت سخت‌ترین شرایط و همراه با بیش‌ترین خطر جانی کار کنند. استخراج ذغال سنگ که برای مدت طولانی با وسایل ابتدایی انجام می‌گرفت احتیاج به نیروی کار زیادی داشت و از همین رو درصد قابل توجهی از هزینه‌های استخراج به‌پرداخت دستمزد کارگران اختصاص می‌یافت. این رقم در سال ۱۹۲۰ در حدود ۷۲٪ و در سال ۱۹۳۶ در حدود ۶۷٪ بود. بنابراین پیش از مکانیزه شدن معادن، سرمایه‌داران برای بالا بردن سود به‌تنها راه ممکن یعنی کم‌کردن هرچه بیشتر حقوق کارگران متوسل می‌شدند. از سوی دیگر، شرایط بسیار سخت کار و امراض ناشی از آن (به‌خصوص استنشاق گردوغبار ذغال سنگ که موجب بیماری‌های ریوی از جمله تنگی نفس و برونشیت می‌شود) باعث گردید که



ایرکوب کارگران معادن ذغال سنگ انگلستان توسط پلیس شده‌اند. حال برگردیم به اعتصاب کنونی.

اعتصاب چگونه آغاز شد؟

برخورد بچگونگی آغاز اعتصاب با توجه به تحولات اخیر، از اهمیت بسزایی برخوردار است. چراکه طبق قوانین جدید وضع شده توسط دولت تاجر، هیچ اتحادیه‌ای حق فراخواندن اعتصاب بدون رای‌گیری سراسری قبلی از کلیه اعضا را ندارد و در صورت به‌راه انداختن اعتصاب "تغیر قانونی" دولت یا سرمایه‌دار مربوطه می‌تواند علیه اتحادیه "خطای" اعلام جرم کرده و آنرا به دادگاه ببرد و در صورت "محکوم شدن"، اتحادیه موظف به پرداخت خسارت است.

میزان مرگ ناشی از کار و کارافتادگی زودرس در بین معدنچیان بسیار بالا باشد. مکانیزه کردن معادن نیز تخفیف قابل توجهی در وضعیت فوق ایجاد نکرد. آمار دقیقی در مورد میزان مرگ ناشی از شرایط بد کار وجود ندارد، ولی یک مثال خود بارگو کننده عمق قضیه است. تعداد معدنچسانی که طی سالهای ۱۹۷۱ - ۱۹۵۱ تنها به‌واسطه بیماری‌های ریوی جان خود را از دست دادند، بیش از ۱۷۰۰۰ نفر می‌باشد. به‌طور خلاصه باید گفت که کار در معادن ذغال یکی از سخت‌ترین و در عین حال مرگ‌آفرین‌ترین کارهاست. در یکصد سال گذشته هزاران معدنچی به‌واسطه انفجار معادن جان خود را از دست دادند. مجموعه وضعیت فوق باعث شد که معدنچیان هرچه بیشتر آبدیده شده و برای به دست آوردن خواسته‌های خود هرچه سرسخت‌تر به مبارزه برخیزند.

مبارزه برای تشکیل اتحادیه

صاحبان معادن که از عواقب تشکل کارگران به‌خوبی آگاه بودند، با تمام قوا و متحدان علیه هرگونه حرکت معدنچیان برای تشکیل اتحادیه جلوگیری می‌کردند. اما معدنچیان، به‌رغم خواست صاحبان معادن، از نیمه دوم قرن نوزدهم به‌تدریج متشکل شدند و در مناطق مختلف اتحادیه‌هایی تشکیل دادند. البته این اتحادیه‌ها شکل فدراتیو و منطقه‌ای داشته و تا تبدیل شدن به اتحادیه سراسری فاصله زیادی وجود داشت. مبارزه برای تشکیل اتحادیه سراسری ادامه یافت و در دو دوره یعنی در فاصله سالهای ۱۸۷۵ - ۱۸۶۸ و ۱۹۲۶ به نقطه اوج خود رسید که البته در هر مورد با شکست مواجه شد. اعتصاب همگانی ۱۹۲۶، معدنچیان را عملاً به یک نیروی سراسری تبدیل کرده بود. اما به‌رغم مقاومت قهرمانانه معدنچیان برای ماهها، اعتصاب با شکست مواجه شد و تشکیل اتحادیه سراسری یکبار دیگر با ناکامی مواجه شد. تلاش برای

اعتصاب کنونی معدنچیان برخلاف رسم معمول اتحادیه‌های کارگری انگلستان، با رای‌گیری سراسری آغاز نشد. سر باز زدن از روند رایج که ممکن بود به جلوگیری از اعتصاب و خنثی کردن آن منتهی شود، نه از خواست آگاهانه رهبری اتحادیه بلکه از تردیدهای آن در مورد کسب حداقل لازم آرا برای اعتصاب ناشی می‌شد. رهبری تصور می‌کرد که ممکن است در روزهای اول کارگران از عمق مساله آگاه نبوده و به اعتصاب سراسری رای ندهند. به‌مرحال پس از شروع اعتصاب، مناطق و معادن مختلف یکی پس از دیگری به اعتصاب پیوستند. به‌طوریکه به‌زودی تعداد اعتصاب کنندگان به بیش از ۸۰٪ کل کارگران معادن (از ۱۸۲ هزار نفر) رسید.

در اینجا اندکی پیرامون خصلت تعرضی یا تدافعی اعتصاب مکت می‌کنیم. هرچند که در طول اعتصاب شاهد هردو خصلت بوده‌ایم و با آنکه در اکثر مواقع وجه تعرضی مسلط بوده است، اما بدون شک شروع اعتصاب با حالت تدافعی بود. چراکه پیش از شروع اعتصاب در ۶ مارس، به‌مدت ۱۹ هفته بود که اتحادیه سراسری معدنچیان هرگونه اضافه‌کاری را ممنوع کرده بود. و این در مقایسه با اعتصاب ۱۹۷۲ بسیار طولانی‌تر بود، زیرا در آن وقت بعد از ۸ هفته ممنوعیت اضافه‌کاری اعتصاب شروع شده بود. از سوی دیگر زمان شروع اعتصاب (یعنی اوایل ماه مارس) نیز گواه تدافعی بودن اعتصاب است، زیرا ماه مارس به‌عینوجه برای شروع اعتصاب مناسب نیست، زیرا از فصل سرما گذشته است و در نتیجه تقاضا برای ذغال سنگ به‌خصوص در مورد نیروگاههای تولید برق بسیار کم است. در حالیکه در سال ۱۹۷۲، اعتصاب در زمستان شروع شده بود.

به‌مرحال، به‌توصیه‌کمیته اجرایی "اتحادیه سراسری معدنچیان" کارگران در معادن خود بعد از رای‌گیری منطقه‌ای اعتصاب را شروع کردند و پس از حصول اطمینان از سراسری بودن اعتصاب طبق طرح از پیش برنامه‌ریزی شده برای پیکت معادنی که به‌طور یکپارچه در اعتصاب شرکت نکرده بودند، دست به‌کار شدند. در مدت زمان کوتاهی بیش از ۸۰٪ از معدنچیان به اعتصاب پیوستند. رهبری اتحادیه قصد داشت که ابتدا اعتصاب را به همه معادن گسترش دهد و سپس با پیکت وسیع نیروگاههای تولید برق و کارخانه‌های فولاد که از سوخت ذغال سنگ استفاده می‌کنند، پشتیبانی کارگران این واحدها را جلب کرده و اعتصاب را همگانی کند. اما روند اعتصاب آنطور که رهبری اتحادیه انتظار داشت، پیش زرفت و بخشی از معدنچیان در مناطق ناتینگهام، جنوب داری‌شایر و لانکشاایر به اعتصاب نپیوستند و رهبری مجبور شد که بیشترین نیروی خود را برای پیکت معادن این مناطق اختصاص دهد. رهبری در عین حال برای جلب پشتیبانی اتحادیه‌های دیگر از طریق فشار از بالا (مذاکره با رهبران اتحادیه‌های دیگر)، فشار از پایین، پیکت صنایعی که برای سوخت از ذغال سنگ استفاده می‌کردند، پیکت خطوط راه‌آه‌نی که ذغال سنگ حمل و نقل می‌کردند و همچنین پیکت بنادری که ذغال سنگ وارداتی در آنها ترخیص می‌شد، دست به‌کار شد.

به‌رغم آنکه تنها ۲۰٪ از معدنچیان به اعتصاب نپیوستند، لیکن این حرکت آنان تاثیر بسیار مخربی بر جریان اعتصاب باقی

گذاشت. چراکه این اعتصاب شکنان به تولید ذغال سنگ ادامه دادند و دولت نیز برای مقابله با خطر قطع برق با تعطیل صنایعی که برای سوخت خود به ذغال سنگ متکی می‌باشند، تا آنجا که توانست آنها را از ذغال پر کرد. از سوی دیگر نپیوستن این افراد به اعتصاب، به‌خرابه‌ای برای جنگ روانی دولت و رسانه‌های گروهی علیه اکثریت معدنچیان اعتصابی تبدیل شد و بدین ترتیب موقعیت "اتحادیه سراسری معدنچیان" تا حدی تضعیف گشت. علت نپیوستن معدنچیان این مناطق به اعتصاب نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پس از پیروزی معدنچیان در سال ۷۴ و سقوط دولت محافظه‌کار، دولت حزب به‌اصطلاح کارگر بر سر کار آمد و تونی بن، وزیر انرژی وقت، سیستم پاداش اضافه تولید را وضع کرد. بر طبق این سیستم معادنی که تولیدشان از سطح معینی بالاتر رود، شامل پاداش می‌شدند. معادن مناطق ناتینگهام، داری‌شایر و لانکشاایر جزو معادنی هستند که استخراج ذغال سنگ در آنها بسیار ساده‌تر انجام می‌گرفت و بنابراین تولید ذغال سنگ در آنها از مناطق دیگر بیشتر بود. این مساله باعث شد که دستمزد معدنچیان این مناطق از معادن دیگر بسیار بالاتر باشد. در کنار این مساله باید به دو فاکتور دیگر نیز در مورد عدم پیوستن مناطق فوق به اعتصاب توجه کرد: اول اینکه این مناطق (به‌خصوص ناتینگهام) تاریخاً از سابقه مبارزاتی برخوردار نبوده و همیشه جزو مناطق راست محسوب می‌شوند و ثانیاً خطر تعطیل معادن این مناطق توسط شرکت دولتی ذغال سنگ وجود نداشته و معدنچیان این مناطق با خطر بیکاری روبرو نیستند. خلاصه اینکه کلیه عوامل فوق باعث گردید تا معدنچیان این مناطق به‌بهاهه عدم رای‌گیری سراسری به اعتصاب نپیوندند و متعاقباً ضربات مهلکی به اعتصاب وارد کنند و عملاً به نوکران بورژوازی تبدیل شوند.

نقش ارگانها و نهادهای سرکوبگر

بی‌اغراق می‌توان گفت که یکی از مهمترین دستاوردهای این اعتصاب، نمایان شدن هرچه بیشتر چهره واقعی ارگانهای سرکوبگر بورژوازی است. پلیس و ارتش که همیشه سعی دارند نقش واقعی سرکوبگرانه خود را پنهان ساخته و خود را تنها نگهدارنده بی‌طرف نظم و قانون جلوه دهند، در جریان اعتصاب اخیر برای میلیونها نفر از مردم عادی انگلیس این دروغ بزرگ طبقه حاکمه را افشا ساختند. مردم انگلیس و به‌خصوص معدنچیان و خانواده‌های آنها هر روزه خشونت‌های وحشیانه پلیس ضدشورش را به عینه می‌بینند. بیان عملکرد این پاسداران نظم بورژوازی را می‌توان در دستگیری بیش از ۹ هزار نفر از اعتصابیون، مجروح کردن بیش از ۳ هزار نفر و کشتن ۳ معدنچی قهرمان خلاصه کرد. تا کنون اسناد بیشماری نیز از خشونت و وحشیگریهای پلیس و ارتش منتشر شده و اینگونه عملکردها ابعاد بی‌سابقه‌ای به‌خود گرفته است. استفاده از پلیس ضدشورش، استفاده از واحدهای ضدشورش ارتش که از ایرلند شمالی یا آلمان غربی فراخوانده شده‌اند، استفاده از افراد پلیس اسب‌سوار، استفاده از سگهای

مخصوصاً تربیت شده و در يك كلام استفاده از هرآنچه که در اختیار دولت است، یکبار دیگر نشان داد که "دموکراسی" بورژوازی فریبی بیش نبوده و هرگاه که لازم باشد، دولت‌های دموکرات غرب از دیکتاتورترین دولت‌های وابسته به امپریالیسم دیکتاتورتر می‌شوند. بستن جاده‌ها و اتوبانها، جلوگیری از عبور و مرور هر کسی که به نظر پلیس برای شرکت در پیکت عزیمت کرده است، یورش به محل سکونت فعالان، کنترل مکالمات تلفنی، دستگیری بدون دلیل حامیان اعتصاب و غیره به امری عادی تبدیل شده و عملاً حکومت نظامی اعلام نشده‌ای در بسیاری از مناطق اجرا می‌شود.

دولت علاوه بر نهادهای سرکوبگر عریان مثل ارتش و پلیس، از وسایل دیگری نیز برای شکست اعتصاب استفاده می‌کند. رسانه‌های گروهی به عنوان بخشی از دستگاه ایدئولوژیک طبقه حاکمه جهت تحمیل سیستماتیک مردم یکی از این وسایل مهم می‌باشند. بنابر برخی گزارشها، دولت حتی از روانشناسان مسایل جنگی وزارت دفاع به منظور مرعوب کردن اعتصابیون و همچنین



شکل‌مبارزاتی گاررگران اعتصابی

یکی از مهم‌ترین ویژگیهای اعتصاب معدنچیان، شکل مقابله اعتصاب کنندگان با خشونت‌های پلیس است. یا حاد شدن مبارزه، اشکال مسالمت‌آمیز پیشین تا حد بسیار زیادی اثر خود را از دست داد و کارگران برای اولین بار پس از اعتصاب سال ۱۹۶۶ به اشکال قهرآمیز مبارزه متوسل شدند. مبارزه کلا از چارچوب "قانونیت" و مسالمت‌آمیز بودن خارج شد. باریکادبندی در خیابانها، پیکت‌های چندهزار نفری خشونت‌آمیز، آتش زدن لاستیک و ماشین برای مقابله با پلیس، به آتش کشیدن اتوبوس حامل اعتصاب شکنان، حمله به مراکز پلیس، پرت کردن سنگ و آجر به سوی پلیس و غیره به شکل‌های عادی و روزانه مبارزه کارگران اعتصابی تبدیل شده است. اگر اعتصاب همچنان ادامه پیدا کند، کارگران ممکن است به شکل‌های عالی‌تر مبارزه قهرآمیز نیز متوسل شوند.

اهمیت شکل‌های مبارزاتی فوق وقتی کاملاً معلوم می‌شود که به یاد داشته باشیم که شکل مبارزات کارگران در انگلستان همیشه مسالمت‌آمیز و در چارچوب خواست‌های صنفی بوده است. به کارگیری تاکتیک‌های فوق از جانب کارگران می‌تواند تاثیر تعیین کننده‌ای بر جنبش رفرمیستی تریدیونیونی انگلستان برجای گذاشته و شروع مجددی برای عمل بلاواسطه و مستقیم کارگران محسوب شود. تشکیل کمیته‌های اعتصاب در سطح وسیع، برپاساختن سالنهای غذاخوری جمعی در مناطق مختلف، جمع‌آوری وسیع کمک‌های مالی، برگزاری راهپیمایی‌ها و جلسات همبستگی و غیره نشان‌دهنده سطح بالای آگاهی و سازماندهی کارگران اعتصابی معادن می‌باشد. ادامه دارد

دل‌سرد ساختن پشتیبانان وسیع آنان در جامعه، در رسانه‌های گروهی استفاده می‌کند. خلاصه اینکه جنگ تمام عیاری علیه معدنچیان، این پیشروان طبقه کارگر انگلیس به‌راه افتاده است. روشهایی که مطبوعات و رادیو تلویزیون در پیش گرفته‌اند، قابل تامل هستند. در ابتدا همه آنها بر این مساله تاکید می‌کردند که چرا برای شروع اعتصاب، رای‌گیری سراسری به عمل نیامده است. پس از ناکامی در این کارزار تبلیغاتی، مساله خشونت و قهرآمیز بودن پیکت‌ها را به يك مساله اساسی تبدیل کرده و متفقا به تقبیح آن پرداختند. نقش تلویزیون در این مورد بسیار برجسته بود. بارها در صفحه تلویزیون سرو صورت خونین افراد پلیس نمایش داده شد و از زخمی‌های اعتصابیون خبری نبود. تلویزیون سعی داشت تا با نمایش این صحنه‌ها، اولاً اعتصاب کنندگان را "خشن" و "آشوبگر" جلوه داده و ثانیاً مردم را از پشتیبانی از آنها دل‌سرد کند. تلویزیون در عین حال دائماً با معدنچیان اعتصاب شکن و مسئولان شرکت دولتی ذغال سنگ و وزرای دولتی مصاحبه ترتیب



بحران آفریقای جنوبی و نقش امپریالیسم

ساخته شده در کشورهای امپریالیستی، خصوصاً انگلستان بوده است. عدم حمایت این حزب از صنایع داخلی و جذب نیروی کار ارزان به سوی معادن، باعث می‌شد که از رشد بورژوازی محلی و سرمایه‌داری در بخش کشاورزی جلوگیری شود. علاوه بر آن، سیاست‌های اقتصادی دولت وقت موقعیت برتر خرده‌بورژوازی و کارگران سفید را نسبت به سیاه‌پوستان به مخاطره می‌انداخت. این روند خود باعث رشد تضادهای درونی رژیم گشته و در شرایط استثنائی پس از جنگ جهانی دوم اقشار مذکور، یعنی سرمایه‌داری محلی، سرمایه‌داری کشاورزی و خرده - بورژوازی سفید پوست به همراه قشر کارگری سفید پوست با استفاده از ضعف سرمایه انحصاری خصوصاً امپریالیسم انگلستان، به یک ائتلاف وسیعی دست زده و با تشکیل "حزب ناسیونالیست" (Nationalist Party) توانستند با کسب اکثریت آراء در انتخابات سال ۱۹۴۸ قدرت دولتی را بدست گیرند.

ایدئولوژی حاکم بر حزب ناسیونالیست دارای دو - خصوصیت عمده زیر بود:

۱- اولین و مهمترین خصوصیت آن، نژادپرستی و آپارتاید می‌باشد. بکارگیری سیاست آپارتاید، موقعیت برتر خرده‌بورژوازی و کارگران سفید را تحکیم نموده و باعث جلوگیری از رشد خرده‌بورژوازی و کارگران سیاه می‌شد. علاوه بر آن، با کنترل شدید جمعیت سیاه‌پوست و کانالیزه کردن آنها به طرف بخشهای مورد نیاز، نیروی

رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی امروز در بحران عمیقی فرو رفته است، بحرانی که سرآپای سیستم آپارتاید را فرا گرفته است. رشد روز افزون جنبش انقلابی، اوج گیری اعتمادات کارگری، کمک‌های بیدریغ امپریالیسم آمریکا برای حفظ این رژیم (بویژه بعد از سال ۱۹۸۰) و بالاخره ناتوانی آشکار رژیم در حل معضلات اقتصادی و مسائل اجتماعی، خود بهترین گواه عمق بحران اقتصادی - اجتماعی این رژیم می‌باشد. اوج‌گیری مبارزه طبقاتی در چند سال اخیر، رژیم را در برخی موارد استثنائی مجبور به عقب‌نشینی نموده است. با اینحال ناتوانی این رژیم در حل تضادهای موجود، برای آن - راهی جز سرکوب جنبش انقلابی و حرکت‌های کارگری باقی نگذاشته است.

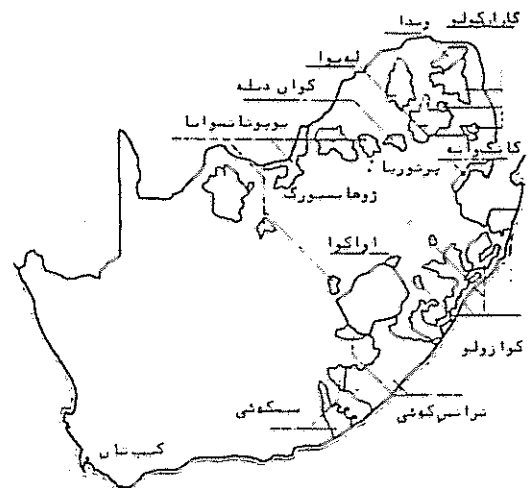
سیستم آپارتاید، با بقول تئوریستین های نژاد - پرست این کشور "توسعه جداگانه" نژادها، تنهاسا وسیله‌ای است برای استثمار طبقاتی شدید و استفاده از نیروی کار ارزان براساس تفاوت‌های نژادی. گرچه ایدئولوژی نژادپرستی سابقه تاریخی بسیار طولانی دارد، ولی استحکام سیستم آپارتاید در این کشور عمدتاً در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم بوجود آمده است.

تا قبل از سال ۱۹۴۸، "حزب متحده" (United Party) که نمایندگی سرمایه‌داری انحصاری را به عهده داشت، قدرت دولتی را کاملاً قبضه کرده بود. از جمله سیاست‌های اقتصادی این حزب، افزایش استخراج طلا و دیگر فلزات قیمتی و ایجاد جامعه مصرفی جهت فروش مصنوعات

کار ارزان برای بخش سرمایه‌داری کشاورزی نیز تا مین می‌گردید.

۲- دومین خصوصیت آن، موضع بظاهر ضد سرمایه‌داری انحصاری می‌باشد که در آن زمان بعنوان امپریالیسم انگلستان شناخته می‌شد. اگرچه این نوع موضع‌گیری از طرف بیوروکراسی محلی و بقیه اقشار شرکت‌کننده در ائتلاف ملی سفید پوستان، ظاهراً موقعیت سرمایه‌داری بزرگ را به خطر می‌انداخت ولی گذشت زمان نه تنها خلاف آنرا ثابت نمود، بلکه نشان داد که ادامه حیات این رژیم بدون کمک سرمایه‌های انحصاری جهان‌ساز میسر نیست با برقراری سیستم آپارتاید، سیاهان و ساکنان هندی الاصل آفریقای جنوبی حقوق اجتماعی و سیاسی اندک خود را نیز از دست دادند. تا قبل از سال ۱۹۴۸، سیاهان حق انتخاب‌سه نماینده سفیدپوست برای دفاع از حقوق سیاهان در مجلس را داشتند، ولی با سرکار آمدن حزب ناسیونالیست سیاهان و بقیه اقلیتها، بتدریج این حقوق را هم از دست دادند و بطور کلی از حق رای محروم گشتند. در عرصه اقتصادی نیز رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی شرایط استثمار هرچه بیشتر کارگران سیاهپوست را فراهم کرد. بطوریکه سرمایه‌گذاری در این کشور امروزه بیشترین نرخ سود را برای سرمایه‌گذاران خارجی در بر دارد.

در ادامه همین سیاستها، رژیم آفریقای جنوبی در سال ۱۹۵۹ لایحه استقلال داخلی قبایل سیاهپوست را به تصویب رساند. براساس این سیستم، سیاهپوستان متعلق به قبایل مختلف ملزم به سکونت اجباری در مناطق مشخص شده برای این قبایل می‌باشند. امروزه بیش از نیمی از جمعیت این کشور در این مناطق به اصطلاح مستقل سکونت دارند (رجوع شود به نقشه زیر):



زادگاه قبایل آفریقای جنوبی براساس سیستم بانتوستان

این مناطق تنها ۱۳ درصد خاک این کشور را دربر می‌گیرد. بدین ترتیب اکثریت سیاهان حق مالکیت زمین در ۸۷ درصد خاک این کشور که آفریقای سفید نامیده می‌شود را ندارند. این بخش از جمعیت آفریقای جنوبی حتی جزء شهروندان تبعه این کشور هم محسوب نمی‌شوند و به مجرد ورود به آفریقای سفید، تمامی حقوق اجتماعی و سیاسی خود را از دست می‌دهند.

باید توجه نمود که اجرای چنین طرحی نه فقط ناشی از ایدئولوژی نژادپرستانه رژیم آفریقای جنوبی می‌باشد، بلکه عمدتاً به خاطر حفظ و گسترش منافع اقتصادی سفیدپوستان و خصوصاً سرمایه‌داران این کشور است. بدین صورت که بخش غیرفعال جمعیت سیاهپوست، یعنی کودکان، بخشی از زنان و افراد مسن در زادگاه بومی خود نگهداشته می‌شوند و بقیه نیز در صورت دریافت پاسپورت داخلی، می‌توانند برای کار کردن به مناطق مورد نظر دولت بروند. سیاهانی که اجازه ترک زادگاه خود را می‌یابند تحت بدترین شرایط، بکار گماشته می‌شوند. با این وصف هیچ جای تعجب نیست که درآمد کارگران سیاهپوست از سال ۱۹۴۸ نه تنها افزایش نیافت، بلکه تا حدی هم رو به کاهش گذاشت (رجوع شود به جدول زیر). این در حالی است که بعد از جنگ، بواسطه سرمایه‌گذاری‌های کلان سرمایه‌داران خارجی، اقتصاد این کشور از رشد چشمگیری برخوردار شد و درآمد کارگران سفیدپوست افزایش یافت.

جدول حقوقی کارگران سیاهپوست در صنایع سبک (براساس ارزش پایه سال ۱۹۵۹/۶۰)

۱۹۳۹ - ۴۰	۲۱۲ راند
۱۹۴۷ - ۴۸	۳۲۹
۱۹۴۸ - ۴۹	۳۲۴
۱۹۴۹ - ۵۰	۳۱۹
۱۹۵۰ - ۵۱	۳۱۷
۱۹۵۱ - ۵۲	۳۱۶
۱۹۵۲ - ۵۳	۲۱۳
۱۹۵۳ - ۵۴	۳۲۰
۱۹۵۴ - ۵۵	۳۲۷
۱۹۵۵ - ۵۶	۳۲۸
۱۹۵۶ - ۵۷	۳۳۱
۱۹۵۷ - ۵۸	۳۲۶
۱۹۵۸ - ۵۹	۳۳۳

منبع: "مبارزه برای آفریقای جنوبی"، جلد ۱، ص ۲۲

بحران اقتصادی و رابطه با آمریکا

علیرغم حمایت دولت آفریقای جنوبی از صنایع

داشته است. حدود ۳۵۰ کمپانی بزرگ آمریکایی از قبیل جنرال موتورز، فورد و موبیل در این کشور فعالیت‌های تولیدی وسیعی دارند. علاوه بر آن، بیش از ۶۰۰۰ کمپانی کوچکتر نیز دارای نوعی رابطه اقتصادی و تجاری با این کشور می‌باشند. شرکت‌های آمریکایی ۱۵ درصد کل واردات این کشور را تامین کرده و حدود ۸ درصد کل صادرات این کشور را وارد بازارهای آمریکا می‌زنند. کل حجم مبادلات کمپانی‌های آمریکایی با آفریقای جنوبی به ۴ بیلیون دلار در سال بالغ می‌شود که البته شامل تجارت کمپانی‌های آمریکایی که از طریق کشورهای دیگر وسائل عمدتاً تسلیحاتی را در اختیار این دولت قرار می‌دهند، نمی‌شود.

تنها از طریق کمپانی‌های اقتصادی غرب است که افتصاد بیمارگونه این کشور می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. چرا که بدون وجود این سرمایه‌های کلان، بحران اقتصادی عمیق‌تر گشته و بر شدت تضادهای موجود افزوده خواهد شد. البته ناگفته نماند که روابط اقتصادی آمریکا با این کشور خود سودهای کلانی نیز برای کمپانی‌های آمریکایی دربردارد. حجم سرمایه‌گذاری تنها چند کمپانی جنرال موتورز، فورد، کالتکس و موبیل به بیش از ۳ بیلیون دلار بالغ می‌شود که سود حاصله از آن تا به امروز بیش از رقم سرمایه‌گذاری اولیه است.

بخاطر اهمیت استراتژیک آفریقای جنوبی برای امپریالیسم جهانی، دولت آمریکا علیرغم فشارهای بین‌المللی و داخلی و برخلاف قطعنامه سازمان ملل مبتنی بر عدم صدور وسایل نظامی به این کشور، اخیراً صدور وسایل نظامی را از سر گرفته و بر حجم آن نیز افزوده است.

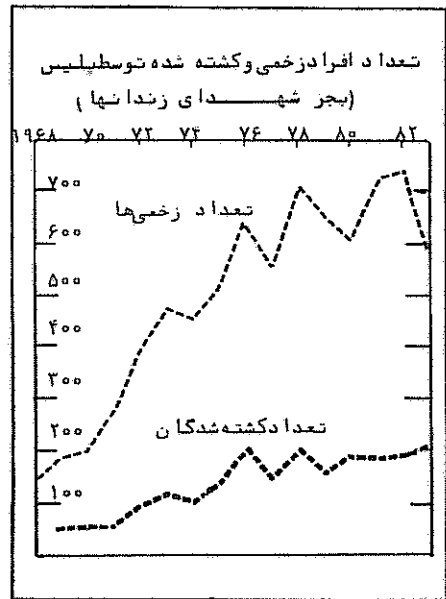
داخلی، کشاورزی و خرده‌بورواری سفیدپوست بعد از سال ۱۹۸۴، بخاطر وابستگی‌اش به سرمایه‌داری جهانی از حل تضادهای درونی خود عاجز ماند و امروزه حیات این رژیم بیشتر از هر زمان دیگر به کمپانی‌های اقتصادی کشورهای امپریالیستی وابسته است. بقول برخی از اقتصاددانان غربی، بحران اقتصادی اخیر که گریبانگیر این کشور شده است، از سال ۱۹۳۰ به این طرف بیسابقه بوده است بطوریکه ارزش پول این کشور در مقایسه با دلار طی ۵ سال گذشته بیش از ۱۱۰ درصد کاهش یافته است که اگر نرخ تورم نیز محاسبه گردد، تنزل واقعی آن به مراتب بیشتر از این خواهد بود. واحد پول این کشور، "راند"، در سال ۱۹۷۲ برابر با ۱/۳۳ دلار آمریکا بوده است. ارزش فعلی "راند" ۰/۵۶ دلار می‌باشد.

بنابراین بی دلیل نیست که IMF و بانک‌های غربی وام‌های کلانی در اختیار این کشور قرار می‌دهند. بانک جهانی در سال ۱۹۸۲ با حمایت کامل آمریکا، مبلغ ۱/۱ بیلیون دلار وام در اختیار دولت این کشور قرار داد. علاوه بر آن، در طی سه سال ۸۴ - ۱۹۸۱، تعداد ۲۸ موسسه مالی آمریکایی با شرکت چند بانک کانادایی و اروپایی، مبلغ ۶ بیلیون دلار وام برای احیای اقتصاد بیمار آفریقای جنوبی، در اختیار آن کشور گذاشتند. با عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی این کشور، آمریکا نیز بر حجم روابط تجاری و کمپانی‌های اقتصادی خود افزوده است تا شاید بتواند با حفظ این کشور، از رشد و گسترش انقلابات رهاش‌بخش در آن منطقه جلوگیری بعمل آورد. در طی پنج سال گذشته، آمریکا بیشترین همکاری تجاری و اقتصادی را با این کشور -



رشد جنبش توده‌ای و اعتصابات کارگری

با حاد شدن بحران اقتصادی و شدت یابی تضادهای درونی رژیم در طی چند سال گذشته، اعتصابات کارگری و حرکت‌های توده‌ای از رشد چشمگیری برخوردار بوده است. بطوریکه تنها در سال ۱۹۸۲، بیش از ۱۴۱۰۰۰ کارگر سیاهپوست در اعتصابات کارگری شرکت جستند. بدنبال مبارزات کارگری دهه ۱۹۷۰، بخشی از کارگران سیاهپوست توانستند اتحادیه‌های کارگری سیاهان را بر رژیم بورتوریا تحمیل کنند بطوریکه امروز بیش از ۳۰۰ هزار نفر از کارگران سیاهپوست در این اتحادیه‌ها سازماندهی شده‌اند. البته رژیم نژادپرست این کشور به طرق مختلف جلوی فعالیت این اتحادیه‌ها را سد می‌کند و در بسیاری موارد به سرکوب و کشتار کارگران می‌پردازد. همچنانکه منحنی زیر نشان می‌دهد، تعداد کشته‌شدگان در این درگیری‌ها و در زندان از سال ۱۹۶۸ به بعد، مرتباً در حال افزایش بوده است.



منبع: Socialist Affairs, March 84. P. 17.

طی سه سال گذشته، بیش از ۴۰۰ نفر از رهبران اتحادیه‌های کارگری سیاهپوست بخاطر جرائم واهی، دستگیر شده و در زندان بسر می‌برند. تنها در سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ بیش از ۱۶۰۰ کارگر سیاهپوست بخاطر فعالیت‌های سندیکائی، تحت تعقیب قرار گرفتند. اخیراً نیز در پی اعتصابات موفقیت‌آمیز ۵ و ۶ نوامبر ۱۹۸۴، بیش از ۶۰۰۰ نفر از کارگران معدن ذغال سنگ ساسول، اخراج شده‌اند. شورای اتحادیه‌های آفریقایی جنوبی اعلام کرده است که در حمایت از کارگران اخراجی دست‌به‌یک اعتصاب سراسری خواهد زد.

اخیراً اکثر شهرک‌های سیاهپوستان که در اطراف مراکز صنعتی قرار دارند، شاهد خیزش‌های توده‌ای وسیعی بوده‌اند. در اواسط ماه دسامبر گذشته، "ساول برگ" که یکی از مراکز مهم صنعتی می‌باشد، شاهد چینی‌سازان حرکت‌های توده‌ای بوده است که منجر به درگیری‌های خونینی نیز گشته است. ساکنین خانه‌های مسکونی این منطقه متحداً از پرداخت اجاره خانه خود امتناع ورزیده‌اند. جالب اینجاست که مردم این منطقه هوشیارانه در مقابل روسای سیاه شورای شهر خود که از دست‌نشانندگان رژیم می‌باشند، ایستاده و به حرکت انقلابی خود ادامه داده‌اند.

جبهه دمکراتیک ملی (UDF) بخاطر احترام بیه‌خون شهدای درگیری‌های اخیر، کریسمس گذشته را، کریسمس سیاه اعلام نمود و به تبلیغات سراسری در مورد عدم برگزاری جشن‌های کریسمس پرداخت. این حرکت مورد حمایت سازمان خلق آزانیا و فدراسیون اتحادیه‌های کارگری آفریقایی جنوبی نیز قرار گرفت.

در پی رشد جنبش‌های توده‌ای در آفریقایی جنوبی و همچنین بخاطر افزایش چشمگیر روابط اقتصادی آمریکا با این کشور، طی ماه‌های اخیر یک سری تظاهرات و حرکت‌های ضد آپارتاید به کمک گروه‌های دانشجویی، مذهبی و سازمان PSAM (جنبش آفریقایی جنوبی آزاد) در سراسر آمریکا سازمان داده شده است. در یکی از این تظاهرات که در مقابل سفارت آفریقایی جنوبی بوده، برخی از نمایندگان مجلس آمریکا نیز شرکت داشتند. بخاطر فشارهای وارده از این حرکت‌ها، حتی ریگان، رئیس‌جمهور آمریکا در ۱۰ دسامبر به "انتقاد" از دولت آفریقایی جنوبی در مورد دستگیری سران اتحادیه‌های کارگری پرداخت. علاوه بر آن، وی ملاقات کوتاهی با بی‌شاپ‌دزموند توتو، برنده جایزه صلح نوبل، داشته است. با توجه به کارنامه سیاه ریگان در مورد حمایت‌های بیدریغ آمریکا از رژیم نژادپرست آفریقا، چنین "انتقاداتی" حاکی از وخامت اوضاع سیاسی در آفریقایی جنوبی و رشد جنبش توده‌ای است که وی را وادار به فشارهایی بر رژیم نژادپرست این کشور مبنی بر ایجاد یک فرم‌های جزئی برای جلوگیری از سقوط این رژیم می‌کند. جنبه دیگر سیاست امپریالیسم جهانی در مورد مسئله آفریقایی جنوبی، بزرگ جلوه دادن و معروفیست بخشیدن به عناصر فرم‌یستی همچون بی‌شاپ‌دزموند توتو می‌باشد. اعطای جایزه صلح نوبل به وی نیز بی‌ارتباط به این سیاست نیست. بی‌شاپ‌توتو در یک مصاحبه مطبوعاتی در واشنگتن در تاریخ ۲۴ نوامبر مطرح نمود که موقعیت آفریقایی جنوبی به حالت انفجار نزدیک می‌شود و از کشورهای غربی خواست تا به کمک سیاهپو

ستان بشتابند. در مصاحبه دیگری در ژوهانسبورگ در تاریخ دوم ژانویه، وی مطرح نمود که "بسترای جلوگیری از ایجاد یک حمام خون در آفریقای جنوبی کشورهای غربی باید با استفاده از فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی رژیم این کشور را وادار به تعدیل شرایط نمایند". گرچه تاریخ دو دهه گذشته ثابت نموده است که کشورهای غربی همواره در استحکام رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی کوشیده‌اند، ولی هنوز عناصری همچون دزموند توتو، مبلغ راه حل‌های رفرمیستی می‌باشند. نتایج چنین حرکت‌هایی تنها به انحراف‌کشاندن جنبش انقلابی آفریقای جنوبی خواهد بود.

در فاصله بسیار کوتاهی پس از این مصاحبه، ادوارد کندی، یکی از شخصیت‌های "لیبرال" کنگره آمریکا به دعوت بیشاپ توتو وارد این کشور گشت. اگرچه کندی از مخالفان سیاست‌های کنونی آمریکا در مسورد آپارتاید می‌باشد، ولی مسافرت وی به این کشور و ملاقات با سران اپوزیسیون، نشانگر سیاست حزب دمکرات آمریکا مبنی بر تقویت عناصر رفرمیست در درون جبهه خلق می‌باشد. جالب اینجاست که ۱۹ سال قبل، یعنی در سال ۱۹۶۶، رابرت کندی، برادر ادوارد کندی، به همین منظور به این کشور سفر نمود. به گفته بسیاری از خبرنگاران، مسافرت رابرت کندی در سال ۱۹۶۶ شور و هیجان بیشتری را برانگیخته بود، چرا که اکثریت سیاهان در آن زمان دچار این توهم گشته بودند که مسافرت وی می‌تواند باعث تعدیل شرایط گردد. اما مسافرت وی کوچکترین شمری برای توده‌های زحمتکش این کشور در بر نداشت و مسلماً مسافرت اخیر ادوارد کندی نیز شمری نخواهد داشت. نیروهای انقلابی این کشور باید هوشیارانه به این نیرنگها و سیاست‌های عوام‌فریبانه

برخورد نمایند و توهمات رفرمیستی در اذهان توده‌های مردم را بزدابند. تاریخ مبارزات تمامی خلق‌های جهان ثابت نموده است که "لیبرال"ها فقط در شرایط اوج‌گیری مبارزات توده‌هاست که به فکر آزادی خلق‌ها می‌افتند و در آن زمان نیز به جز به انحراف‌کشاندن جنبش انقلابی هدف دیگری ندارند. بی دلیل نیست که تنها بعد از شدت‌یابی مبارزه طبقاتی در چند سال اخیر است که جناحی از امپریالیسم بفرکر علم کردن عناصر رفرمیستی مثل بیشاپ دزموند توتو افتاده است و افرادی امثال کندی تنها در این شرایط است که یاد توده‌های زحمتکش این کشور می‌افتند.

در پایان باید افزود که سیاست امپریالیسم جهانی در مجموع حمایت اقتصادی و سیاسی از رژیم آپارتاید برای بقای بیشتر این رژیم نژادپرست می‌باشد. جالب اینجاست که سیاست رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران نیز دقیقاً در امتداد سیاست امپریالیسم جهانی قرار گرفته است. این سیاست شامل برقراری و افزایش روابط اقتصادی و فروش نفت ارزان به رژیم آپارتاید می‌باشد. □

منابع

1. Davis, R., D. O'Meara and S. Dlamini, The Struggle for South Africa. London Zed Press, 1984.
2. Donald Moerdijk, Anti Development: South Africa and its Bantustans. The UNESCO Press, 1981.
3. Guardian, December, 1984. January 9, 1985. January 23, 1985.
4. Socialist Affairs, March, 1984.
5. The New York Times, January 3, 9, 10, 1985.

ف- "کار"، ارگان سفخا، شماره ۱۲۶.

بقیه از صفحه ۳۹

مصاحبه‌ای با رانادیوه

و جنبش‌های رهائی بخشی باید توسط هر حزب انقلابی که حقیقتاً می‌خواهد به مارکسیسم-لنینیسم وفادار بماند، حفظ گردد. دو نقطه نظر و درک غلط که توسط دو نظریه‌ریزیونیستی و دکماتیستی تبلیغ می‌شوند، باید نفی گردند و بر حقایق اساسی مارکسیسم، یعنی انقلاب صلح آمیز به پیروزی نرسد، انقلاب پیروز نمی‌شود جز تحت رهبری طبقه کارگر و ضرورت وجود حزب طبقه کارگر (حزب کمونیست)، باید تاکید و پافشاری نمود. همچنین نمی‌توان صرف نظر کرد که برای برانجام رساندن انقلاب سوسیالیستی، دیکتاتوری پرولتاریا قطعاً ضروری است، هرچند که در بعضی از کشورها مردم باید مقطع دمکراتیک خلق را از سر بگذرانند. پس باید بر نقش رهبری طبقه کارگر، نقش رهبری حزب، تاکید و پافشاری کرد، و هر کس که در این امر کوتاهی انجام دهد، به این یا آن انحراف دچار می‌شود. □

۳- جنبش‌های رهائی بخش ملی بعنوان جنبش‌های عظیمی که سوسیالیسم زمان ما را تقویت و تحکیم می‌کنند، این مصوبات همچنین شما می‌مارکسیست-لنینیست‌ها را به در اهتزاز نگهداشتن پرچم انترناسیونالیسم پرولتری، مقاومت در مقابل تلاش‌های جنگی امپریالیسم و نگهداری صلح، فرا می‌خوانند. همچنین از پاره‌ای اقدامات صلح خواهانه‌ای که اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی دامن می‌زنند، حمایت می‌کنند. اتحاد سه نیروی اصلی، یعنی اردوگاه سوسیالیستی، جنبش صلح،

در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی چه می گذرد؟

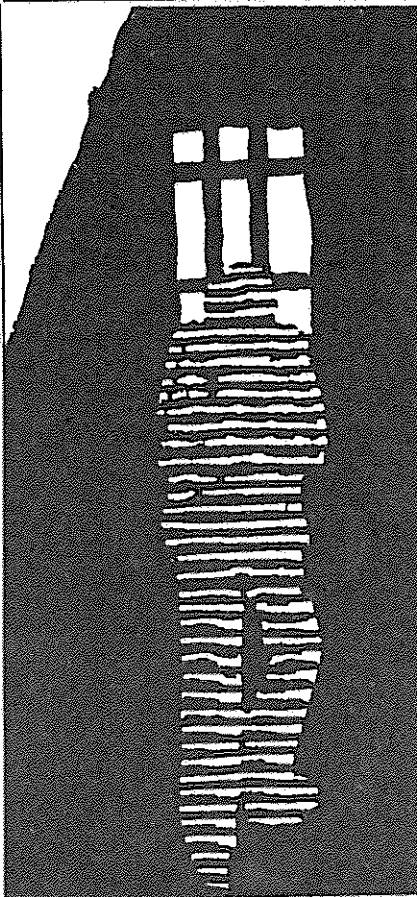
نوشته زیر فشرده‌ای از چند گزارش در باره زندانها و وضعیت زندانیان سیاسی ایران است که توسط برخی از زندانیان سابق که خود از نزدیک با مسایل و مشکلات زندان آشنایی داشته‌اند، نوشته شده است. از آنجاکه اکثر گزارشها طولانی و حاوی مسایل زیادی می‌باشند ما تنها با تکیه بر معدودی از نکات سعی کرده‌ایم تصویری کوتاه از واقعیات موجود زندان و وضعیتی را که زندانیان در آن بسر می‌برند به خوانندگان ارائه دهیم.

بیش از چند دقیقه طول نمی‌کشد وضعیت زندانیان تنها بر اساس کیفرخواست بازجو تعیین می‌شود. در دادگاهها اولین سئوالی که توسط حاکم شرع پرسیده می‌شود این است که آیا "متهم" مایل به شرکت در مصاحبه تلویزیونی است یا نه؟ البته پاسخ به این سئوال در سرنوشت زندانی تاثیر مستقیمی دارد، خصوصا آن دسته از زندانیانی که در وضعیت نامعلومی بسر می‌برند و هیچ مدرکی علیه آنها موجود نیست. در اوین مصاحبه‌های تلویزیونی با افرادی که هیچگونه شواهدی علیه آنها در دست نیست هر روزه از طریق تلویزیون مخصوص این زندان پخش می‌شود. در طی مصاحبه‌ها رژیم برای آنکه بتواند هرگونه شک و تردیدی را در مورد آزاد کردن این دسته از زندانیان از بین ببرد از آنها می‌خواهد که گروههای سیاسی را محکوم کنند. اما در واقع رژیم از انجام این کار دو هدف در سر می‌پرزوراند، اول اینکه چنانچه "متهم" از این کار امتناع ورزد، خودداری او را به حساب پایبندی به تمایلات سیاسی می‌گذارد، دوم اینکه ممکن است شخص مصاحبه شونده در طی مصاحبه توسط توابعین شناسایی شود. در یک کلام رژیم از مصاحبه به عنوان آخرین و شاید موثرترین حربه برای شناسایی زندانیان استفاده می‌کند، مضافا اینکه این حرکت از نقطه نظر روحی و روانی

معمولا پس از دستگیری، اولین مرحله‌ای که هر زندانی پشت سر می‌گذارد پروسه دراز مدت بازجویی و تحقیق است. در این پروسه حاد و مشقت آور است که زندانی می‌بایست با تحمل مرارتها و شکنجه‌های وحشتناک کلیه اسرار و اطلاعات تشکیلاتی خود را حفظ کرده و اطلاعاتی در مورد موقعیت و ارتباطات خود به بازجو ندهد. در مورد بازجویی و اینکه چگونه می‌بایست اطلاعات را حفظ کرد در یکی از گزارشها آمده است:

"معمولا بازجویی هفته اولش سخت است، زیرا بازجو معتقد است که "متهم" اطلاعات زنده مانند قرار، آدرس خانه و... دارد. چنانچه برای بازجو این مساله محرر باشد، رفقا سعی می‌کنند نه بایکدندگی اما با هوشیاری کامل بازجو را فریب داده و با دادن اطلاعات نادرست از لو رفتن تماسها و قرارها جلوگیری به عمل آورند. در انجام این کار زندانیان از خود مایه می‌گذارند و بعد از مدتی که مطمئن شدند اطلاعات سوخته است به مرور بعضی مسایل را که قبلا پذیرفته‌اند انکار می‌کنند و ارائه اطلاعات دوران بازجویی را به حساب ترس از شکنجه اعلام می‌دارند."

بعد از اتمام دوران بازجویی تحقیق پیرامون پرونده انجام می‌گیرد و بازجو بعد از تکمیل آن زندانی را روانه "دادگاه" می‌کند. در این بیدادگاهها که کلیه آموزش



به شخص مصاحبه شونده لطمه وارد می‌آورد و به قول لاجوردی جلال "مصاحبه شونده‌ها اعدام سیاسی می‌شوند و در بیرون گروهها برای آنها حساب باز نمی‌کنند."

وضعیت زندانها

در اتاقهای کوچک و نمناکی که طول و عرض آن از چند متر تجاوز نمی‌کند، گروههای ۴۰ تا ۵۰ نفری زندانیان سیاسی در دردآورترین شرایط ممکن بسر می‌برند. اکثریت زندانیان به دلیل عدم استفاده از هوای آزاد به بیماریهای پوستی همچون قارچ، کال و غیره مبتلا می‌باشند. فضای محدود زندان و عدم قرنطینه این بیماریهای مسری را شدیداً در میان زندانیان شیوع داده است. استحمام ناکافی نیز مردم بر شدت و سرایت بیماریها می‌افزاید خصوصا اینکه سرد بودن آب و ترس از

سرمایه‌دگی و امراض ناشی از آن زندانیان را از استحمام هفته‌ای یکبار خود نیز باز می‌دارد. همچنین وضعیت بد تغذیه به بروز بسیاری از ناراحتی‌ها همچون زخم معده، کم‌سوایی چشم و نرمی استخوان انجامیده است به‌طوری‌که بخش وسیعی از زندانیان شدیداً از ناراحتی زخم‌معده رنج می‌برند. در چنین شرایطی که بیماری‌های مسری و خطرناک بیداد می‌کند، زندانیان از معاینه پزشکی به عنوان حق مسلم هر زندانی محروم می‌باشند و تنها استثنای ممکن در مورد زندانیانی است که در شرایط بسیار حاد می‌باشند که البته مقامات مسئول تنها به گرفتن فشارخون و وصل کردن سرم به زندانیان اکتفا می‌کنند. در وصف این شرایط همین بس که بعضی از سردمداران جنایتکار رژیم در طی دیدار از زندان از دیدن چنین صحنه‌هایی به اصطلاح متاثر می‌شوند و از مقامات زندان تقاضا می‌کنند که در بهبود شرایط زندان دست به‌تغییراتی بزنند.

زندان زنان نیز وضعیت بهتری از دیگر زندانها ندارد. یکی از گزارشها در باره وضعیت زندان زنان می‌نویسد "اتاقهای هر بند ۷x۸ متر می‌باشند که حدود ۶۰ تا ۷۰ نفر زندانی زن را در خود جای داده است. وجود بچه‌های شیرخواره که به‌همراه مادران خود به زندان آمده یا در زندان متولد شده‌اند چشمگیر است. در این مورد یکی از رفقای زن با داشتن يك طفل خردسال که از بیرون به همراه وی آمده بود و طفل دیگرش که در زندان به دنیا آمده بود، با مشکلات زیادی روبرو بود..."

شکنجه اما بدون شك یکی از پلیدترین عملکردهای رژیم جمهوری اسلامی در زندانها به شمار می‌رود. در طی چند سالی که رژیم شکنجه‌های قرون‌وسطایی و سیستماتیک خود را بر زندانیان حاکم گردانیده، بیش از صدها تن از زندانیان در اثر ددمشی و سبعت رژیم زیر شکنجه جان باخته‌اند. طبق گزارشات معمولترین شکنجه‌ها کابل زدن به کف پا و کمر، آویزان کردن از سقف، وارد کردن شوک الکتریکی و غیره می‌باشد. کابل زدن به کف پا و کمر تا سرحد بیهوش شدن زندانی ادامه می‌یابد.

و پس از به‌هوش آمدن، به علت آماس و دردناک بودن پاها راه رفتن برای زندانی غیرممکن می‌شود. یکی از زندانیان سابق در باره تجربه شخصی خود می‌نویسد "بیش از چند دقیقه از ورود من به زندان نمی‌گذشت که دو پاسدار مرا به شکنجه‌گاه بردند. همینکه پایم به شکنجه‌گاه رسید پاسداران به جانم افتادند و از هر طرف مشت و لگد بود که بر من فرود می‌آمد. بعد از چند دقیقه بر اثر ضربات مشت و لگد به جاهای حساس بدنم نقش بر زمین شدم و از هوش رفتم. ولی پاسداران به آن قانع نشده و با ریختن يك سطل آب بر روی بدنم مرا به هوش آوردند و روی نیمکتی

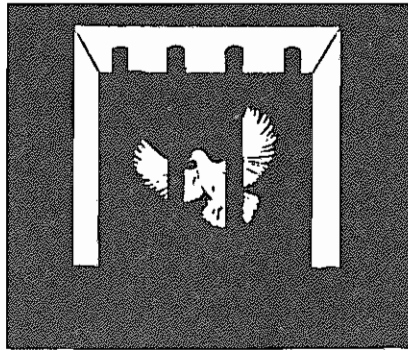


تراز کردند و دست و پایم را محکم به‌نیمکت بستند و در حدود ۱۵۰ ضربه شلاق با کابل نازک که هر ضربه‌اش مثل تیغ بود، بر کف پایم زدند. بر اثر ضربات شلاق زخمها و خراشهایی بر کف پایم ایجاد شد. بعد از شلاق زدن، دست و پایم را باز کرده و دو پاسدار به‌زور مرا بالای پله‌ها بردند. در آنجا کفشهای مرا پایین انداختند و به من گفتند که تا سه شماره می‌شماریم، باید کفشهایت را برداری و بیاوری. اما من که بر اثر ضربات شلاق پایهایم باد کرده بود و اصلاً احساس نمی‌کردم که روی زمین هستم، به‌محض اینکه دستهایم را ول کردند نتوانستم تعادل خود را حفظ

کنم و از بالای پله‌ها غلطیده و به‌زمین افتادم و حالم خراب شد. بعد از چند دقیقه پاسداران مرا به راهرویی بردند که در آنجا هزاران نفر شکنجه شده بودند. من چون چشمهایم بسته بود صدای آه و ناله‌شان را می‌شنیدم و از این طریق تشخیص دادم که همه‌شان شکنجه شده‌اند. بعد از دو ساعت ایستادن بر روی يك پا دوباره نقش بر زمین شدم. مدتی بعد مرا از دستهایم از دیوار آویزان کردند و تا صبح به همین حالت باقی ماندم..."

اما جنایتکاران جمهوری اسلامی تنها به شکنجه‌های جسمی اکتفا نکرده و به‌منظور شکستن روحیه مقاوم زندانیان سیاسی از انواع گوناگون شکنجه‌های روانی نیز استفاده می‌کنند. اقدامهای مصنوعی بیدار کردن زندانیان هنگام خواب و حبس انفرادی از جمله شکنجه‌های روانی است که در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی هرروزه اجرا می‌شود. به‌علاوه در کنار شکنجه‌های روانی ذکر شده، تبلیغات گسترده و پیرامنه رژیم از طریق بلندگوها و تلویزیون زندان مردم ادامه پیدا می‌کند. این تبلیغات که به‌منظور خرد کردن روحیه پیکارجویانه زندانیان و ایجاد جو یاس و تردید در میان آنان در نظر گرفته شده در شکل تبلیغات ایدئولوژیک و سیاسی در همه حال در جریان می‌باشد. در مقابله با چنین وضعیتی اغلب زندانیان سیاسی به‌منظور فرار و خلاصی یافتن از بیماران تبلیغی رژیم به کاردستی و گلدوزی پناه می‌برند که البته رژیم با درک این مساله کاردستی و گلدوزی را ممنوع اعلام می‌کند. شدت فشار و شکنجه بر زندانیان به‌حدی است که حتی بعضی از سردمداران رژیم را از بابت افراط بیش از حد در مورد شکنجه زندانیان به تناقض گویی واداشته است. به‌طور مثال یکی از زندانیان سابق اوین در گزارش خود می‌نویسد که "هادی‌خامنه‌ای به همراه کمیسیونی از طرف مجلس به اوین می‌آید و بعد از مشاهده هزاران اثر شکنجه بر روی پاها و بدن زندانیان سیاسی در حضور زندانیان سیاسی اعلام می‌کند که اینها نتیجه "لاجوردیسم" است و ما آنرا قبول نداریم."

مشکل توأبیین و چگونگی برخورد با آنان از جمله مسألی است که زندانیان هرروزه با آن دست به‌گریبانند. توأبیین این عاملان خودفروخته، امروزه به‌عنوان چشم و گوش رژیم در زندانها به‌حساب می‌آیند. هرگونه حرکتی و هرگونه مکالمه‌ای توسط توأبیین به مقامات بالای زندان گزارش می‌شود. در اوین حتی آخرین شرط آزادی یک زندانی به تأیید توأبیین بستگی دارد. همچنین بسیاری از گزارشها بر شرکت توأبیین در اعدام زندانیان تأکید دارند. در چنین وضعیتی که توأبیین عملاً نقش کنترل و پایبیدن زندانیان را به‌عهده دارند، تنها در اتاقهای دربسته و به‌دور از وجود توأبیین است که زندانیان آنهم با مراقبت شدید اطراف خود نفس راحتی می‌کشند و مسأله سیاسی و مقاومت در زندان را مطرح می‌کنند.



برروی زندانیان جاسوسی کنند، اما به‌هیچوجه نمی‌توانند و نخواهند توانست شعله مبارزه و مقاومتی را که به قیمت اعدامها و شکنجه‌ها و هزاران هزار مصائب دیگر فروزنده نگاه داشته شده است، خاموش نماید. بی‌دلیل نیست که لاجوردی و توأبیین مجبورند که بگویند "وقتی زندانیان آب سرد می‌خورند روحیه مقاومتشان بالا می‌رود، وقتی ورزش می‌کنند مقاومتشان بیشتر می‌شود، پس باید به آنها آب و غذا نداد، اجازه ورزش و هواخوری نداد، باید همه زندانیان را در سلولهای انفرادی جای داد و..."

امروز در زندانهای رژیم ده‌هزار تن زندانی در بدترین شرایط بسر می‌برند و خطر اعدام هرلم جان آنها را تهدید می‌کند. بر هواداران نیروهای سیاسی است که افکار عمومی جهان را در باره آنچه که در شکنجه‌گاهها و سیامچالهای رژیم می‌گذرد، باخبر سازند و در افشای شکنجه و کشتار از هیچ کوششی دریغ نکنند. برانداختن قطعی شکنجه تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دمکراتیک خلق میسر است. یکی از زندانیان سابق در گزارش خود چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

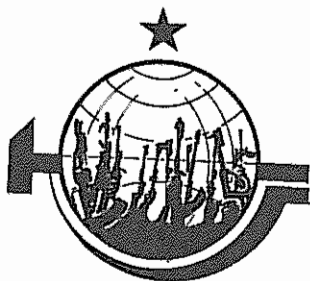
"زندانهای که شکنجه شده‌اند عقیده دارند که در جمهوری دمکراتیک خلق به هر دلیلی شکنجه وجود نخواهد داشت."

زندانی سیاسی آزاد باید گردد
شکنجه و اختناق نابود باید گردد

رژیم تا آخرین لحظات حیات خود به دفاع از ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم برخاسته‌اند. زندانیان قهرمانی که در مقابل شکنجه‌های قرون وسطایی رژیم نه تنها به‌هیچگونه سازشی با رژیم و توطئه‌های رنگارنگ آن تن درن داده‌اند، بلکه با ایستادگی و مرزبندی انقلابی خود با توده‌ای‌ها و سازشکارانی که بخاطر ترس از شکنجه و پاره‌ای‌رفرها با مقامات زندان همکاری می‌کنند، پرچم مبارزه و مقاومت را در زندانهای مخوف رژیم برافراشته‌اند و زندان را به محل آموزش و تربیت سیاسی تبدیل کرده‌اند.

آری جنایتکاران جمهوری اسلامی می‌توانند شکنجه‌های وحشتناک خود را بر هزاران هزار زندانی سیاسی روا دارند، رژیم می‌تواند به‌منظور خردکردن روحیه مبارزین به اعدامهای ساختگی، فشارهای مختلف و... دست یازد، آنها می‌توانند با استفاده از شبکه وسیع خبررسانی خود

در زندانهای رژیم انجام هرگونه فعالیت حتی ورزش دستجمعی ممنوع است. مقامات زندان به‌بانه اینکه ساده‌ترین فعالیت‌های جمعی روحیه مقاومت را بالا برده و جزو فعالیت‌های کمونیستی هستند، اینگونه فعالیت‌ها را ممنوع کرده‌اند. با اینهمه روحیه مقاومت و ازخودگذشتگی در میان زندانیان سیاسی به‌نحو برجسته‌ای به چشم می‌خورد. در تمام گزارشها از زندانیان قهرمانی یاد می‌شود که بلشویک‌وار به پیشواز مرگ رفته‌اند و در مقابل فشارهای رژیم تا آخرین لحظات حیات خود از ایدئولوژی رژیم تا آخرین لحظات حیات خود رژیم تا آخرین لحظات حیات خود



برنامه‌های رادیو صدای فدائی

برنامه‌های "صدای فدائی" هر روز ساعت ۸/۳۰ بعد از ظهر روی موج ۶۲ متر و ۷۵ متر بمدت ۲۵ دقیقه پخش می‌شود. عین همین برنامه روز بعد ساعت ۱۲/۳۰ ظهر مجدداً پخش می‌شود.

برای تماس با رادیو "صدای فدائی" می‌توانید با آدرس زیر مکاتبه نمایید.

A.C.A.
B.P. 43
94120 Fontenay sous Bois
France

بازگرداندن پناهندگان ایرانی و سرکوب مشترک خلق کرد

توسط رژیم های ایران و ترکیه ،

نخستین پایه های عملی احیای پیمان نظامی "سنتو"

همکاری های دوحاسه سیاسی جمهوری اسلامی و ترکیه در سرکوب انقلابیون کرد، نیروهای انقلابی دو کشور و مانع از مهاجرت پناهندگان و آوارگان سیاسی ایران به ترکیه، دامنه وسیعی گرفته و وارد مرحله تازه ای میگردد. بدینال همکاری های وسیع اقتصادی و افزایش مبادلات تجاری و اقتصادی دو دولت ایران و ترکیه که در چارچوب احیای پیمان همکاری اقتصادی و عمرانی منطقه ای ایران - ترکیه - پاکستان (ار - سی دی) صورت میگردد، احیای اجباری پیمان نظامی سنتو که جزء تکمیلی ار - سی دی میباشد نیز وسیعاً در دستور کار دولتهای ترکیه و ایران قرار گرفته است. حجم مبادلات تجاری دو کشور که در زمان رژیم شاه در سطح بیست میلیون دلار انجام میگرفت امروز به سطح ۲/۳ میلیارد دلار (۱) در سال ۱۳۶۲ و ۲/۸ میلیارد دلار (۲) در سال جاری رسیده است و افزایش بیسابقه ای (۱۱۵۰ درصد در سال ۱۳۶۲ و ۱۴۰۰ درصد در سال جاری) یافته است. کاملاً ملموس است که وقتی پیمان ار - سی دی در چنین سطح بالایی احیا میگردد، پیمان نظامی سنتو نیز مطابق با آن در سطح وسیعتر و گسترده تر و در چارچوب عمیق تر از قبیل احیا میشود. پایه های اساسی و مبنای مقدماتی احیای پیمان سنتو بازگشت به دوران آرامش و ایجاد امنیت نه تنها در داخل این کشورها، بلکه در مرزهای آنها میباشد. در چارچوب ایجاد و استقرار چنین امنیتی است که رژیم های سرپا وابسته و سرکوبگر ایران و ترکیه به سرکوب مبارزات انقلابی توده ها، خلق کرد و نیروهای سیاسی دو کشور پرداخته و سعی در ایجاد

همکاریهای وسیع در اس رمیه ها میمانند نامناع و مقاصد امیرا - لسم جهانی به سرکردگی امیرالاسم آمریکا در منطقه نامسکنه و حب - آسها اردلارهای نفی و حاصل دسرح کارگران و رحمتکسان اس مطفه سر گردد. بدسال مبارزات خلق بحسم کرد در ترکیه برای رهائی ار - اسارت ملی و ستم دولت سرمایه داری و وابسه ترکیه، که منجر - مبارزات مسلحانه چندماهه اخیر در موازات مرزهای ایران، عراق و ترکیه گردیده است، رژیم دیکتاتوری و وابسه ترکیه در صدد مهار این مبارزات سر - آمده است. از سوی دیگر عسورس - مخالفان و باراضیان رژیم صدخلقی - جمهوری اسلامی از مرزهای دو کشور - تقاضای پناهندگی ار ترکیه و یا ار طریق سایر کشورهای اروپائی، جسن پناهندگان و آوارگان سیاسی رادر سطح وسیعی گسترش داده و مبارزات افشاگران - بیسابقه ای راد افشاء و انفراد رژیم خونخوار جمهوری اسلامی در صحنه - المللی بدینال آورده است. این دو مسئله که برای هر دور رژیم صمورب - کابوس و حشنا کی در آمده، به دلیل - اشتراک منافع نسان ، آسها رادر سرکوب این جششابه نقطه نظر واحد و مشترکی میرساند.

همین منافع مشترک دو دولت ایران و ترکیه می باشد که آسها رادر احیای هرچه کاملتر پیمان نظامی سنتو و سرکوب خلفها و انقلاب دو کشور - تلاشهای وسیعی واداشته است. در چار - خوب این مقاصد شوم و سرکوبگرانه ، مقاصد مختلف دو کشور به مسافرت های متعددی دست رده و میزند. بحسب ، مسافرت های پناهنده رریم مناسصل ار -

مصاحبه ای با رانادیوه،

عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست (مارکسیست) هند

مقدمه

در حال حاضر عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست هند (مارکسیست) و رهبر اتحادیه کارگری (مرکز اتحادیه های کارگری هند (CITU) و سردبیر ارگان تئوریک (CPI (M) می باشد.

چاپ این مصاحبه صرفاً بمنظور آشنائی خوانندگان "جهان" با نقطه نظرات نیروهای مارکسیست - لنینیست کشورهای دیگر در مورد مسائل جهانی است و لزوماً به معنی تأیید آنها از طرف ما نیست.

"جهان"

متن زیر قسمتی از مصاحبه رفقای هوادار سازمان در هند با ب-ت، رانادیوه می باشد. ب-ت سرانادیوه در سال ۱۹۲۸ به حزب کمونیست هند پیوست. وی بخاطر رهبری اعتصابات و فعالیت های سیاسی اش در زمان حکومت بریتانیا چندین بار به زندان افتاد. رانادیوه از سال ۱۹۳۶ عضو کمیته مرکزی حزب بود و در سالهای ۵۰ - ۱۹۴۸ دبیر کلی حزب مارکسیست را بعهده داشت. وی

سؤال: ممکن است نظر خود را در مورد موقعیت و چشم انداز جنبش در هند، نقش جنبش کمونیستی و طبقه کارگر در انقلاب هند و طرق به سرانجام رساندن آن را بیان کنید؟

جواب: صرف نظر از دستاوردهایی که حزب کمونیست هند (مارکسیست) داشته است، جنبش کمونیستی بطور کامل در مقایسه با نفوذی که بورژوازی دارد ضعیف است. نفوذ بورژوازی همچنین در طبقه کارگر مشهود است. چنانکه در انتخابات گذشته نشان داده شد، ما بایست آنرا مد نظر قرار دهیم. اما وضعیت به سرعت متحول می گردد. تضادهای طبقاتی بصورت حادی رشد می کنند. توده ها به سرعت جهت وفاداری خود را عوض می کنند. در سال ۱۹۷۷ حزب کنگره ایندیرا شکست خورد، اما قدرت در دست احزاب بورژوازی رقیب ماند. این احزاب بی اعتبار گشتند و دوباره حزب کنگره ایندیرا به قدرت برگشت. در حال حاضر توده ها در مقابل دو جریان بورژوا - زمینداری قرار دارند. حزب ما گفته است تا زمانی که مناسبات طبقه اتسی جامعه تغییر نیابد، وضع توده ها به سرعت رو به وخامت می گذارد و مبارزات رودرروی بزرگتری بوقوع می پیوندد. کاملاً مشخص است که حزب بورژوا - زمیندار حتی با اکثریت ۸۰ درصدی اش نمی تواند مسائل مردم را حل کند. بحران اوج می گیرد و توده ها به مقابله با آنها برمی خیزند. بنابراین حزب ما هم خود را بر این نهاده که سطح آگاهی توده ها را ارتقاء دهد. امروزه شیوه اصلی مبارزه، مبارزه توده ای است. مبارزه توده ای بخاطر خواسته های اقتصادی و سیاسی، مبارزه توده ای علیه حمله به حقوق دمکراتیک. اما این بخودی خود به یک مبارزه انقلابی تبدیلی نمی شود. با سطح آگاهی ارتقاء یافته تر و سازماندهی بهتر، توده ها و حزب به اشکال عالی تر مبارزه دست خواهند یافت.

سؤال: با توجه به رشد عظیم طبقه کارگر و پیشرفت سرمایه داری در هند، آیا مرحله انقلاب هنوز از نوع دمکراتیک خلق است و یا اینکه سوسیالیستی می باشد؟

جواب: مرحله انقلاب در یک کشور را اشکال حاکم مناسبات تولیدی تعیین می کند. در هند در حالیکه سرمایه داری بی شک رشد می کند، توده اصلی دهقانان هنوز از استثمار فئودالی و نیمه فئودالی در رنج است. خواست توده اصلی دهقانان و کارگران بی زمین هنوز خواست قطعه ای زمین است. بنا براین شعار فوری، شعار تکمیل انقلاب ارضی و دمکراتیک است. اما بخاطر رشد جنبش طبقه کارگر، انقلاب ارضی و دمکراتیک تحت رهبری طبقه کارگر معنی پیدا می کند. وقتی این دو قدم با هم برداشته شوند، راه را برای پیشروی بیشتر به سوی سوسیالیسم باز می کنند.

سؤال: بنظر شما تضاد اصلی دوران چه می تواند باشد؟

جواب: تضاد اصلی دوران کنونی مشخصاً تضاد بین طبقه کارگر با طبقه سرمایه دار است که امروز بعنوان تضاد بین طبقه کارگر پیروزمند، یعنی سوسیالیسم و طبقه سرمایه دار سازماندهی شده، یعنی امپریالیسم ابراز می شود. این تضاد حاکم مقطع کنونی است. کلیه تضاد های دیگر، از کانال این تضاد می گذرد. البته بعضی از تضادها چون تضاد جنبش های رهاشیبش با امپریالیسم بعضی اوقات ممکن است برجسته شده و عمده گردند، اما آنها ضرورتاً از کانال تضاد سوسیالیسم با امپریالیسم می گذرند.

سؤال: در باره قطعنامه های کنگره ۲۰ و ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی که واقعیات جهان بطلان آنرا ثابت نموده است، بعضی از ایدئولوگهای شوروی چون

اولیا نمسکی و سایرین همچنان نظرات ورسکسنه رهبری مضاف در کسورهای آمریماشی و آسیاشی و به اصطلاح راه رشد غیر سرمایه داری را طــــرح می کنند. ممکن است نظر آنان را در این مورد مطرح کنید؟

جواب: تا آنجا که به هند مربوط است، ما ایسی نظریه را رد کرده ایم. هند در حال حاضر در راه رسیدن سرمایه داری قرار دارد. بنابراین مبارزه ما علیه اس راه است. نظریه راه رشد لنینی، اغلب بد فهمیده می شود. بعد از انقلاب اکستیر، لنین امکان گذار به سوسیالیسم از طریق دوز زدن مرحله سرمایه داری برای بعضی از کشورهای عقب مانده که مناسبات سرمایه داری بندرت در آنها مستقر شده باشد را می داد. این مسئله زمانی امکان پذیر بود که قدرت سیاسی در دست توده های روستائی باشد و هم آن دولت روابط نزدیکی با اتحاد شوروی داشتند و شد و متکی به غرب نباشد. بوج و بیهوده خواهد بود اگر بدون چنین شرایطی، از گذار از سرمایه داری صحبت کرد. در کشورهای عقب مانده که تحت حاکمیت طبقات ارتجاعی می باشند، روابط سرمایه داری رو بسه گسترش گذاشته و توده ها باید با آن به مبارزه برخیزند. راه رشد غیر سرمایه داری منحصر در شرایطی عملی است که این شرایط الزاما به همکاری طبقاتی با طبقات ذینفع نیانجامد. در رابطه با رهبری مضاعف (دوگانه) باید گفت که این مفهومی غیر مارکسیستی دارد و باید در مرحله انقلاب دمکراتیک خلق و حتی انقلاب رهاشی بخش ملی رد شود. رهبری مضاعف یعنی اینکه طبقه کارگر رهبری را با بعضی از بخشهای بورژوازی شریک شود. بخشی از بورژوازی ممکن است در مبارزات توده ای بعد از رهاشی شرکت کند. اما آنها نمیتوانند نقش رهبری را بگیرند. چونکه این مبارزه مستقیما به تکمیل انقلاب ارضی و برقراری دولت دمکراتیک خلق بستگی دارد. تقسیم کردن رهبری در اینجا به معنی تن دادن به تزلزلات

ققاتی بورژوازی است، حتی وقتی کشوری که درگیر نبرد غیرمستقیم با امپریالیسم باشد، تمکین به رهبری بورژوازی خطر سازش را در پی خواهد داشت. اما در عین حال باید درک شود که تا مین رهبری طبقه کارگر در پروسه حاصل می شود. مبارزه برای جلب اطمینان خلق و از همه مهمتر دهقانان یکروزه انجام نمی پذیرد. این امر به مبارزه سیاسی علیه نفوذ بورژوازی در بین مردم احتیاج دارد. همچنین در مقاطعی همکاری با بخشی از بورژوازی علیه امپریالیسم ضروری می گردد. اما همکاری و شرکت در رهبری، دو مفهوم مختلف هستند.

سؤال: در مقطع کنونی آیا ضرورت برقراری مرکزی برای جنبش جهانی کمونیستی وجود دارد؟

جواب: بدون تردید ضرورت فوق العاده ای برای تریک مساعی بهتر و هماهنگی بهتر بین تمام احزاب کمونیستی

جهاں وجود دارد. مسئله برقراری یک مرکز مشترک، به شرایط عینی و درجه اتحاد جنبش جهانی کمونیستی بستگی دارد. در مقطع فعلی، جنبش جهانی کمونیستی بر مسائل مختلف، بپراکنده شده اند. در کنار این مسئله، در خیلی از کشورها، احزاب کمونیست، احزاب حاکم هستند. لذا آنها باید مشکلات دولستان را هم بعهده بگیرند. در نتیجه دایر کردن مرکز مشترک جدیدی با سیوه قدیم بمعنای حزب مشترک جهانی امضاسدیرسیست. ولی این به معنای این نیست که تعرفه کنونی در صفوف جنبش کمونیستی باید ادامه یابد و تسدید شود. هماهنگی بیسر و اقدام مشترک جنبش کمونیستی بیفوریت مورد نیاز است. اما این امر بدین مسئله بستگی دارد که تا چه حد یک حزب با حزب دیگر موافقت دارد. در مقطع کنونی در مورد این مسئله که چه کسی مسئول جنگ است، اختلاف نظر وجود دارد. بعضیها ناتو را با ورشو یکی می دانند. یعنی بعضی از احزاب کمونیست تمایزی بین کشورهای سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی قائل نمی شوند، با این وجود ضروری است که تمام احزاب کمونیستی برای بحث و تبادل نظر هر چند وقت یکبار کرد هم آیند تا چشم انداز مشترکی در باره مسائل مختلف بوجود آید و این در نهایت خود به احیای درک مشترک می انجامد. مرکز مشترک بمفهوم قدیمی، یک اقدام عملی نیست. شکل گیری آن به درجه اتحاد و چشم انداز مشترکی بستگی دارد. هماهنگی بهتر قطعا ضروری است. خیلی ها بخاطر اشتباهات گذشته از خود کلمه "مرکز" می ترسند. کمینترن در مقطعی براسات تجربیات تأیید شده جنبش جهانی کمونیستی در مبارزه علیه سوسیال دمکراسی و رویزیونیسم تشکیل شد. و این چشم انداز واحدی بود که بسط یافت و تمام احزاب را جمع کرد. در شرایط کنونی چنین چیزی وجود ندارد. پس حداقل ما بایستی هماهنگی، بحث و تبادل نظر داشته باشیم.

سؤال: بنظر شما، وظایف عمده ای که جلوی چپ انقلابی یعنی آنها تیکه مرزبندی با نظرات رویزیونیستی کنکره های ۲۰ و ۲۲ حزب کمونیست اتحاد سوری و نظرات مغشوش حزب کمونیست چین دارند، قرار دارد، چیست؟

جواب: وظایف ای که بیسابقه شما می مارکسیست لنینیست ها قرار دارد، این است که فاطم و اسوار به اصول مویات سال ۱۹۵۷ که مشترکا توسط تمام جنبش کمونیستی پذیرفته شده است، پای بند باشد. این مویات بعبار سدار:

۱- تشکیل و بیدایش اردوگاه سوسیالیستی و درسیجه ضرورت حفظ اتحاد آن،

۲- امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلفهاست و

عبه در صفحه ۲۲

جایگاه

بقیه از صفحه ۴۹

زنند و آلات خوان از زر سازند:

شنیدم که از نقره زد دیگران

ز زر ساخت آلات خوان عنصری!

و در این رابطه می‌بینیم که فرخی سیستانی، روستایی گمنام ده کوره‌های خاوران، قصیده داغاکاشر را برمی‌دارد و به دربار می‌شتابد و قدر می‌بیند و بر صدر می‌نشیند! اما وابستگی‌ها نشان‌ها عربیه دربارها به نوعی دیگر است. تاریخ ادبیات سنتی فارسی نشان می‌دهد که بیشترین زنان شاعر خود از دربارها برخاسته و از حرمسراها سربرافراشته‌اند. ریشه این مسئله را نیز باید در مناسبات اجتماعی حاکم، نابرابری زنان با مردان و ستم‌کشیدگی زن در طول تاریخ ایران جستجو کرد زیرا مناسبات عقب مانده اجتماعی اجازه نمی‌دهد تا زنان اقشار پائینی جامعه فرصتی یابند تا استعدادها را هنر خود را بیازمایند.

مدیحه سراپان دربارها و کرنشگران سلاطین و شاهزادگان محسوب می‌شوند و شعر درباری بمنزله شعر رسمی جامعه در خدمت طبقه حاکمه است و زندگی توده‌ها، امیال و آسما و آلامشان کمتر در آن منعکس می‌شود. شعر سنتی، بمناسبه هر پدیده هنری دیگر، همچون آیینهای مناسبات و مراودات اجتماعی هر دوره تاریخی را منعکس می‌نماید. اما از آنجا که مناسبات ادوار کهن همه مردسالارانه است و زن جز برای دلبری و طنز انتظاری نمی‌رود، طبیعی است که سخنی از نقش زنان در میان نباشد. همچنین زنان کمتر مجال برای پرورش استعدادهای هنری خود می‌یابند. اما مردان شاعر، از هر قشری که باشند، از این "خوشبختی" برخوردارند که در صورت تیز قریحگی، یعنی کفایت در چاپلوسی، به دربارها روی آورند و "قرب و منزلتی" یابند و به نام و نامی رستند و سرانجام عنصری وار از نقره دیگران -

بقیه از صفحه ۳۷

بازگرداندن

اطلاعات یکم آبانماه ۱۳۶۲
۵- روزنامه جمهوریت ۲۹ نوامبر ۱۹۸۴
۶- اطلاعات یکم آبانماه ۱۳۶۳
۷- روزنامه جمهوریت ۲۹ نوامبر ۱۹۸۴
(به نقل از خبرنامه هواداران سچفا در ترکیه - شماره ۹، آذر ۱۳۶۳)

رژیم وابسته و دیکتاتوری ترکیه درقبال مایه‌های رزمی جنایتکار جمهوری اسلامی در سرکوبی انقلابیون و خلق کرد، متعبد میگردد پناهندگان سیاسی و مهاجران و آوارگان ایرانی را بدولت ایران - تحویل دهد. گرچه در طول سالهای اخیر رژیم دیکتاتور ترکیه درقبال عقد قراردادهای کالای تجاری با سرمایه داران و دولت جمهوری اسلامی، باز - گرداندن پناهندگان و آوارگان ایرانی را بصورت پراکنده و پوشیده و گهگاه علنی بصورت نازشتی، تقدیم رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی مینموده ولی با اوج گیری مبارزات خلق کرد و چشم انداز احیای بحران وسیع داخلی در ترکیه، رژیم ترکیه، درقبال کمکهای دولت ایران در سرکوبی سریع جنبش خلق کرد و - فرونشاندن آن، متعبد به استرداد - مستمر و رسمی پناهندگان و آوارگان - سیاسی میگردد. در مورد احیای بیمان ار. سی. دی و سنسوریز از یکسو دولت ترکیه با ایران در چارچوب مناسبات مستقیم، و از سوی دیگر مذاکرات - پاکستان و دولت ترکیه، دولت ایران و پاکستان، هدفهای مشترکشان راه پیس میبرد. بویژه آنکه قرار است در نیمه دوم ژانویه سال جاری -

میرحسین موسوی نخست وزیر ایران به ترکیه بیاید (۷) و این درحالی است که قراردادهای کلان تجاری برای سال نومیچی بین طرفین منعقد گردیده و دیدار آتی با توجه به روند دو ماهه اخیر عمدتاً حول احیای بیمان سنتو و مسائل مشترک مرزی انجام خواهد پذیرفت. یکی از اهداف مسامرت معاون وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی به ترکیه تدارک همین سفر آتی میباشد. این امر وظیفه بس ظخیر افشاء این اقدامات در جهت احیای بیمانهای ار. سی. دی و سنسوریز بردوش تمام نیروهای انقلابی و دمکرات قرار میدهد. از سوی دیگر افشا و مقابله با سیاستهای فوق ارتجاعی و ضد خلقی دولت ترکیه مبنی بر بازگرداندن آوارگان و پناهندگان ایرانی را، به عنوان عاجلترین وظیفه تمامی نیروهای انسان دوست - مرفقی بین المللی، برجسته میسازد.

توضیحات:

- ۱- دیلی نیوز ترک (بربان انگلیسی) ۲۸ و ۲۹ آوریل ۱۹۸۴ به عمل رجهان ۲۴
- ۲- دیلی نیوز ترک (بربان انگلیسی) ۲۴ مه ۱۹۸۴ به عمل رجهان ۲۴
- ۳- روزنامه جمهوریت ۲۹ نوامبر ۱۹۸۴
- ۴- روزنامه " " " " " "

نشریه

ریگای گمل

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
شاخه کردستان
را بخوانید

۱۲ اردیبهشت، روز معلم
را گواهی می‌داریم



به یاد دکتر خانعلی، معلم مبارز

توضیح

هدف از اختصاص دادن صفحه "آموزش واژه‌ها" و مقوله‌های فلسفی، سیاسی و اجتماعی "جهان"، دستیابی به نوعی زبان و فرهنگ تئوریک مشترک است که بتواند در خدمت ایجاد نوعی دیالوگ برای تسهیل ارتباط فکری در جنبش چپ قرار گیرد. بعلاوه، این صفحه میتواند در ارتقاء دانش تئوریک و آموزش سیاسی هواداران - سازمان و کلیه علاقمندان مفید واقع شود. در هر شماره "جهان"، ما واژه یا مقوله‌ای را مورد بررسی قرار میدهیم. این صفحه حاصل مطالعه و تحقیق رفیعی یا رفقای تهیه کننده آن میباشد و تحت نظر هیئت تحریریه "جهان"، درج میگردد. از کلیه خوانندگان "جهان" میخواهیم تا واژه یا مقوله مورد سؤال خود را برای ما بنویسند و ما در فرصت مناسب آنرا در این صفحه خواهیم گنجانید.

"جهان"



اتحادیه

به سختی قادر به ارتقاء دستمزدها از حد قیمت نیروی کار بوده و بخصوص در روند رو به تمرکز انباشت سرمایه و بیروز بحران‌های اد. واری قدرت آنها در معامله و دفاع از منافع خود، تقلیل می‌یابد، ۳- در نتیجه این محدودیت‌های اقتصادی، قدرت اتحادیه‌ها موجب سازماندهی طبقه کارگران و ارتقاء مطالبات آنان به خواسته‌های سیاسی و نهایتاً شرکت در مبارزه طبقاتی انقلابی می‌گردد. از اینرو، مارکس و انگلس همواره در روند شکل‌گیری و فعالیت در انترناسیونال از رهبران تشکیلات اتحادیه‌ای دعوت می‌نمودند.

البته با رشد اشرافیت‌کارگری، امید مارکس و انگلس به رادیکالیسم اتحادیه‌های کارگری، به یاس مبدل شد و انگلس بکرات به تاثیر مخرب اشرافیت‌کارگری انگلیس بر رادیکالیسم سیاسی طبقه کارگر آن کشور، تاکید کرد. با اینحال مارکس همچنان در نقیصه‌ی بر برنامه گوتا به حذف مبحث مربوط به اتحادیه‌ها، شدیداً انتقاد نمود.

بعدها سه دیدگاه انحرافی در مورد اتحادیه‌های کارگری شکل گرفت: ۱- "اتحادیه‌گرایی صاف و ساده" (pure and simple trade unionism) که بویژه توسط فدراسیون کار آمریکا و همچنین دیگر اتحادیه‌های انگلیسی نمایندگی می‌شد. این دیدگاه بوضوح روابط سرمایه‌داری را در چارچوب مقدس اهداف و شیوه‌های فعالیت اتحادیه‌ها در نظر می‌گرفت. این دسته شامل اتحادیه‌های کاتولیک اروپا (۱۸۹۵) نیز می‌گشت. ۲- "آنارکو سندیکالیسم" دیدگاه دیگری بود که اگرچه امیال انقلابی داشت، با اینحال اتحادیه‌های کارگری را شرط لازم و کافی برای خود آگاهی سوسیالیستی طبقه کارگر و سرنگونی سرمایه‌داری می‌دانست. ۳- گرایس

واژه "اتحادیه" (انگلیسی Trade Union، فرانسوی Syndicate) به آن دسته از سازمان‌های توده‌ای کارگری، چه در بخش صنعتی و چه در بخش‌های خدمات و فرهنگی اطلاق می‌شود که برای دفاع از منافع اقتصادی کارگران (مرايا و بهبود شرایط کار) در چارچوب نظام موجود (چه سرمایه‌داری و چه پس از کسب قدرت سیاسی، در پروسه ساختمان سوسیالیسم) بوجود می‌آیند. اولین کوشش‌های کارگران برای ایجاد همکاری مشترک بین خود آنها، همواره شکل اتحادیه را بخود می‌گیرد. (مارکس) مارکس و انگلس در آثار اولیه خود (شرایط طبقه کارگر انگلیس اثر انگلس و فقر فلسفه اثر مارکس) تحت تاثیر مبارزات رادیکال اتحادیه‌های کارگری (بخصوص از زمانی که طبقه کارگر بمشابه یک نیروی اجتماعی مستقل در صحنه سیاست ظهور کرد، قیام‌های یون ۱۸۲۱ و ۱۸۳۴، قیام بافندگان سیسیلی ۱۸۴۴ و - چارتیست‌ها)، به نقش این تشکیلات در ارتقاء آگاهی و همبستگی طبقاتی کارگران بهاء فراوانی دادند. آنها در مانیفست حزب کمونیست آنرا شکل بروز اتحاد طبقاتی (خودآگاه) کارگران قلمداد نمودند (البته بعداً در مقطع کمون پاریس مارکس شکل برتر قدرت کارگری، یعنی شکل شورائی قدرت و دولت کارگری را کشف نمود). در این آثار اولیه، اتحادیه‌های کارگری از سه جنبه خلعت‌یابی شدند: ۱- اتحادیه‌ها نتیجه طبیعی رشد سرمایه‌داری بوده و بمشابه جزء ارگانیک از آن، عمدتاً برای مقابله با پائین آوردن دستمزدها و جایگزینی ماشین آلات بجای کار انسانی بکار گرفته می‌شوند. ۲- اتحادیه‌ها از لحاظ اقتصادی چندان هم بی تاثیر نبوده و برخلاف درک‌های پرودون و لاسال، قادر به مقابله با نزول دستمزدها می‌باشند، اگرچه که

دولت کارگری، در درون حزب کمونیست شوروی بالا گرفت . "پوزیسیون کارگری" (Workers Opposition) بر اهمیت تصرف مسئولیت مدیریت اقتصادی توسط اتحادیه های کارگری پای میفشرد. اما لنین در حالیکه تاکید می نمود که - اتحادیه ها باید مستقل از دولت باقی بمانند، با اینحال کارهای حزب باید رهبری خود را در آن اعمال کنند و آنها را به "مکتب کمونیسم" بدل سازند. از اینرو وی اتحادیه ها را بمثابة "تسمه نقاله ای بین حزب کمونیست و توده ها" در نظر آورد.

شورا

اگر اتحادیه، ارگان اقتصادی و حزب ارگان سیاسی. ایدئولوژیک مبارزه طبقاتی کارگران است، شورا بیانگر فرم دولتی و ارگان حاکمیت توده ای طبقه کارگر و زحمتکش می باشد. نظریات مارکسیستی موجود در مورد شورا بر اساس تجربه کمون پاریس و شکل گیری شوراها در انقلاب ۱۹۰۵ روسیه تدوین شده است.

کمون پاریس بمثابة اولین شکل ارگان حاکمیت کارگری در دوره زندگی مارکس و انگلس ظهور نمود. این نهاد که بطور غریزی از دل مبارزه کارگران فرانسه علیه طبقه حاکم خودی و جنگ با آلمان شکل گرفت، علیرغم کمیبودهای آن، توسط مارکس تئوریزه شد. او ضرورت درهم شکستن دولت بورژوازی و جایگزین ساختن آنرا با نهادی نوین که همانا کمون بود، عملاً اثبات نمود. کامل ترین نوع دولت های بورژوازی، جمهوری دمکراتیک پارلمانی است که مجلس موسسان عالی ترین ارگان تصمیم گیرنده آن است. در این جمهوری، ماشین دولتی، دستگاهها و ارگانهای اداری آن از نوع معمولی و سابق است. همچنین ارتش دائمی، پلیس و مامورین دولت عملاً تعویض نشدنی و دارای امتیازات ویژه ای بوده و مافوق مردم قرار دارند. عبارت دیگر، بورژوازی تبلیغ می کند که این نیروها نه ابزار حاکمیت استشاری، بلکه در خدمت "همه مردم" بوده و بدون هویت طبقاتی هستند. اما دولت پرولتاریا، دولتی از نوع کمون است که تسلیح مستقیم و بلاواسطه توده ها را جایگزین ارتش و پلیس مجزا ساخته و در آن نمایندگان انتخابی هر لحظه قابل تعویض و عزل توسط توده های کارگر و زحمتکش می باشند. از اینروست که پرولتاریا شورا را بمثابة ارگان حاکمیت طبقاتی خود کتمان نکرده و آن را آنکارا ابزار "دیکتاتوری پرولتاریا" معرفی می نماید. چرا که دولت در جوهر خود، ابزار حاکمیت طبقه ای بر طبقات دیگر است.

سوم دیدگاه رفرمیست های حاکم بر انترناسیونال دوم بود که علیرغم ادعای ضرورت مبارزه کارگران برای سوسیالیسم، با متمایز نمودن وظائف اتحادیه های کارگری و حزب سوسیال دمکرات و "انتظار" برای فرا رسیدن خودبخودی شرایط سرنگونی سرمایه داری، عملاً بر نقشی اتحادیه ها پر بها داده و نقش حزب را در سازماندهی سیاسی و ایدئولوژیک آن در مبارزه طبقاتی نادیده می گرفت و بدین طریق به اکنومیسیم (Economism) روی می آورد.

لنین اگرچه معتقد بود که شکل گیری اتحادیه در مراحل اولیه رشد سرمایه داری قدم مهمی در جهت وحدت طبقاتی کارگران غیرمتشکل بشمار می رود، ولی با ظهور طبقه کارگر بمثابة یک نیروی اجتماعی مستقل در صحنه سیاسی و بروز ضرورت پیوند جنبش طبقه کارگر با جنبش سوسیالیستی، اتحادیه های کارگری (بخاطر اهداف محدود این شکل ها) بیش از پیش به مانعی در جهت وحدت و رشد آگاهی طبقاتی کارگران بدل می کردند. وی در خصلت یابی اتحادیه های کارگری، آنها را محصول جنبش خود بخودی کارگران "برای مبارزه مشترک با موازین دولت برای بهبود شرایط سخت کار و زندگی خود، ولی نه برای از میان برداشتن خود این شرایط، یعنی شرایط استثمار کار توسط سرمایه، می داند. بعقیده لنین، طبقه کارگر در جنبش خودبخودی خود نهایتاً به آگاهی اتحادیه ای ("تردیونیونی") می رسد و از اینرو وی با تاکید بر ضرورت ارتقاء مبارزات کارگری به سطوح سیاسی - ایدئولوژیک، و محدودیت "ذهن تردیونیونی" کارگران، بر ضرورت مبارزه در درون اتحادیه ها برای استراتژی انقلابی و مقابله با دیدگاههایی که به ایجاد جدائی مابین فعالیت اجتماعی و سیاسی - ایدئولوژیک می پردازند، اشاره نموده و آنها را از وظایف مهم حزب سوسیال - دمکرات (بعدها "حزب کمونیست") بشمار می آورد. بقول لنین، آگاهی سوسیالیستی را می باید از "خارج" بدرون اتحادیه ها و جنبش خودبخودی طبقه کارگر برد (توسط حزب کمونیست).

اگرچه اتحادیه های کارگری تتکیلاتی هستند که بمنظور دفاع مشترک از منافع اقتصادی کارگران در مقابل سرمایه داران بوجود می آیند، با اینحال باید متذکر شد که وظائف آنان قبل و بعد از کسب قدرت سیاسی متفاوت است. هنگامیکه پرولتاریا قدرت حاکمه را در دست دارد، اتحادیه، بغیر از وظائف عام خود در رابطه با منافع اقتصادی کارگران، به حوزه مناسبی برای کار حزب کمونیست در درون طبقه کارگر تبدیل می گردد و از این جهت بود که لنین اتحادیه ها را در دوران ساختمان سوسیالیسم، "مکتب کمونیسم" نامید. در سال ۲۱- ۱۹۲۰، مباحث حول نفس اتحادیه هادر جامعه و

فرم دیگری از حاکمیت کارگری بصورت سوویت (Soviets) برای اولین بار در اکتبر ۱۹۰۵ در سنت پترزبورگ شکل گرفت. این نوع شورا که زندگی کوتاه و حوزه محدود محلی داشت، با اینحال نقش بسیار مهمی در پروسه انقلاب ۱۹۰۵ ایفا کرد. این شورا بوروکراسی حرفه‌ای را بسا به رسمیت شناختن حق عزل و بازخواست بلافاصله نمایندگان انتخابی از بین برد و به سازماندهی کارگران، هدایت اعتصاب سیاسی و تسلیح توده‌ها پرداخت. گرچه شوراهای در انقلاب فوریه ۱۹۱۷ نقش عمده‌ای را ایفاء کردند و لنین به شوریزه کردن وضعیت آنان و تاکید بر ضرورت تسخیر قدرت، درهم شکستن دولت بورژوازی پرداخت، با اینحال بمحض اینکه هژمونی منشویکها در این شوراهای مشخص شد، لنین شعار "تمام قدرت بدست شوراهای" را پس گرفت و شیوه‌های دیگر سازماندهی کارگران مانند کمیته‌های کارخانه که براساس کارگران استخدامی استوار بود، مورد تاکید قرار داد. البته این مسئله ابدا به معنی نفی شوراهای نبود. لنین درپروسه مبارزه برای کسب هژمونی بلشویکها در شوراهای بعد از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و پس از کسب آیین هژمونی در ماههای سپتامبر و اکتبر همان سال، آنها را حامل "دولت جدید" پرولتری معرفی نمود و اشاره کرد که از آنجا که تضاد دولت بورژوازی و دولت پرولتری متمرکز شده در شوراهای، در شرایط "قدرت دوگانه" اساسا تضادی آشتی ناپذیر است، لذا درهم شکستن دولت بورژوازی و کسب قدرت دولتی توسط شوراهای، ضروری است. وی برخلاف آنارکوسندیکالیستها به دفاع از تمرکز قدرت شوراهای پرداخت.

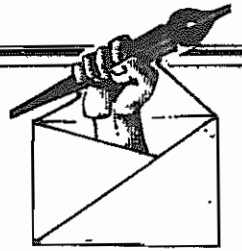
لنین در ارائه دیدگاه خود در مورد قدرت شورایی با دو موضع انحرافی مبارزه نمود. یکی با نظرات راست روانه ابرت Ebert و کوهن Cohen در آلمان که اساسا با مارکسیسم بیگانه بوده و شوراهای را بمنابیه سازمانهای موقتی که صرفا در پروسه جنگ شکل گرفته و محض کسب قدرت منقرض می‌شوند، قلمداد می‌کردند. وی

همچنین موضع "مارکسیستی" (موضع "میان‌روانه") کاشوتسکی و ادلر (۱۹۱۸) که با هدف خط کشی با "چپ روی" و راست روی ارائه شده بود را مورد انتقاد قرار داد. کاشوتسکی در نوشته خود، دیکتاتور پرولتاریا، با قبول اینکه سازماندهی شورایی، مهمترین پدیده عصر است، به الفای مجلس موسسان توسط لنین انتقاد کرد. بویژه وی به محروم ساختن بورژوازی از شرکت در شوراهای شدیداً انتقاد نموده و کاربست این سیاست را در آلمان نادرست اعلام کرد. استدلال وی آن بود که این سیاست موجب محروم ساختن مخالفین از حیظه مبارزه کارگران شده و موجب عدم رشد آگاهی و تجربه طبقاتی پرولتاریا می‌گردد و سرانجام این امر منجر به رشد "دیکتاتور" حزب در درون طبقه کارگر می‌گردد. از آنجا که شوراهای

فرم دمکراتیک نری از پارلمان بورژوازی بود، لنین پس از کسب قدرت دولتی توسط پرولتاریا از طریق شورا-های انقلابی، مجلس موسسان را منقرض اعلام نمود. وی در مقاله "وظائف مبهم دولت شوراهای" (۱۹۱۸) به ایسن امر تاکید نمود که اتفاقاً "خملت سوسیالیستی دمکراسی شورایی، یعنی پرولتری، که عملاً امروز عینیت یافته است در آن است که انتخاب کنندگان خود توده‌های کارگر و زحمتکش بوده و بورژوازی عملاً از آن بکنار گذاشته شده است" چرا که حوزه انتخاباتی دیگر نه بر مبنای طول و عرض جغرافیایی، بلکه براساس عرصه کار و تولید تعیین شده است. پس از لنین، گرامشی کمونیست انقلابی ایتالیا درصد شوریزه کردن تجربه شوراهای کارخانه توریس برآمد. اگرچه در آغاز به درکی اتوپیاچی از نفسش و ماهیت آنان مبتلا بود، ولی در آثار بعدی خود، بخصوص در یادداشتهای زندان، با درگیری از شکست این شوراها، به تصحیح نظرات خود پرداخت. البته باید متذکر شد که سانور زندان و شیوه نگارش بیچیده گرامشی زمینه درکهای متفاوتی از نظرات او را در سالهای بعد بوجود آورد. بقول گرامشی، شورای کارخانه Factory Councils (که گرامشی آنها مترادف با سوویت بکار می‌گیرد) نه فقط سازمانی برای مبارزه طبقاتی - سیاسی می‌باشد، بلکه "مدلی از دولت پرولتری است. همواره مسائلی که در مورد سازماندهی یک دولت پرولتری مطرح است، در سازماندهی شورا شکل می‌گیرد". بقول وی - اتحادیه‌های کارگری، فرم سازماندهی‌ای است که جزء ارگانیک از سرمایه‌داری بوده و اساسا خملت رقابتی و نه کمونیستی دارند، چرا که در آنها کارگران نه‌بمنابیه تولید کنندگان، بلکه بمنابیه مزدبگیران که نیروی کار خود را خرید و فروش می‌کنند، شرکت می‌جویند. در حالیکه شوراهای کارخانه از درون پروسه کار شکل گرفته و تقسیم مسئولیت‌های درونی آن براساس تقسیم کار درون کارخانه استوار است.

منابع:

- Bottomore, et al. (eds.), A Dictionary of Marxist Thought.
 Encyclopedia of the Soviet Union.
 Fosters, W.Z., 1956: Outline History of the World Trade Union.
 Gramsci, A. 1977: Selections from Political Writings.
 Hammond, TT, 1957: Lenin on the Trade Union and Revolution.
 Lenin, V.I., On Trade Unions.
 Lozsk, A. 1935: Marx and the Trade Union.
 Luxemburg, R. 1970: Rosa Luxemburg Speaks.
 Kautsky, Karl 1918(1919): The Dictatorship of the Proletariat.
 Lenin, V.I. 1917 (1964): Can the Bolsheviks Retain State Power?



از خوانندگان

● آمریکا - لرها یو، رفیق م. ک: -
 نامه مملو از درد دل شما در مورد محیط غیر سیاسی بسیاری از ایرانیان مقیم آمریکا را دریافت کردیم. در مورد نحوه کار و فعالیت سیاسی و غیره، شما را در تماس با دبیرخانه تشکیلات سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا قرار خواهیم داد تا هر نوع کمکی از ما برمی آید، در اختیارتان قرار گیرد. با درود و تشکر فراوان، تماس خود را با ما حفظ نمایید.

● کانادا - تورنتو، م. بر: شعر
 ارسالی شما دریافت شد. متشکریم.
 ترکیه - رفیق ع. ج: یادداشت شما دریافت شد. در مورد تماس با شما اقدام شده است. در صورت لزوم، بازم با ما تماس بگیرید.

● آلمان - بن، م. ک. م. رفیق عزیز، نامه شما همراه با نکات انتقادی تان دریافت شد. ضمن تشکر از احساس مسئولیت و دقت شما در مطالب "جهان" در مورد نکته اول - باید بگوئیم شما بدلیل اینکه اخیراً به خارج از کشور آمده اید هنوز شاید با شیوه برخورد سازمان مجاهدین نسبت به کمونیستها و مخالفین سیاستهای خود، خاصه فدائیان آشنا نشده اید. رهبری پارین نشین مجاهدین با فحاشیها، کینه توزیها و توطئه های مداوم علیه سقفا و سازشکاری با امپریالیسم و خاصه سقوط در ورطه ابتذال سیاسی در طی ماههای اخیر، جایی برای برخوردهای دوستانه باقی نگذاشته است. در مورد نکته دوم، باید بگوئیم که ما فکر نمیکنیم مطلب مندرج در "جهان" ۲۸ در مورد خصلت مذهبی و ایدئولوژیک رژیم، مفایرتی با بحث و تحلیل سازمان در مورد اینکه رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم بورژوازی است، ندارد. بحث بر سر ویژگی خاص این رژیم و تناقض

روبنای سیاسی و ایدئولوژیکی مورد حمایت آن با زیربنای جامعه میباشد و نه چیز دیگر. در مورد اهمیت شناخت فرهنگ توده ها از طرف نیروهای چپ و نیز خطر به قدرت رسیدن یک نیروی ارتجاعی دیگر در صورت فقدان یک آلترناتیو انقلابی و چپ، با شما هم عقیده هستیم.

● آمریکا - بستن، ا. م. ن: نامه های شما دریافت شد. از محبت شما و احساسات انقلابی شما قدردانی میکنیم. ما هم متقابلاً، اگرچه با تاخیر، سال نو را به شما تبریک میگوئیم.

● آمریکا - کالیفرنیا، رفیق م. ف: ضمن تبریک به شما، از نکات مهم و مسئولانه ای که مطرح کرده بودید، بسیار معنونیم و آنها را در اختیار مسئولین قرار خواهیم داد.

● پاکستان - کراچی، "یک هوادار سقفا": نامه محبت آمیز شما همراه با شعر خوبتان تحت عنوان "بهار بنا انقلاب می آید"، دریافت شد. ضمن تشکر در فرصت مناسب از آن استفاده خواهد شد.

● تروژ - س. ج: رفیق عزیز و مبارز، نامه مفصل شما و نیز بسته حاوی بریده روزنامه ها و مجله قدیمی و نشریات و حروف و غیره دریافت گردید. ما متأسفیم که چند گزارش و نامه مورد اشاره تان به دست ما نرسیده است ولی یکی از اطلاعیه های رسیده را به محض دریافت در "جهان" (شماره ۲۹، ص ۱۵) درج کردیم. در مورد رفیق رابط شما، باید به اطلاعستان برسانیم که آدرس و کشور محل سکونت او تغییر کرده است و عدم دریافت پاسخ نیز ناشی از عزیمت ناگزیر آن رفیق به جای دیگر و نرسیدن مطالب ارسالی شما به ما بوده است. از شما میخواهیم که منبهد یا به آدرس "جهان" و آدرس دیگری که همراه با نامه ای برایتان خواهیم فرستاد، با ما در تماس باشید تا سریعتر بتوانیم

مبادله اطلاعات نمائیم. ما از بیگیری، احساس مسئولیت سیاسی و جدیت شما در مورد سرنوشت مبارزین و رفقای هوادار پناهنده و نیز تداوم و استواری - مبارزاتی شما قدردانی میکنیم. در مورد قطع ارسال نشریات به کشور مورد اشاره تان، هیچ عمدی در کار نبوده است و احتمالاً ناشی از اشکالات و تغییرات تشکیلاتی بوده است که رسیدگی خواهد شد. به سایر نکات در همان نامه ای که ارسال میشود، خواهیم پرداخته نشریات رسیده

● کانادا - انجمن دانشجویان ایرانی در کانادا (هوادار سقفا): خبرنامه شما تا شماره ۷۹ (سال سوم) و نیز "IRAN REPORT" شماره دوم - دریافت شد. متشکریم.

● آمریکا - انجمن دانشجویان ایرانی در نیویورک (هوادار سقفا): "خبرنامه" شما، شماره ۶ دریافت شد. متشکریم.

● فرانسه - "کارنامه فرهنگ و هنر ایران"، سال اول، شماره اول و دوم دریافت گردید. بسیار متشکریم.

● هلند - انجمن دمکراتیک پناهندگان سیاسی ایران: نشریه "آوارگان"، شماره ۱ شما دریافت گردید. از نامه محبت آمیزی که همراه آن بود نیز متشکریم و به درخواست شما پس از جمع آوری آدرس های لازم، رسیدگی خواهد شد.

● آمریکا - ماسوچوست، رفیق ا. م. ن: نامه شما دریافت شد، با تشکر یادآور میشویم که مطالب مطروحه در نامه شما در مورد مبارزه ایدئولوژیک به شکلی که نوشته اید درست نیست. مهدی سامع نیز نه بعنوان یک فرد که عضو شورا شده است (که میتواند آزادانه این کار را بکند) بلکه بعنوان عامل اجرائی توطئه های مجاهدین علیه چپ و بخصوص سازمان چریکهای فدائی خلق به مزدوری آنها درآمده است.





گزارش رسیده از ایران

دهل میزدند. یکی از دبیران نیز شهری در رابطه با این فاجعه و در مورد یکی از دبیران (دبیر فیزیک که همسراه خانواده اس در بمباران کشته شد) سرود که محتوی آن ضد دیکتاتور بود و در آن از باختران (رژیم حساسیت زیادی نسبت به کرمانشاه دارد و حتی در کتابها نیز سعی شده که نام کرمانشاه به باختران مبدل شود) بنام کرمانان است، اصابت کرد. در این جریان مسجد مردانه زرتدی، امام جمعه (نه کرمانشاه) نام برده می‌شود. این جمعاً ۵۰ منزل مسکونی ویران و ۲۲ نفر کرمانشاه (بدون اینکه از او دعوتی (اکثراً دبیر و معلم و دانش‌آموز) بعمل آید) خودش بالای منبر می‌رود و کشته شدند (صرفنظر از خساراتی که طی سخنرانی مفصلی، خشم خود را از عدم به خانه‌های اطراف وارد شد).

روز بعد خلخالی همراه عده‌ای برای بازدید از مناطق ویران شده به آنجا رفت و زمانیکه با برخورد سرد مردم مواجه شد، به استاندار در همانجا اعتراض کرد که چرا مردم شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" را نمی‌دهند؟! با شنیدن این حرف، بستگان کشته‌شدگان شروع به اعتراض کرده و با سنگ بطرف او حمله می‌کنند که در این جریان عده‌ای دستگیر می‌شوند که بعضی از خانواده کشته‌شدگان نیز در بین آنها بودند. البته یک شب بعد آنها را با گرفتن ضمانت آزاد می‌کنند در تسیع جنازه‌ای (جنازه‌ها به خانواده‌ها داده نمی‌شود و همه آنها بطور جمعی بوسیله عمال حکومت دفن می‌شوند) که از طرف رژیم برگزار شد، اکثر بستگان دور (کشته‌شدگان بمباران) شرکت نکرده و بستگان نزدیک نیز سعی می‌کنند در جلوی دوربین تلویزیون ظاهر نشوند تا مورد بهره‌برداری رژیم قرار نگیرند. در این رابطه استاندار مجبور می‌شود عده‌ای را خودش بسا اتوبوس بیاورد و در جلوی صف شرکت کنندگان قرار دهد تا شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" را دهند. در مجلس ختمی هم که از طرف رژیم (استاندار) گرفته شد، کسی شرکت نکرد (بجز تعداد معدودی از عناصر دادند که فوق‌العاده با استقبالی است چون امکان حمله هواپیما است) اما در مجلس ختمی که بوسیله معلمان و دانش‌آموزان روبرو شد و واقعاً این نبود و آنها از جیز دیگری خانواده کشته‌شدگان بمباران برگزار و در آن گروهی از دانش‌آموزان سنج و وصیت داستند. "مرا"

روز سه‌شنبه (۸ یا ۹) اسفند ماه شد، آنقدر تعداد شرکت‌کنندگان زیاد حدود ساعت ۵/۵ دو نقطه کرمانشاه بر بود که در تمام خیابانهای اطراف دو - اثر حمله هواپیماهای عراقی - مسجد (زنانه و مردانه) راهها بسته اصابت موشک قرار گرفت که یکی از شد و مردم برای ابراز همدردی بسا موشکها به سه راه خیام و دیگری به خانواده کشته‌شدگان فقط از یک در مسجد کوچه شبت که هر دو منطقه کارمند نشین وارد و از در دیگر خارج می‌شدند. در به باختران مبدل شود) بنام کرمانان است، اصابت کرد. در این جریان مسجد مردانه زرتدی، امام جمعه (نه کرمانشاه) نام برده می‌شود. این جمعاً ۵۰ منزل مسکونی ویران و ۲۲ نفر کرمانشاه (بدون اینکه از او دعوتی (اکثراً دبیر و معلم و دانش‌آموز) بعمل آید) خودش بالای منبر می‌رود و کشته شدند (صرفنظر از خساراتی که طی سخنرانی مفصلی، خشم خود را از عدم به خانه‌های اطراف وارد شد).

روز بعد خلخالی همراه عده‌ای برای بازدید از مناطق ویران شده به آنجا رفت و زمانیکه با برخورد سرد مردم مواجه شد، به استاندار در همانجا اعتراض کرد که چرا مردم شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" را نمی‌دهند؟! با شنیدن این حرف، بستگان کشته‌شدگان شروع به اعتراض کرده و با سنگ بطرف او حمله می‌کنند که در این جریان عده‌ای دستگیر می‌شوند که بعضی از خانواده کشته‌شدگان نیز در بین آنها بودند. البته یک شب بعد آنها را با گرفتن ضمانت آزاد می‌کنند در تسیع جنازه‌ای (جنازه‌ها به خانواده‌ها داده نمی‌شود و همه آنها بطور جمعی بوسیله عمال حکومت دفن می‌شوند) که از طرف رژیم برگزار شد، اکثر بستگان دور (کشته‌شدگان بمباران) شرکت نکرده و بستگان نزدیک نیز سعی می‌کنند در جلوی دوربین تلویزیون ظاهر نشوند تا مورد بهره‌برداری رژیم قرار نگیرند. در این رابطه استاندار مجبور می‌شود عده‌ای را خودش بسا اتوبوس بیاورد و در جلوی صف شرکت کنندگان قرار دهد تا شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" را دهند. در مجلس ختمی هم که از طرف رژیم (استاندار) گرفته شد، کسی شرکت نکرد (بجز تعداد معدودی از عناصر دادند که فوق‌العاده با استقبالی است چون امکان حمله هواپیما است) اما در مجلس ختمی که بوسیله معلمان و دانش‌آموزان روبرو شد و واقعاً این نبود و آنها از جیز دیگری خانواده کشته‌شدگان بمباران برگزار و در آن گروهی از دانش‌آموزان سنج و وصیت داستند. "مرا"

جایگاه زن

در

شعر

سنتی

فارسی

توضیح

مقاله‌ای که در زیر ملاحظه می‌کنید، تلاشی است برای نشان دادن جایگاه زن در شعر سنتی فارسی. از آنجا که خوانندگان با آثار شاعران پارسی‌گوی قتل از مشروطه و توصیفاتی که در آنها از دلیری، افسونگری و در یک کلام، از "محسنات" زن برای ارضای جنسی مردان می‌شود، آشنائی دارند، ما از تکرار ملال آور آنها در اینجا خودداری می‌کنیم. در عوض می‌کوشیم به تحلیل چرایی نقش فرودست زن در جامعه که در شعر سنتی فارسی نیز منعکس شده است، بپردازیم. گفتنی است که بموازات تغییرات اجتماعی و فرهنگی قابل ملاحظه‌ای که در ایران طی انقلاب مشروطه و پس از آن بوجود آمد، توجه به زنان و ستم کشیدگی آنان در ادبیات، بویژه در شعر فارسی، مزوسی گرفت. شاعران متأخر دوره مشروطه، بویژه پروین اعتصامی و بعدها، فروغ فرخزاد، مسائل زنان را در اشعار خود منعکس ساختند. اما تحول عظیمی که در این زمینه در شعر بوجود آمد، بیش از همه مدیون انقلاب نیما در مضامین و قالب‌های شعر فارسی است. بررسی جایگاه زن در شعر معاصر فارسی در این مختصر نمی‌گنجد و در خور بررسی گسترده جداگانه‌ای است. از اینرو ما آنرا به فرصتی دیگر موکول می‌کنیم.

"جهان"

مقدمه

اجتماعی حاکم، یعنی مناسبات اجتماعی مردسالاری و تعیین پایگاه اجتماعی زن در این مناسبات، مسئله زن در شعر فارسی به ایجاز، مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدیهی است که با توجه به محدودیت‌های موجود (عدم دسترسی به منابع، محدودیت صفحات "جهان" و غیره) این نوشته فقط مدخلی تواند بود بر مسئله جایگاه زن در شعر پارسی.

تا کنون تلاشهای پراکنده‌ای از سوی "ادبا" و "ماجنظران امور ادبی" برای بررسی مقام زن در شعر فارسی بعمل آمده و چند کتاب و چندین مقاله در این زمینه به زیور طبع آراسته گردیده است. متتبعان کرانقدری که "نمونه آثار زنان پارسی سرا (را) با اسلوب تازه" (کشاوری صدر، از رابعه تا پروین، ص ۱۳ - بدست داده‌اند، باور دارند که:

زنان ایرانی قدم به قدم مردان در این راه (در راه شعر) گام برداشته و در نهادن هر خشتی روی خشت دیگر برای برپا کردن کاخ پرمجد و عظمت شعر و ادب فارسی، مردان را همکاری صمیمی و دستگیری موثر بوده‌اند و حتی در استقرار سنگ اول بنای شعر و شاعری دست و پنجهی هنرمند و ظریف بانوان دخیل بوده و در آرایش دوشیزگان طبع، کمال سلیقه را به خرج داده‌اند (کشاوری صدر، ص ۳۱ - تاکیدات از ماست).

چارچوب کلی شعر سنتی

بطور کلی در مسیر طولانی تاریخ ادبیات فارسی شعر سنتی اغلب وسیله‌ایست بی هدف که نه مسئولیتی اساسی برای خود می‌شناسد و نه پیامی مردمی با خود دارد. آنچه که بنام شعر - و یا بصورت درست تر نظم - "گنجینه ادبیات فارسی" را پر می‌کند، قالب‌های از پیش ساخته شده‌ای است که مداوماً و متناوباً به وسیله شعرا بازسازی می‌شود. من بیان در رابطه با سبکهای چهارگانه سنتی شعر فارسی در هر دوره دستخوش تحول و دیگرگونی میشود. سادگی سبک خراسانی خرقة عرفان سبک عراقی را در بر می‌کند. سپس پیچیدگی های سبک هندی شعر را در پیله‌های از ظرافت، باریک‌اندیشی، ابهام و استعاره فرو می‌پوشاند و سرانجام دوره بازگشت ادبی فرا می‌رسد تا ساده‌گویی سبک خراسانی دوباره زنده شود.

تلاش شعرای دوره "بازگشت ادبی" و "تجدید حیات شعر فارسی" نشان می‌دهد که شعر مسیر طبیعی تکامل خود را طی نمی‌کند. جمعی از سرایندگان در

کتابهای تذکره الخوائین (یادنامه زنان) و از رابعه تا پروین از عمده‌ترین منابعی است که در آنها میتوان نمونه‌هایی از آثار زنان پارسی‌گوی را فراهم دید. اما سیمائی که چنین منابعی از زنان سخن سرا تصویر می‌کنند، سیمائی کاملاً "مردانه" است و معیارهایی که شعر زنان با آنها سنجیده میشوند، معیارهایی است متعارف با جامعه مردسالارانه و براساس ارزشهای "مردانه". در این نوشته برای تصویر سیمای زن در شعر فارسی نخست طرحی کلی و مجمل از چارچوب شعر سنتی پارسی بدست داده میشود، آنگاه با اشاره به مناسبات

مقطعی خاص از تاریخ، ضرورت تغییر و تحول را در شعر فارسی احساس می‌کنند. ضرورت زدودن تکلفات و قید و بندهای سبک هندی در دستور کار شعرا قرار می‌گیرد. تصمیم گرفته می‌شود که سبک خراسانی احیاء گردد! و به این ترتیب شعر کهنسال فارسی از نظر شیوه بیان به دوران کودکی و نوجوانی خود بازپس رانده می‌شود. اما باز هم شعر فارسی تحول کیفی عمده‌ای را تجربه نمی‌کند و همچنان قالب مشخص برای بیان محتوای مشخص بکار گرفته می‌شود. قالب غزل هنوز هم عمدتاً حامل مضامین غنائی و عاشقانه است. مثنوی عموماً داستانهای بلند بزمی، عاشقانه و یا عارفانه را عرضه می‌کند و قصیده نیز همچنان بوسه بر رکاب قزل ارسلانها می‌زند و اگر از تجربیات ابن‌یمین، مسعود سعد سلمان و عبید زاکانی - این خطوط چشمگیر استثناء بر قاعده سنتی شعر - در گذریم، در طول تاریخ ادبیات فارسی، شعر تلاش‌گارسازی را برای شکافتن پوسته سخت سنتها و تنفس هوایی تازه تصور نمی‌کند. شعر مقوله‌ای است جدا از زندگی، ملغمه‌ای از ایده‌ها و آزمون‌های برای اثبات اولویت و ارجحیت تخیل بر تفکر و اندیشمندی. در "گنجینه" ادبیات کهنسال فارسی به ندرت می‌توان جای پائی از زندگی توده‌های مردم و زحمتکشان جامعه و تصویری از نابرابری‌های عظیم اجتماعی سراع گرفت. براسی "هنری" که از آخور دربارها و دارالخلافه‌ها تغذیه می‌کند، باید از چنین "پیرایه‌هایی" مبرا باشد. در چنین فضائی آنچه که زن و مرد به‌رشته‌ها - نظم در می‌آورند، تفاوت ماهوی ندارد. زیرا آنچه که به نظم در می‌آید نه ربطی به زندگی شاعر دارد و نه گوشه‌ای از اندیشه و دریافت‌وی را از دنیای پیرامون مجسم می‌کند و نه جهان بینی‌اش را عرضه می‌دارد. نتیجتاً تمام "هنر" شاعر در این خلاصه می‌شود که کلمات را چنان استادانه و بدیع در قالب سنتی بگنجانند که اشعارش "چیزی" کاملاً تازه و متفاوت بنظر آید و حتی المقصدور آثار متقدمان را در ذهن متبادر نکنند. در واقع شاعر به معماری می‌ماند که با مصالح مشخص (واژه‌ها) و طرح مشخص (قالب) ساختمانی مشخص (شعر) بنا می‌کند. بیهوده نیست که شعر فارسی به منزله "کاخ رفیع" زبان‌سازد خاص و عام است.

جایگاه زن

در مناسبات اجتماعی سنتی

بررسی علمی نقش زن در شعر، بی‌گمان مستلزم شناخت نقش زن در مناسبات تولیدی جامعه‌ای است که زن در آن تولد و نشو و نما یافته است. بدون شناخت مناسبات اقتصادی غالب و تعیین کارکرد زن در آن -

مناسبات، درک پایگاه اجتماعی زن و تاثیر حضور وی در مناسبات اجتماعی و فرهنگی، غیر علمی خواهد بود. پژوهشهای انسان‌شناسی و میتولوژی نشان می‌دهد که پیش از ورود اقوام آریائی به سرزمینی که بعدها ایران نامیده شد، مناسبات اقتصادی - اجتماعی مادرسالاری در این سرزمین حاکم بوده و حق مادری در میان بومیان این منطقه به رسمیت شناخته می‌شده است (رجوع شود به گیرشمن: ایران از آغاز تا اسلام، مهرداد بهمنسار: اساطیر ایران). کشف الهه‌های مختلف در حوزه‌های باستان‌شناسی و حضور عناصر عمده‌ای از فرهنگ مادرسالاری در افسانه‌ها و باورهای اقوام امروزی ایران، صحت این فرضیه را مدلل می‌کند. در جامعه مادرسالاری، زن בעلت ایفای نقش برتر در سازمان تولید و شرکت فعال در گردآوری مواد غذایی، طبیعتاً از مقام اجتماعی برتری برخوردار بوده و بر اساس حق مادری، تسبب وراثت و سکونت جنبه مادر تباری داشته است. بقول مارکس و انگلس، کشف کشاورزی - بوسیله زنان - شرکت فعال مردان در امر تولید کشاورزی، دیگرگونی ریشه‌های مناسبات تولیدی - اجتماعی کهن و "اضمحلال حق مسادری را که شکست تاریخی - جهانی جنس مونث بود"، در پی داشت. افزایش تولید و انباشت ثروت که با پیشرفت فنون کشاورزی و دامداری همراه بود، قدرت مرد را در جامعه افزونی بخشید و سرانجام غلبه و تثبیت اقتدار مرد، نظام پدرسالاری را به مناسبات غالب در جامعه، مبدل کرد.

بر اساس این مناسبات - که از نگاه تمدن بشریت آغاز شده و تا درهم شکستن نظام سرمایه‌داری در هر جامعه‌ای ادامه خواهد داشت - جنس مرد همواره از نقش برتر در مناسبات اقتصادی و اجتماعی برخوردار خواهد بود و همه مناسبات حقوقی، سیاسی و فرهنگی بر اساس اراده این جنس و در جهت خواسته‌های وی سازماندهی و بازتولید خواهد شد. ارزشهای اجتماعی با معیارهای "مردانه" به سنجش درخواهد آمد و هویت اجتماعی انسان بر اساس وابستگی به جنس مرد و درجه نزدیکی به ذهنیات و تمایلات "مردانه" تعیین خواهد شد.

سیمای زن در شعر فارسی

شعر سنتی فارسی بمتابه بخشی از رو بنای جامعه پدرسالارانه مانند همه مظاهر دیگر "فرهنگ و هنر" سنتی ایرانی، سمت و سوئی "مردانه" دارد و تار و پود آن با تفکرات، تمایلات، عادات و اخلاق مردان جامعه در هر دوره مشخص تاریخی پیوند خورده است. این تفکرات و تمایلات و این عادات و اخلاق که بطور کلی "دنیای مردان" را در فرهنگ پدرسالارانه شکل می‌دهد،

خصائص و خصلتهای جنس مذکر را بمنزله جنس غالب در خود متجلی می‌کند. "دنیای مردان"، دنیای جداگانه‌ای است که با دیوار چین از دنیای سرد و تاریک زنان جدا می‌شود. دنیای مردان، دنیای زندگی و حرکت است، دنیای اقتدار و حکم. اما دنیای زنان، دنیای کوچک قیدوبندهاست. مناسبات اجتماعی غالب زن را از بسیاری از اصلی‌ترین و اصولی‌ترین حقوق انسانی محروم کرده است و دریغاً که زن معمولاً خود این فرودستی را پذیرفته است و آنرا بمثابه "قوانین لایتغیر الهی" تلقی می‌کند:

حیست زن؟ ایوای، این بازیگر، این بازیچه چیست؟
 خلقتی مکروه، با غنچ و دلال آمیخته
 زشتخوئی را فرو پوشانده و با رنگ جمال
 "ضعف روحی را به روی احتیال آمیخته."
 آتشی سوزنده در اشک فریب‌افروخته
 شهوتی با عفتی بی اعتدال آمیخته.
 الغرضگر نقش‌هستی را نکو بیند کسی
 یک جهان زشتی است، با قدری جمال آمیخته!
 "زاله قراهانی"

برای زن سنتی افتخار و سرافرازی در این خلاصه می‌شود که از مردان تقلید کند، در برابر احساسات خود بی تفاوت باشد و بکوشد که مصنوعاً خود را به "مقام" مردان برساند. زن در فرهنگ سنتی و در شعر فارسی و در شعر سنتی، خویشتن خویش را کم کرده است و نمی‌کوشد، نمی‌خواهد و نمی‌تواند که خودش باشد. اگرچه فرهنگ مردسالارانه با تبلیغ شعار بهشت زیرپای مردان و... در حرف مقام رفیعی برای زن قائل می‌شود، اما در عمل با محروم کردن زن از حقوق اجتماعی‌اش، داغ خفت بر پیشانی‌اش می‌کوبد و زن خود این خفت را باور دارد. زن می‌کوشد و می‌خواهد درست‌همانی باشد که مناسبات اجتماعی مردسالارانه طلب می‌کند لذا با مضامینی از این دست خود را خوش می‌دارد که:

زنان فراخور مدحند و لایق تمجید
 که امهات کمالند و مستحق پسند
 سبزه شوی پرستان یا خرد که شوند
 به پیش شوهر خود همچو شیر نر بکنند!
 "فاطمه سلطان خانم"

و یا

درون برده عصمت که تکیه گاه من است
 مسافران صبا را گذر به دشواری است
 جمال سایه‌ی خود را دربع می‌دارم
 ز آفتاب که خود هرزه‌گرد و بازاری‌اسب
 "بادشاه خاتون"

برای زن رسیدن به مقام شاعری نیز زمانی میسر است که بتواند ضوابط شاعری جامعه مردسالاری را در سرودهایش ملحوظ و مرعی دارد، از آنها با چیره‌دستی تقلید کند و در این گستره خود را به "مدارجی از کمال" برساند که تفکیک و بازشناختی شعرش از شعر مردان دشوار باشد. در حالیکه شاعران مرد بی پروا به وصف زیبایی‌های معشوقه "زن" خود می‌پردازند، شاعران زن مجاز نیستند که زیبایی‌های معشوق "مرد" شان را بستانند. در شعر سنتی فارسی سروده‌های شاعران زن نیز در خدمت امیال و آرزوهای مردان است:

دین و دل از دست من بر بود زیبا دلبری
 دلبری مه طلعت و شکر لب و سیمین بری
 دلنواز و شاهباز و سرفراز و ترک‌تاز
 دل رباینده نگاری، گل رخ مه پیکری
 ماه‌رو، خوش‌گفتگو، مشکینه‌مو و تند خو
 با دو چشم جنگجو در ملک جان غارتگری
 "حیران خانم"

کنکاش در سروده‌های زنان پارسیگوی سنتگرا برای تعیین هویت مستقل آنان، برای شناخت عواطف و تمایلاتشان و بررسی دنیای احساس و ادراکشان، کنکاشی بیپوده است. زیرا زنان خود هنجارهای جامعه مردسالارانه را بمثابه هنجارها و ارزشهای راستی و "مقدر" پذیرفته‌اند و آنها را معیار موجودیت خود بمنزله موجودی فرودست ارزیابی می‌کنند. مهستی گنجوی، معاصر سلطان سنجر سلجوقی، تنها شاعری که پای از دایره محدودیت‌های سنتی فراتر می‌نهد و مضامینی از این دست ساز می‌کند:

شبا که به ناز با تو خفتم همه رفت
 درها که به نوک مژه سفتم همه رفت
 آرام دل و مونس جام بودی

رفتی و هرآنچه با تو گفتم همه رفت

ما را به دم پیر نگه نتوان داشت
 در حجره دلگیر نگه نتوان داشت

آنها که سرزلف‌چو زنجیر بود
 در خانه به زنجیر نگه نتوان داشت

از من طمع وصال داری
 الحق هوس محال داری

و لم نتوان به جواب دیدن
 این چیست که در خیال داری؟

جایی که صبا گذر ندارد
 آیا تو کجا مجال داری؟

شعر سنتی فارسی که از آبخور فرهنگ پدرسالاری - سیراب می‌شود، کلا شعری درباری است و شاعران عموماً بقیه در صفحه ۴۵

استثمار بی!

ای معلم هم‌رمز، ما پیروز خواهیم شد

نوی معلم مبارز و آگاه
که در کلاس درس زندگی را به ما آموختی،
به ما آموختی آنچه را که در کتابها نبود.
تو در درس فارسی و تاریخ و...
شب را،
فقر و جهل و جنگ
و پیروزی را
به ما شناساندی.
تو به ما یاد دادی که چگونه در شب دنبال جرقه
ای بگردیم
و چگونه با سلاح آگاهی و همبستگی نیرنگی
شب را بشکافیم.
و چگونه با فقر و جنگ بجنگیم.

تو «صمدی»
تک درخت کویر،
که امید زندگی را در دل شوره زارها رو یابد.
تو «هرمزی»
تو «مخنوم» هستی
که با به پای نوبهٔ مهین
رزید، تا آخرین نفس

تو نوید روز را در دل شب به ما دادی
گفتی که برای رسیدن به روز
بشت هر جرقه در شب باید سنگری ساخت
تو گفتی شب ناتوان است و
آزادی در زنجیر نمی ماند.
تو گفتی که در یگانا امیر یالیم و ارتجاع
همه با هم خواهیم بود:
در یک سنگر...

تو به ما آموختی که امیر یالیم یعنی چه
که امیر یالیم نابود شدنی است
که خورشید بر سراسر جهان دامن خواهد گسترده.

تو دست ما را در کوره راه مبارزه گرفتی
و با گامهای استوارت راهبرمان شدی
ما متحد و یگانه ایم
ما هم‌رمز و هم سنگریم
ما پیروز خواهیم شد...

از دانش آموز پیشگام غ-ب-ح جلفای ارس

دریا طغیان کن!

طغیان کن!

اعماق تیره ات را بنما

و کفهای خمناکت را

تا ابرها پرتاب کن،

و با آن بر آسمانها بنویس

به نشانهٔ ابدیت:

هر چند کشتی در بالا است

و امواج در زیر

اما سرنوشت کشتی در دست

امواج است.

نادر و پتومی - شاعر انقلابی

مجارستان

دیگر نمی‌گذاریم
بر یگانندگان ستم
نیروی بازوانمان را تاراج کنند.
قانون کهنه را بدور افکن
این قانون
شلاق ستگران است.
ما قانون بهتری خواهیم آورد:
قانون اتحاد،
کار،
مسأوات،
آزادی.
بگذار خون ستگران
چون رودخانه‌ای
بر ستغرش خیا بانها جاری گردد،
سپیده باز دمید
اول ماه مه است.
در سحرگاه اول ماه مه
شعبور گون "دمیده می‌شود
تا پروتاریای تمام جهان
این گارد سرخ تاریخ
به پا خیزد.

پرولتار جوان!
به یاد "گوماردهای" قهرمان
که پرچم سرخ را برافراشتند،
صف رزمندگان را فشرده تر کن!
دیروز را به یاد آور
در زنجیر،
امروز را ببین!
در رزم،
و فردا را
بوی شک در فتح.
ما پیشواز دنیای تازه‌ایم،
پارتیزان هدفهای اصیل،
و در گولها مان:
فردای تو
انسان تو
زندگی تو را
بر پشت می‌کشیم.

آنجا بر پیشانی افق
آن ستاره سرخ را می‌بینی؟
هر شش‌انگش مال ما است:
مال من
تو

همه،

اما تا جنگیم
پیروزی محال است.
برویم تا بنیانهای کهنه را ویران سازیم.
سپیده باز دمید
اول ماه مه است.

از صف جدا نشو!

از راه باز نمان!

همپای صف قدم بردار،

هر گوشه، هر کنار،

سنگر ما است.

ما مثل کوهساران
با برچاشیم

و اقیانوس وار
بهم پیوسته.
و کینه سرمایه اندوزان
چون آبی در گامه سنگی
همواره در دل ما باقیست.
ما از تبار رجیم،
از دودمان زحمت،
ما پیکنهای بهاریم
و سوسیالیسم
بهار تاریخ است.
بازویت را به من بده
و قلب پر کینه‌ات را،
که هم امروز
پیگاری بی‌رحمانه
به پهنای جهان در می‌گیرد.
حافظه تاریخ اشتباه نمی‌کند.
پیگار ما سرانجام پیروز است
این بشارت تاریخ را باور کن.
برویم تا گاو صندوق‌ها را تیرباران کنیم.
سپیده باز دمید
اول ماه مه است.

در سحرگاه اول ماه مه
با اولین طلایه خورشید
آسمان رنگی دیگر می‌گیرد:
رنگ آتش شعله‌ور
رنگ خون گوماردهای جوان
و پیشاری ما
جنگی به وسعت آسمان در می‌گیرد.
قیام مسا

ببرد افزار ماست

و سوسیالیسم

پرچم سرخ ما،

دو نشانه موشانه از هدفی مقدس:

آزادی تمام ستمدیدگان روی زمین!

برویم تا دشمنان آزادی را سنگسار کنیم.

سپیده باز دمید
اول ماه مه است.

چهره تاریخ

بر عکس چهره انسانهاست

هر روزی که می‌گذرد
جوانتر می‌گردد.

و از فردا

خورشیدی دیگر

فرداهای دیگر را روشن خواهد ساخت.

روزی بزرگ در پیش است

وینک پیگار

نزدیک

نزدیکتر

از همین لحظه!

هان

گارد سرخ تاریخ

برپا!

برویم تا تاوان رنجبامان را مصادره کنیم

سپیده باز دمید

اول ماه مه است.

از سرودهای کارگران معادن آستوری-اسپانیا

این موسیقی را می‌شنوید؟
ای شما که هنوز بی‌خبرید
شما حالا می‌آموزید
که توده چگونه سرگرم می‌شود.

دریا می‌خروشد و می‌گرد

کشتی‌های موج

به اعماق جهنمی فرو می‌روند

دکلیها و باداها در هم شکسته و

باره باره آویخته است.

دریا

طغیان کرده است

دریا طغیان کرده است

دریای توده‌ها

و نیروی هول انگیزی

چون امواج خروشان بر می‌جهد.

که آسمان و زمین را می‌ترساند.

این رقص را می‌بینید؟

کدکهای مالی

به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

هموطن! نشریه "جهان" را برای خود و دوستان خود مشترک شوید. برای تهیه نشریات "گار"، "ریگای گدل"، "بامی استار" و "جهان" با آدرس های زیر مکاتبه نمایید.

اتریش
I. S. V. W.
POST FACH 122
POST AMT 1061 سلیک ۱۲۰ شماره ۶
WIEN-AUSTRIA نیلیگ ۲۳۰ شماره ۱۲

آلمان غربی
POSTFACH 3653
7500 KARLSRHE,
W. GERMANY
۶ شماره ۱۵ مارک
۱۲ شماره ۲۵ مارک

آمریکا
JAHAN
P.O. BOX 75729
LOS ANGELES, CA, 90075 دلار ۸ شماره ۶
U.S.A. ۱۲ شماره ۱۵ دلار

انگلستان
OIS
BM KAR
LONDON, WC1N 3XX
ENGLAND
۶ شماره ۵ پوند
۱۲ شماره ۹ پوند

ایتالیا
M.C.P. 6329
ROMA PRATI
ITALY
۶ شماره ۱۲۰۰۰ لیر
۱۲ شماره ۲۳۰۰۰ لیر

بلژیک
E.I.
B.P. 8
1050 BRUXELLES 5
BELGIQUE
۶ شماره ۵۰۰ فرانک
۱۲ شماره ۹۰۰ فرانک

سوئد
ISS
BOX 50057
10405 STOCKHOLM
SWEDEN
۶ شماره ۸۰ کرون
۱۲ شماره ۱۲۰ کرون

فرانسه
A.C.P.
B.P. 54
75261 PARIS CEDEX 06
FRANCE
۶ شماره ۷۰ فرانک
۱۲ شماره ۱۲۰ فرانک

کانادا
ISS
C.P. 4 AHUNTSIC
MONTREAL, P.Q.
H3L 3N5 CANADA
۶ شماره ۱۰ دلار
۱۲ شماره ۱۸ دلار

هلند
P.B. 11491
1001 G.L. AMSTERDAM
NETHERLANDS
۶ شماره ۱۸ فلورن
۱۲ شماره ۳۲ فلورن

رفقهای مادرید ۳۰۰۰
آلمان مارک
رادیوفدائی ۲۰
رفیق جرسی ۱۰
رفیق اسکندر ۲۰
رفیق احمدراه ۲۰
رفیق توکل ۲۰
رفیق کاطم ۲۰
هامبورگ فدائی ۲۲
مدائی شهید ۷۰
آرتزنگ
رفیق احمد ۲۰۰
رفیق ۷۸۲/۲۵
کاطم ۲۵۰
KURDISTAN ۴۷۷
KURDISTAN ۱۲۰
وقایع ارسلی ۲۱
مدائی شهیدمدری ۱۲۴
رفیق جهان ۳۰۰
رفیق تایمار ۲۴/۶۵
رفیق شهید
کمال سهنی ۵ دلار

بام شهر سلس درلیت
کدکهای مالی آلمان در
"جهان" شماره ۲۸ از
قلم افتاده بود که
سیدوسيله تمیح میشود

۱۲۳۷ برلس
مری حدی نما رسید.
۳۰ ک.ب. برلس مری کافیا
برلس ک.ب. شریف ۲۶
مراتسه
رفقای بردو ۵۰۰
سین - ۲۲ ۲۰۰
مد- ممو ۱۰۰
شهید مهدی
علوی توشتری ۵۰۰
تولوز
شهید مصطفی
رسولی -
تولوز
رفقای نانی ۵۰۰
شهید فدائی
انوالفعل
قزل اباک
پاریس- الف ۱۰۰۰

رفیق مهروش ۱۰
لسین ۱۲
مارکس ۳۰
شهادی بلوچستان ۸۲
شهادی اسفند ۷۰
معمرتا ریخفدائی ۷۲
شهادی فدائی ۱۰
حیدر- لندن ۱۰۰
جهان ۲۷
الف- لندن ۲۵
شهادی اسفند ۱۰
رفقای اسکاتلند ۲۰۰
اسقلاب ۵
لسین ۵
حیدر- لندن ۱۵۰
شهادی خلق ۲۵
بررگداغ شمساهکل ۱۰۱
ع - م ۲۰
ندائی ۲۰۰
رفقای پلنتون ۲۲
رفقای منچستر ۱۶۶

کانادا دلار
رفیق جزئی ۳۰
آرش ۱۵
مدائی شهیدرفیق
خلال مغراخی ۵۵
سام ۳۰
سدون کد ۶۰
شماس- مونترال ۲۰
به یاد ارسی ۶۵
سین جزئی ۳۰
رفیق کبیر
اسکندر (۲) ۱۳۰
نظارات غلبه
ریگان ۲۶
سما ۵
مدائی شهیدمدادی
مطری ۲۰
۲۴۶۵
اسپانیا
پروزا
رفقای مادرید ۵۰۰ (فرانک)
آنتی دورینگ ۶۰۰
شهید جزئی ۲۰۰۰

رادیوفدائی ۱۵
رفیق محمود ۳۰
مبارزه ۱۰۰
مرصه اسکوتی ۲۰
رفیق محمود ۱۰
استرناسیونال
پرولتاری ۳۰
داس و چکش ۲۰
۷۵ متر ۲۰
یویان ۲۰
فرماز- ایمنیایوبیس

تورکیه مارک
رفیق شهید
محمد رحیمی ۳۰۰۰
رفیق لسین ۵۰
رفیق نظام ۲۰
رفیق هادی ۳۰۰
ستارخان - امیر ۲۰

سوئد کرون
اسقلاب ۱۵۰۰
عزل ۱۰۰
ساک ۱۱۰
سپاهکل ۱۰۰

انگلستان پوند
۱۴۱۶۶۱ ۲۰
اسگلس ۱۸
شهیداسکندر ۵۷
رفقای خوب ۳۱
ولر ۱۲
خلق لر ۲۰
لسین ۱۱۰
لسین ۶۴
مد- مسجتر ۲۰
رفقای استرالیا ۶۳
رفیق اسکندر ۵۷

آمریکا دلار
مد بهرگی ۲۵
ع - ن ۵
اول ماه مه ۱۵۰
م- واحد ۸۰
رفیق کبیر
سین جزئی ۱۰
شوراهای
کارگری ۱۰
مارکس ۲۵
ب- رادیوفدائی ۱۰۰
ب- کردستان ۶۰
مدآموزگار ۲۰
ک. س. س حوره ۵۰
۱۱۴ - ۱۸۰
حسن طریفی -
ستن ۲۴۰
حمین کریمی -
ستن ۱۶۰
سعیدگلانی -
ستن ۱۲۰
اشرف سپکشی -
ستن ۳۰
دالاس ۲۶۰
مادیاگو- صد ۸۰
اسنالیس ۲۰
مادیاگو س-صد ۲۰
لامایت - شهادی
کسما ۱۰۰
م- نیواورلئان ۱۰
لامایت- رور
جاسی رن ۲۵
ز - ۱۰۰ ۲۰
رفیق کارگر
مهاکگر ۱۱۰
دالاس ۶۴
لسنووک وار ۲۰
رادیوفدائی ۷۰
رادیوفدائی ۱۵

هموطن! کدکهای مالی خود را به آدرس زیر واریز نموده:

A.A.H. نام حساب
739066 F شماره حساب
CREDIT LYONNAIS
134 Bd. VOLTAIRE
75011 PARIS, FRANCE
و رسید آنرا همراه کد مورد نظر به آدرس
ذیل ارسال نمایید.
A.C.P.
B.P. 54
75261 PARIS, CEDEX 06, FRANCE

برای تماس با جهان با آدرس زیر مکاتبه نمایید:

JAHAN جهان
P.O. BOX 540
N.Y. N.Y. 10185 U.S.A.

فرم اشتراک

هموطن عزیز:

برای اشتراک "جهان" در آمریکا لطفا وجه اشتراک را به همراه این فرم به آدرس زیر ارسال کنید. در صورت اقامت در کشورهای دیگر، برای دریافت "جهان" با آدرس هواداران در نزدیکترین کشور، مکاتبه نمایند.

بهای اشتراک:

۶ شماره ۸ دلار

۱۲ شماره ۱۵ دلار

آدرس مشترک شوند:

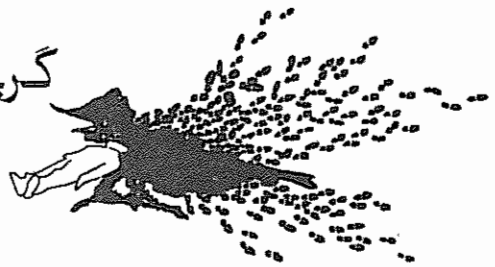
.....

.....

JAHAN
P.O. BOX 75729
LOS ANGELES, CA 90075, U.S.A.

گرچه ما میگذریم

راه میماند



غم نیست!

به یاد
هزاران
شهید
گمنام
اردیبهشت ماه



تن تو کوه دماوند است
با غروری تا عرش
دشنة دژخیمان نتواند هرگز
کاری افتد از پشت
تن تو دنیائی از چشم است
تن تو جنگل بیدار بهاست
همچنان پا بر جا

که قیامت

ندارد قدرت

خواب را خاک کند در چشمت .

حسرو گل سرخی

کارگران شهید جهان چیت

وجیه الله چشم افروز درگیری ۱۳۵۰/۲/۸
علی کارگر درگیری ۱۳۵۰/۲/۸
حسین نیکوکار درگیری ۱۳۵۰/۲/۸

اسامی برخی از شهدای فدائی اردیبهشت ماه

محسن رفعتی درگیری ۱۳۵۹/۲/۱
رویا علی پناه فرد درگیری ۱۳۵۹/۲/۱
مرشته گل عبریان درگیری ۱۳۵۹/۲/۱
پروین افروزه درگیری ۱۳۵۹/۲/۱
احمد مودن تیراران ۱۳۵۹/۲/۱۳
معمود دانیالی تیراران ۱۳۵۹/۲/۱۳
کمال کیانسر درگیری ۱۳۵۹/۲/۲۳
حمید صفری نژاد تیراران ۱۳۶۱/۲/۱۲
اکبر صمیمی تیراران ۱۳۶۱/۲/۱۴
محمدعلی حسنی تیراران ۱۳۶۱/۲/۱۵
ابوالقاسم تاجعلی تیراران ۱۳۶۱/۲/۲۵
اکبر مسلم خانی تیراران ۱۳۶۲/۲/-
کبری حدریان تیراران ۱۳۶۲/۲/۳۰
علی کرم داوودی تیراران ۱۳۶۲/۲/۳۰

اسامی برخی از شهدای سازمانهای دیگر

طاهره سیدآبهای تیراران ۱۳۶۲/۲/۶ راه کارگر
مهندس معتمدکسوان درگیری ۱۳۶۱/۲/۱۲ چریک فدائی
سورورعلی احمدی تیراران ۱۳۶۲/۲/- بیکار
طالح امراساسان درگیری ۱۳۶۳/۲/۲۹ کوموله
کمال اسدی درگیری ۱۳۶۲/۲/۲۷ حزب دمکرات
طلس مراد پور تیراران ۱۳۵۹/۲/۹ محاهدسی

نام شهدا	نوع شهادت	تاریخ شهادت
خلیل سلیمان نژاد	درگیری	۱۳۵۰/۲/۱۸
کاظم سعادت	درگیری	۱۳۵۰/۲/۲۳
مرقیه احمدی اسکویی	درگیری	۱۳۵۲/۲/۶
شرین معاضد (فضیلتکلام)	درگیری	۱۳۵۴/۲/۱
علی اکبر (فریدون) جعفری	درگیری	۱۳۵۴/۲/۲
محمود نمازی	درگیری	۱۳۵۴/۲/۲۰
هادی فرجاد پزشکی	درگیری	۱۳۵۵/۲/۱
فریده (فاطمه) غروی	درگیری	۱۳۵۵/۲/-
تورج اشتری	درگیری	۱۳۵۵/۲/-
مصطفی حسن پور اصیل	درگیری	۱۳۵۵/۲/-
هوشنگ اعظمی لرستانی	درگیری	۱۳۵۵/۲/۲۵
لادن آقا	درگیری	۱۳۵۵/۲/۲۵
مهوش حاتمی	درگیری	۱۳۵۵/۲/۲۵
محمدرضا قنبرپور	درگیری	۱۳۵۵/۲/۲۵
احمدرضا قنبرپور	درگیری	۱۳۵۵/۲/۲۵
فرزاد دادگر	درگیری	۱۳۵۵/۲/۲۵
عزت غروی	درگیری	۱۳۵۵/۲/۲۵
ارژنگ شایگان شاماسی	درگیری	۱۳۵۵/۲/۲۵
نا سرشایگان شاماسی	درگیری	۱۳۵۵/۲/۲۵
فرهاد صدیقی پاشاکی	درگیری	۱۳۵۵/۲/۲۵
قربانعلی زرکاری	درگیری	۱۳۵۵/۲/۲۵
جهانگیر یاقریور	درگیری	۱۳۵۵/۲/۲۵
محمدخرم آبادی	درگیری	۱۳۵۵/۲/۲۷
بهرز ارغمانی	درگیری	۱۳۵۵/۲/۲۸
اسماعیل عابدی	درگیری	۱۳۵۵/۲/۲۸
زهره مدیرشانهچی	درگیری	۱۳۵۵/۲/۲۸
حسین قاسمی	درگیری	۱۳۵۵/۲/۲۸
میترا بلبل صفت	درگیری	۱۳۵۵/۲/۲۸
غلامی	-	۱۳۵۶/۲/-
میرزائی	-	۱۳۵۶/۲/-
عبدالله پنجه شاهی	درگیری	۱۳۵۶/۲/۱
نسرین پنجه شاهی	درگیری	۱۳۵۶/۲/۴
مادقی	درگیری	۱۳۵۹/۲/۱
احسان الله ایمانی	درگیری	۱۳۵۹/۲/۱
فریدون آشوری	درگیری	۱۳۵۹/۲/۱
غلامحسین خاکباز	درگیری	۱۳۵۹/۲/۱

JAHAN

VOL. 4, NO. 31, MAY 1985

P.O. BOX 540, NEW YORK, N.Y. 10195, U.S.A.

